

هوالمحبوب

ما می توانیم

در آستانه بهار طبیعت به تلاشهایی که در انتهای بهار از سوی میلیونها دانش آموز به ثمر می نشیند و آنها که چشم به دروازه های دانشگاه دارند و به همه همکاران و دانش آموزان سمپادی و غیر سمپادی تیریک و خسته نباشید می گویم. امید است بهار ۸۴، بهار شکفتگی هر چه بیشتر استعدادها در ایران عزیز باشد. به کم مایگی «فرومایگان» نیندیشیم و بدانیم که «خواستن توانستن» است. در بهمن ۵۷ ملتی اراده نمود مزدوران بیگانه حاکم بر سرزمین خود را به زباله دان تاریخ بریزد و اکنون تصمیم گرفته است میراث شوم فرهنگی آنها را که «مانمی توانیم»، پی آمد آنست، با پیام ملکوتی امام راحل (ره) گره بزند که «ما می توانیم»، و عینیت بخشیدن این «توانستن» به یک «باور» احتیاج دارد و «انگیزه ای» همانند آنچه انقلاب بهمن را تحقق بخشید و تا امروز پابرجا نگاهش داشته است.

«ما باید به فناوری جهشی دست پیدا کنیم، ما باید بتوانیم بر فناوریهای موجود دنیا بیفزاییم، ما باید بتوانیم اختراع صد در صد ایرانی را در بازارهای دنیا مطرح کنیم... جامعه ای که پزشک، ستاره شناس و عالم اجتماعی هزاران سال قبلش، قرنها بعد در دنیا درخشیده است، پیشرفت کنونی برای او کم است.»*



* رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از مهندسان و محققان فنی و صنعتی کشور ۱۳۸۳/۱۲/۵

«سمپاد» با دو سال حضور پی در پی در المپیاد جهانی «نجوم» و کسب مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی برای این المپیاد، همانند المپیاد فیزیک، باشگاه دانش‌پژوهان جوان را به سوی رویکرد عملی به این المپیاد کشاند. اینکه در سال ۱۳۸۳ هیچ غیرسمپادی عضو تیم‌های ملی المپیادهای ایران نبود تا مدالی برای ایران کسب کند، سبب شد فاصله مدالهای مراکز سمپاد با مدالهای کل دبیرستانهای ایران، باز هم زیادتر گردد. در مجموع مراکز سمپاد تاکنون ۲۰۸ مدال جهانی از ۲۸۶ مدال کسب شده توسط تیمهای ملی ایران را به خود اختصاص داده‌اند (۷۲/۷۳ درصد)، که تنها ۹۱ مدال آن متعلق به «علامه حلی تهران» است.



درگذشت عضو هیئت امناء سمپاد و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش، مرحوم «مهندس علاقه‌مندان» بسیار غم‌انگیز و دردناک بود. ضمن تسلیت این درگذشت نا بهنگام و طلب مغفرت برای ایشان، امیدواریم تلاشها و زحمات او در طول فعالیت در وزارت آموزش و پرورش سالها مورد استفاده نسل جوان ایران اسلامی قرار گیرد.

مدیر مسئول

یک نتیجه منحصر بفرد

نگاهی به حضور سمپاد در تیمهای ملی المپیادهای ایران
و کنکور سراسری در سال ۱۳۸۳

جواد اژه‌ای

● سمپاد در آوردگاههای علمی جهانی سال ۱۳۸۳

بدون تردید نتایج مراکز «سمپاد» در سال ۱۳۸۳، علاوه بر منحصر بفرد بودن، شاید برای خود سمپاد هم قابل تکرار نباشد. از ۳۶ طلای کشوری که در شهریور ۱۳۸۲ اعلام گردید - یعنی ۳۶ مجوز ورود بدون کنکور به دانشگاهها در سال ۱۳۸۳ - سمپاد به تنهایی ۳۵ مجوز آن را به دست آورد و در نتایج نهایی که ابتدای سال ۱۳۸۳ به دست آمد، مشخص گردید هر ۲۳ نفر عضو تیمهای ملی المپیادهای ایران، سمپادی هستند. «علامه حلی تهران» با ۱۳ طلای کشوری، ۲ طلای جهانی، ۴ نقره جهانی و ۲ برنز جهانی در سال ۱۳۸۳ و جمعاً با ۹۱ مدال جهانی، در سطح آسیا بالاترین مقام را دارد. «شهید اژه‌ای اصفهان» امسال با کسب ۳ طلای کشوری، ۱ طلای جهانی و یک نقره جهانی در سال ۱۳۸۳ و در مجموع با ۲۱ مدال جهانی، در جایگاه دوم ایران قرار گرفته است. «شهید هاشمی نژاد مشهد» با ۳ مدال نقره جهانی سال ۱۳۸۳ و کسب ۱۸ مدال جهانی در طول سالهای حضور در المپیادها، در مرتبه سوم و «فرزانگان تهران» با یک مدال طلای جهانی و ۲ مدال نقره جهانی در سال ۱۳۸۳ و جمعاً ۱۳ مدال جهانی، جایگاه اول بین مراکز دخترانه ایران و جایگاه چهارم بین کل مراکز ایران را دارد (جدولهای ۱ و ۲).

براساس جدول ۲، از مراکز سمپاد، ۲۷ مرکز در مجموع موفق به کسب ۲۰۸ مدال (۵۷ مدال طلا ۹۸ مدال نقره و ۵۳ مدال برنز) جهانی به همراه چند دیپلم افتخار شده‌اند، در حالی که کل مدال‌های کسب شده تیمهای ایران، ۲۸۶ مدال بوده است. جدول ۳، مدالهای کسب شده توسط

جدول ۱- برندگان مدال طلای کشوری و همینطور مدال اعضاء تیمهای جهانی

المیادهای دانش آموزی ایران در سال ۱۳۸۳

ردیف	نام و نام خانوادگی	شهر	مرکز	مدال جهانی	المیاد
۱	بهزاد مهرداد	تهران	علامه حلی	طلا	ریاضی
۲	محمدباقر ایرجی	گرگان	شهید بهشتی	نقره	
۳	عادل جوانمرد	اصفهان	شهید اژه‌ای	نقره	
۴	علی اکبر دائمی	تهران	علامه حلی	نقره	
۵	عرفان صلواتی	تهران	علامه حلی	نقره	
۶	محمد قراخانی	شهرری	شهید بهشتی	نقره	
۷	پدرام پاد	اصفهان	شهید اژه‌ای	□	
۸	میلاد صیامی	کرمانشاه	شهید بهشتی	□	
۹	روزبه فرهودی	تهران	علامه طباطبائی	□	
۱۰	عباس محرابیان	تهران	علامه حلی	□	
۱۱	شایان اویس قرن	اصفهان	شهید اژه‌ای	طلا	کامپیوتر
۱۲	سیدحسین کفاش بخارایی	مشهد	شهید هاشمی نژاد	نقره	
۱۳	سیدالبرز مظلومیان	بابل	شهید بهشتی	نقره	
۱۴	آیدین نصیری شرق	کرج	شهید سلطانی	نقره	
۱۵	پویا حاتمی	کرج	شهید سلطانی	□	
۱۶	صالح دیندار	قم	شهید قدوسی	□	
۱۷	علی غلامی رودی	بابل	شهید بهشتی	□	زیست
۱۸	محمدحسین امیری	تهران	علامه حلی	نقره	
۱۹	عارفه قدسی زاده	شیراز	فرزندگان	برنز	
۲۰	سیده نینا معصوم	مشهد	فرزندگان	برنز	
۲۱	علی زندیه	تهران	علامه حلی	دیپلم افتخار	
۲۲	افسانه مرتضی	تهران	فرزندگان	□	
۲۳	هانیه فلاحتی	شیراز	فرزندگان	□	فیزیک
۲۴	مهرداد بابادی	تهران	علامه حلی	طلا	
۲۵	بهروز عبیری	شیراز	شهید دستغیب	طلا	
۲۶	مهرداد میربابایی	قزوین	شهید بابایی	طلا	
۲۷	فرهاد پاشاخانلو	تهران	علامه حلی	نقره	
۲۸	حمیدرضا چلبی	تهران	علامه حلی	برنز	
۲۹	محسن عربگل	کرج	شهید سلطانی	□	
۳۰	پویا مولوی	تهران	علامه حلی	□	شیمی
۳۱	سیداسماعیل سیدان	مشهد	شهید هاشمی نژاد	نقره	
۳۲	امیر صابری	مشهد	شهید هاشمی نژاد	نقره	
۳۳	هامون طهماسبی	همدان	علامه حلی	نقره	
۳۴	رضا نصیری محلاتی	تهران	علامه حلی	برنز	
۳۵	پاشا انوری	تهران	علامه حلی	□	
۳۶	حسین عادل جلودار	بابل	شهید بهشتی	□	نجوم
۳۷	سارا فیض بخش	تهران	فرزندگان	طلا	
۳۸	نیلوفر افسری اردچی	تهران	فرزندگان	نقره	
۳۹	هیوا پذیرا	تهران	فرزندگان	نقره	
۴۰	نگین سهراب خانی	کرج	فرزندگان	برنز	
۴۱	آزاده فتاحی	کرج	فرزندگان	برنز	
۴۲	محسن رمضانپور	تهران	علامه حلی	□	
۴۳	امید شکر الهی	شیراز	شهید دستغیب	□	
۴۴	سارا مشحون	تهران	فرزندگان	□	

دانش آموز از مراکز سمپاد □ طلای کشوری □

دبیرستانهای غیرسمپادی را نشان می‌دهد که از نظر تعداد، تفاوت اساسی با سال قبل ندارد؛ تنها درصد مدالهای غیر سمپادی به ۲۷/۲۷ درصد کاهش یافته و تعداد مدالهای جهانی سمپاد به ۷۲/۷۳ درصد افزایش یافته است. براساس جدولهای ۲ و ۳، پس از «علامه حلی تهران»، «شهیدآزاده‌ای اصفهان»، «شهیدهاشمی نژاد مشهد» و «فرزانگان تهران»، «شهیدسلطانی کرج» با ۱۱ مدال جهانی و «شهیدبهشتی شهری» با ۷ مدال جهانی در رده‌های پنجم و ششم ایران قرار دارند. براساس جدول ۳، «نمونه رشد» منطقه ۱۶ تهران با ۳ طلا، ۲ نقره و ۱ برنز و جمعاً ۶ مدال جهانی، در رتبه هفتم و دبیرستان «نیکان» تهران با ۲ طلا، ۲ نقره و ۲ برنز، در رتبه هشتم ایران قرار دارند. دبیرستان «مفید» تهران با یک طلا و ۴ نقره، مکان نهم و دبیرستان «کمال» تهران هم با ۱ طلا، ۳ نقره و ۱ برنز، رتبه دهم برندگان مدالهای جهانی در بین دبیرستانهای ایران را به دست آورده‌اند. رتبه‌های یازدهم و دوازدهم کشوری ایران را «شهیدمدنی تبریز» و «شهیددستغیب شیراز» هر کدام با ۵ مدال جهانی در اختیار دارند (جدول‌های ۲ و ۳).

○ همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، امسال ۱۶ مرکز سمپاد مدال طلای کشوری داشته‌اند که از بین آنها، سمپادیهای ۱۴ مرکز، در مسابقات جهانی حضور یافته‌اند. کسب اولین مدال طلا برای «شهیدبابایی قزوین»، اولین نقره برای «شهیدبهشتی گرگان» و همینطور ۵ مدال جهانی نجوم برای «فرزانگان تهران» و «کرج» از نکات قابل توجه این نتایج است.

□ ریاضی

○ در چهل و پنجمین المپیاد «ریاضی» که در اواخر تیرماه ۸۳ در کشور «یونان» برگزار شد، تیم ایران در بین ۵۱۰ برگزیده از ۸۵ کشور جهان، مقام نهم را کسب نمود. تیم ایران در سال قبل رتبه هفدهم را به دست آورده بود. در این دوره، «علامه حلی تهران» یک طلا و دو نقره و «شهیدآزاده‌ای اصفهان»، «شهیدبهشتی شهری» و «گرگان» هر کدام یک نقره جهانی دریافت کردند.

○ در این گروه در بخش طلای کشوری، تنها طلای کشوری غیرسمپادی مربوط به «علامه طباطبائی» تهران بود و «علامه حلی تهران»، «شهیدآزاده‌ای اصفهان» و «شهیدبهشتی کرمانشاه» هم سه طلای کشوری را به خود اختصاص دادند (جدول ۱).

□ کامپیوتر

○ تیم کامپیوتر که سال قبل به خاطر مسئله انگشت نگاری آمریکائیا، به مسابقات منطقه‌ای اروپا در «آلمان» اعزام شده بود، امسال در شانزدهمین دوره آن در بین ۸۰ کشور شرکت کننده و از میان ۳۲۰ نفر برگزیده در کشور «یونان»، در اواخر شهریور، موفق به کسب رتبه پنجم جهان گردید. در این مسابقات، همانند المپیاد ریاضی، چینی‌ها رتبه اول را کسب نمودند و تیم ایران

موفق به کسب یک طلا توسط مرکز «شهیدآزاده‌ای اصفهان» و سه نقره جهانی توسط «شهیدبهشتی بابل»، «شهید سلطانی کرج» و «شهیدهاشمی نژاد مشهد» گردید.
 ○ ۳ نفری که در این گروه موفق به کسب طلای کشوری شدند، از «شهید قدوسی قم»، «شهیدسلطانی کرج» و «شهیدبهشتی بابل» بودند (جدول ۱).

جدول ۲- مراکزی از سمپاد که دانش‌آموزان آنها موفق به عضویت در تیمهای ملی المپیادهای شش‌گانه ریاضی، کامپیوتر، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و نجوم شده‌اند، همراه با نوع مدال جهانی، تا سال ۱۳۸۳.

شهر	دبیرستان			ریاضی			کامپیوتر			فیزیک			شیمی			زیست‌شناسی			نجوم			جمع			جمع کل	
	طلا	نقره	برنز	طلا	نقره	برنز	طلا	نقره	برنز	طلا	نقره	برنز	طلا	نقره	برنز	طلا	نقره	برنز	طلا	نقره	برنز	طلا	نقره	برنز		
ارومیه																									۳	
اصفهان																										۲۱
																										۲
اهواز																										۲
بابل																										۳
تبریز																										۵
تهران																										۹۱
																										۱۳
رشت																										۳
زاهدان																										۱
ساری																										۳
شهرری																										۷
شهرکرد																										۱
شیراز																										۵
																										۲
قزوین																										۲
قم																										۱
کرج																										۱۱
																										۳
کرمان																										۱
																										۱
گرگان																										۱
																										۱
مشهد																										۱۸
																										۲
همدان																										۱
																										۲
یزد																										۳
جمع مدالهای سمپاد	۱۷	۳۰	۸	۲۳	۱۳	۱۸	۲۲	۸	۱۲	۱۴	۱۲	۱۴	۱۲	۱۲	۱۱	۹	۷	۱	۱	۱	۲	۵	۷	۹۸	۵۳	۲۰۸
جمع مدالهای دیگر	۶	۱۷	۱	۷	۳	۷	۳	۷	۷	۳	۷	۷	۷	۴	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۲۷	۷۸
جمع کل مدالها	۲۳	۴۷	۹	۳۰	۲۰	۲۵	۱۵	۲۵	۱۵	۱۷	۱۹	۱۵	۱۷	۱۹	۱۲	۱۰	۱۰	۱	۲	۵	۲	۱۰	۱۰۵	۱۳۱	۲۸۶	

□ زیست‌شناسی

○ پانزدهمین المپیاد جهانی زیست‌شناسی امسال با حضور ۴۰ کشور در «استراليا» برگزار گردید. تیم ایران سال قبل در این المپیاد، به مقام نهم و امسال به مقام پانزدهم نائل آمد. المپیاد

نشان داد.

○ طلای کشوری در این گروه را «فرزانگان تهران» و «شیراز» کسب نمودند (جدول ۱).

□ فیزیک

○ المپیاد سی و پنجم فیزیک در «کره جنوبی» برگزار گردید. در این المپیاد هم، «چین» رتبه اول را کسب نمود و تیم ایران با ۳ طلا، یک نقره و یک برنز («علامه حلی تهران» یک طلا، یک نقره و یک برنز، «شهید بابایی قزوین» و «شهید دستغیب شیراز» هم هر کدام یک طلا) در مقام دوم جهان قرار گرفت که بهترین نتیجه تیمهای ایران در مجموع شش المپیاد جهانی بود.

○ دو طلای کشوری در فیزیک را هم «شهیدسلطانی کرج» و «علامه حلی تهران» کسب نمودند (جدول ۱).

□ شیمی

سی و ششمین المپیاد جهانی شیمی، امسال با حضور ۲۳۳ دانش آموز از ۶۱ کشور در «آلمان فدرال» برگزار گردید. در این المپیاد هم، «چین» رتبه اول را کسب نمود و «کره» و «آلمان» دوم و سوم شدند و کشور ما با ۳ مدال نقره، «شهید هاشمی نژاد مشهد» ۲ مدال و «علامه حلی تهران» ۱ مدال و یک برنز «علامه حلی تهران» به رتبه یازدهم قناعت کرد. سال قبل ایران با ۳ طلا و ۱ نقره، رتبه دوم را کسب نموده بود.

○ «علامه حلی تهران» و «شهید بهشتی بابل» هم در این المپیاد، طلای کشوری را کسب نمودند (جدول ۱).

□ نجوم

«سمپاد» که در سال قبل با یک تیم ۳ نفره در هشتمین دوره مسابقات المپیاد نجوم شرکت و با کسب ۳ مدال به ایران بازگشته بود، طی دو مرحله آزمون سراسری، ۲۲ دانش آموز برتر را به اردوی نجوم سمپاد دعوت کرد که از بین آنها، ۸ نفر موفق به کسب طلای کشوری شدند. بالاخره اولین تیم ملی المپیادی دانش آموزی که همه اعضای آن دختر بودند به «اوکراین» اعزام شد. «فرزانگان تهران» با کسب یک طلا و دو نقره و «فرزانگان کرج» با کسب دو برنز، اولین تیم ملی المپیاد نجوم ایران را با دست پر به ایران بازگرداندند.

○ ۳ طلای کشوری نجوم را «علامه حلی»، «فرزانگان» تهران و «شهید دستغیب شیراز» کسب نمودند (جدول ۱).

○ براساس مکاتبات سمپاد و پیگیری ریاست سازمان و تأیید پذیرش تیم نجوم توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی همانند تیم ملی المپیاد فیزیک، «باشگاه دانش پژوهان جوان» هم عجلانه درخواست اعزام تیم برای سال ۸۴ را نمود که هم از بار مسئولیت سمپاد کاست و هم پیشنهاد ارائه شده به شورای عالی انقلاب فرهنگی، راهها را برای اعزام این گروه از طریق باشگاه، آسان نمود. بدین خاطر، در گزارش مربوط به وضعیت برگزیدگان المپیادها برای سال ۱۳۸۴، هنوز مسئله «نجوم» مبهم است.

● سمپاد، فارغ التحصیلان و کنکور سراسری دانشگاهها در سال ۱۳۸۳

در سال ۱۳۸۳ جمعاً ۱۶ نفر از بین ده نفر اول در رشته‌های ریاضی و تجربی، هنر، انسانی و زبان انگلیسی به سمپاد اختصاص داشت و این در حالی است که ۳۶ نفر از سمپادها نیز به خاطر کسب مدال طلای کشوری در ۶ المپیاد، بدون کنکور وارد دانشگاههای برتر کشور شدند. در بین مراکز شهرستان امسال نوبت «میرزا کوچک خان رشت» بود که رتبه اول تجربی را به خود اختصاص دهد (جدول ۴).

□ فارغ التحصیلی

○ در سال تحصیلی ۸۱-۸۰، سمپاد بالاترین تعداد فارغ التحصیل را در طول ۱۵ سال فارغ التحصیلی دانش آموزان مراکز خود با تعداد ۵۴۷۷ نفر، داشت. در سال ۸۳-۸۲ نیز تعداد فارغ التحصیلان ۵۲۳۱ نفر بود، که از این تعداد ۳۹۸۷ نفر وارد دانشگاه شدند؛ یعنی ۷۶ درصد. این رقم در سال قبل ۷۴/۱۱ درصد بود. در کنار این تعداد، ۱۰۷۸ نفر فارغ التحصیلان سالهای قبل هم جواز ورود به دانشگاهها را کسب نمودند؛ یعنی جمعاً ۵۰۶۵ نفر.

○ کل فارغ التحصیلان سمپاد در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ به ۴۰۱۳۱ نفر رسید. البته در طول سالهای گذشته؛ از ۳۴۹۰۰ فارغ التحصیل سمپاد بیش از ۸۹ درصد (۳۱۲۶۸ نفر) وارد دانشگاههای سراسر کشور شده‌اند و این بیانگر یک درصد افزایش در مجموع است که اگر قبولی سالهای قبل را با فارغ التحصیلان قبول شده در دانشگاهها جمع کنیم از ۳۴۹۰۰ فارغ التحصیل تا سال قبل، جمعاً ۳۲۳۴۶ نفر (یعنی ۹۲/۶۸ درصد) از فارغ التحصیلان سمپاد تا مهر ماه ۸۲ وارد مراکز آموزش عالی کشور شده‌اند که این خود با وجود ورود مراکز کوچکتر سمپاد به حوزه کنکور، بیانگر افزایش قبول شدگان است. البته در مجموع درصد کل قبولی‌های سمپاد به ۹۰/۵۴٪ کل فارغ التحصیلان در سال ۸۳ افزایش یافته است (جدول ۵).

جدول ۴- رتبه‌های اول تا دهم پذیرفته‌شدگان کنکور سراسری سال ۱۳۸۳ از مراکز سمپاد

ردیف	نام و نام خانوادگی	دبیرستان	شهر	رشته	رتبه در کنکور سراسری
۱	آرش فارسی	علامه حلی	تهران	ریاضی	اول
۲	سعید خواهشی حسن کیاده	میرزا کوچک‌خان	رشت	تجربی	اول
۳	زهرا ناجیان اصل	فرزانگان	تهران	هنر	اول
۴	علیرضا وحید	شهید هاشمی نژاد	مشهد	ریاضی	دوم
۵	منصوره باقری	فرزانگان	شیراز	تجربی	دوم
۶	محمدرسول شکرانی فروشانی	شهید سلطانی	کرج	هنر	دوم
۷	محمدحسین میربلوک	میرزا کوچک‌خان	رشت	تجربی	سوم
۸	مرضیه توفیقی داریان	فرزانگان	تهران	انسانی	سوم
۹	مهسا ملک محمدی	فرزانگان	همدان	ریاضی	پنجم
۱۰	دانش مرادی گراوند	شهید اژه‌ای	اصفهان	تجربی	پنجم
۱۱	نوید عابدینی	شهید هاشمی نژاد	مشهد	ریاضی	هفتم
۱۲	محمدشریف تابع‌بردبار	میرزا کوچک‌خان	رشت	تجربی	هفتم
۱۳	کیوان امیربختیار	شهید هاشمی نژاد	مشهد	انسانی	هفتم
۱۴	سهیل فیض خانکندی	شهید بهشتی	اردبیل	ریاضی	هشتم
۱۵	مونا هدایت	فرزانگان	تهران	تجربی	هشتم
۱۶	مهسا شعاران	فرزانگان	تبریز	ریاضی	نهم

جدول ۵- فارغ‌التحصیلان مراکز «سمپاد» در طول پانزده سال تحصیلی، تعداد و درصد قبولی در مراکز آموزش عالی کشور

سال تحصیلی	تعداد مرکز	تعداد فارغ‌التحصیل	قبولی هر سال	درصد قبولی هر سال	قبولی سالهای قبل	کل فارغ‌التحصیل	کل قبولی‌ها	درصد کل قبولی
۶۸-۶۹	۲	۱۴۶	۱۲۴	۸۴/۹۳٪	-	۱۴۶	۱۲۴	۸۴/۹۳٪
۶۹-۷۰	۲	۱۸۷	۱۴۶	۷۸/۰۷٪	۱۰	۳۳۳	۲۸۰	۸۴/۰۸٪
۷۰-۷۱	۲	۱۶۴	۱۳۴	۸۱/۷٪	۱۵	۴۹۷	۴۲۹	۸۶/۳۱٪
۷۱-۷۲	۶	۳۲۳	۲۶۷	۸۲/۶۶٪	۱۹	۸۲۰	۷۱۵	۸۷/۱۹٪
۷۲-۷۳	۱۶	۷۸۰	۶۱۳	۷۸/۸۹٪	۶۵	۱۶۰۰	۱۳۹۳	۸۷/۰۶٪
۷۳-۷۴	۳۰	۱۵۶۷	۱۱۶۵	۷۴/۳۵٪	۱۲۹	۳۱۶۷	۲۶۸۶	۸۴/۸۱٪
۷۴-۷۵	۴۰	۲۱۸۲	۱۶۵۸	۷۶٪	۳۱۷	۵۳۴۹	۴۶۶۲	۸۷/۱۶٪
۷۵-۷۶	۴۸	۲۶۵۷	۲۰۶۹	۷۷/۸۷٪	۲۳۰	۸۰۰۶	۶۹۶۱	۸۶/۹۵٪
۷۶-۷۷	۵۴	۳۱۸۸	۲۴۳۹	۷۶/۵۰٪	۴۸۷	۱۱۱۹۴	۹۸۸۷	۸۸/۳۲٪
۷۷-۷۸	۶۸	۴۰۲۰	۲۹۰۳	۷۲/۲۱٪	۴۴۰	۱۵۲۱۴	۱۳۲۹۵	۸۷/۳۸٪
۷۸-۷۹	۷۴	۴۲۸۷	۳۰۱۸	۷۰/۴۰٪	۸۶۸	۱۹۵۰۱	۱۷۱۸۱	۸۸/۱٪
۷۹-۸۰	۷۴	۴۵۲۵	۳۲۵۲	۷۲٪	۹۸۶	۲۴۰۲۶	۲۱۴۱۹	۸۹/۱٪
۸۰-۸۱	۸۶	۵۴۷۷	۳۸۶۶	۷۲٪	۸۱۶	۲۹۵۰۳	۲۶۱۰۱	۸۸/۴۶٪
۸۱-۸۲	۸۸	۵۳۹۷	۴۰۰۰	۷۴/۱۱٪	۱۱۶۷	۳۴۹۰۰	۳۱۲۶۸	۸۹/۵۹٪
۸۲-۸۳	۸۸	۵۲۳۱	۳۹۸۷	۷۶٪	۱۰۷۸	۴۰۱۳۱	۳۶۳۳۳	۹۰/۵۴٪
جمع کل		۴۰۱۳۱						

جدول ۶- کلیه شرکت کنندگان در شش المپیاد به تفکیک جنس همراه با پذیرفته شدگان سمپاد در هر مرحله برای سال ۱۳۸۴

ردیف	المپیاد	جنس	کل	داوطلب	درصد	پذیرفته شده سمپاد	پذیرفته شده مرحله دوم	درصد	پذیرفته شده سمپاد	پذیرفته شده سمپاد	درصد
۱	شیمی	پسر	۵,۶۰۱	۶۸۹	۱۲/۳۰	۳۴۶	۱۴۹	۴۳/۰۶	۳۱	۲۱	۶۷/۷۴
		دختر	۸,۵۵۹	۶۱۳	۷/۱۶	۲۵۴	۹۸	۳۸/۵۸	۱۰	۷	۷۰/۰۰
		کل	۱۴,۱۶۰	۱,۳۰۲	۹/۱۹	۶۰۰	۲۴۷	۴۱/۱۷	۴۱	۲۸	۶۸/۲۹
۲	فیزیک	پسر	۴,۲۱۴	۷۰۳	۱۶/۶۸	۶۶۶	۳۲۳	۴۸/۵۰	۳۷	۲۹	۷۸/۳۸
		دختر	۳,۱۱۱	۳۹۶	۱۲/۷۳	۱۲۶	۸۱	۶۴/۲۹	۴	۴	۱۰۰/۰۰
		کل	۷,۳۲۵	۱,۰۹۹	۱۵/۰۰	۷۹۲	۴۰۴	۵۱/۰۱	۴۱	۳۳	۸۰/۴۹
۳	ریاضی + ریاضی مقدماتی	پسر	۳۴,۴۶۲	۲,۹۶۲	۸/۵۹	۱,۴۲۳	۶۲۵	۴۳/۹۲	۴۴	۳۸	۸۶/۳۶
		دختر	۳۹,۲۲۸	۱,۹۸۷	۵/۰۷	۳۲۸	۲۱۶	۶۵/۸۵	۳	۳	۱۰۰/۰۰
		کل	۷۳,۶۹۰	۴,۹۴۹	۶/۷۲	۱,۷۵۱	۸۴۱	۴۸/۰۳	۴۷	۴۱	۸۷/۲۳
۴	کامپیوتر	پسر	۶,۵۶۲	۱,۳۶۱	۲۰/۷۴	۳۶۲	۲۶۶	۷۳/۴۸	۳۳	۲۵	۷۵/۷۵
		دختر	۵,۴۲۱	۶۷۶	۱۲/۴۷	۶۴	۵۵	۸۵/۹۴	۱	۱	۱۰۰/۰۰
		کل	۱۱,۹۸۳	۲,۰۳۷	۱۷/۰۰	۴۲۶	۳۲۱	۷۵/۳۵	۳۴	۲۶	۷۶/۴۷
۵	زیست شناسی	پسر	۳,۱۵۰	۲۳۲	۷/۳۷	۲۱۹	۹۸	۴۴/۷۵	۲۲	۱۸	۸۱/۸۲
		دختر	۱۰,۶۲۰	۵۶۶	۵/۳۳	۳۶۲	۱۶۱	۴۴/۴۸	۱۳	۱۲	۹۲/۳۱
		کل	۱۳,۷۷۰	۷۹۸	۵/۸۰	۵۸۱	۲۵۹	۴۴/۵۸	۳۵	۳۰	۸۵/۷۱
۶	ادبیات	پسر	۳,۶۲۲	۳۰۳	۸/۳۷	۳۳۸	۹۶	۲۸/۴۰	۹	۲	۲۲/۲۲
		دختر	۱۱,۵۲۰	۳۰۰	۲/۶۰	۶۵۴	۱۲۴	۱۸/۹۶	۲۹	۳	۱۰/۳۴
		کل	۱۵,۱۴۲	۶۰۳	۳/۹۸	۹۹۲	۲۲۰	۲۲/۱۸	۳۸	۵	۱۳/۱۶
جمع شش المپیاد	پسر	۵۷,۶۱۱	۶,۲۵۰	۱۰/۸۵	۳,۳۵۴	۱,۵۵۷	۴۶/۴۲	۱۷۶	۱۳۳	۷۵/۵۷	
	دختر	۷۸,۴۵۹	۴,۵۳۸	۵/۷۸	۱,۷۸۸	۷۳۵	۴۱/۱۱	۶۰	۳۰	۵۰	
	کل	۱۳۶,۰۷۰	۱۰,۷۸۸	۷/۹۳	۵,۱۴۲	۲,۲۹۲	۴۴/۵۷	۲۳۶	۱۶۳	۶۹/۰۷	

● نتایج کشوری ۵ المپیاد برای سال ۱۳۸۴

همانطور که آمد، به جز «المپیاد نجوم» (باحضور پی در پی سمپاد در دو المپیاد جهانی نجوم در سالهای ۸۲ و ۱۳۸۳ و علاقه به استمرار حضور مستقل در صورت عدم علاقه باشگاه دانش پژوهان جوان در سالهای بعد) مرحله کشوری ۵ المپیاد جهانی و یک المپیاد داخلی (ادبی) در تابستان ۱۳۸۳ برگزار گردید.

○ براساس آنچه که جدول ۶ نشان می دهد، در سال ۱۳۸۲ جمعاً ۱۳۶۰۷۰ نفر (۷۸۴۵۹ دختر) در ۶ المپیاد ملی ثبت نام کرده بودند که تعداد داوطلبان سمپاد ۱۰۷۸۸ نفر (۴۵۳۸ دختر) بود؛ یعنی ۷/۹۳ درصد کل داوطلبان سمپادی بودند. به ترتیب جدول ۶، به توضیح وضعیت

جدول ۷- نتایج مراکز سمپاد در مرحله اول ۶ المپیاد ملی ایران برای سال ۱۳۸۴

مراکز دخترانه							مراکز پسرانه						
ادبیات	زیست	شیمی	فیزیک	کامپیوتر	ریاضی	شهرمرکز	ادبیات	زیست	شیمی	فیزیک	کامپیوتر	ریاضی	شهرمرکز
۱	-	۱	-	-	-	فرزانگان آبادان	-	-	-	-	-	-	شهید بهشتی آبادان
۳	۵	۴	۲	۳	۲	فرزانگان اراک	۲	-	۳	۷	۸	۱۳	علامه حلی اراک
-	-	۲	-	-	۱	فرزانگان اردبیل	۳	۵	۳	۱۱	۲	۳	شهید بهشتی اردبیل
-	۷	۳	-	۱	۲	فرزانگان ارومیه	-	۱	-	۲	-	۳	شهید بهشتی ارومیه
-	۴	۵	۳	۴	۱۲	فرزانگان اسلامشهر	-	-	۴	۷	۱۰	۱۰	شهید رجایی اسلامشهر
۵	۲۴	۴	۵	۴	۱۶	فرزانگان امین اصفهان	۶	۱۱	۷	۲۱	۲۸	۳۴	شهید اژه‌ای اصفهان
-	۲	۲	۳	-	۲	فرزانگان آمل	-	۳	۶	۵	۷	۹	شهید بهشتی آمل
-	۲	۳	-	-	۴	فرزانگان اهواز	-	۲	۴	۱۳	۳	۸	شهید بهشتی اهواز
-	-	-	-	-	-	فرزانگان ایلام	۱	-	-	۲	۲	۲	شهید بهشتی ایلام
-	-	-	-	-	۱	فرزانگان بابل	۱	۱	۶	۱۰	۱۱	۱۸	شهید بهشتی بابل
-	۱	-	-	-	-	فرزانگان بجنورد	۱	۱	-	۲	۱	۲	شهید بهشتی بجنورد
۵	-	-	۱	-	۲	فرزانگان بروجرد	۱۱	-	۱	۱۱	۳	۷	شهید بهشتی بروجرد
۱	-	۳	-	-	-	فرزانگان بندرعباس	-	-	۲	۵	۱	۳	شهید حقایق بندرعباس
-	۱	-	-	-	-	فرزانگان بوشهر	۱	-	۱	-	۱	۱	شهید بهشتی بوشهر
۱	۲	-	۲	-	۱	فرزانگان بیرجند	-	-	-	۳	۳	۵	شهید بهشتی بیرجند
۱۰	۱۶	۸	۶	۳	۸	فرزانگان تبریز	۱	۴	۸	۱۱	۵	۲۱	شهید مدنی تبریز
۱۰	۲۵	۱۱	۱۷	۲۰	۴۵	فرزانگان تهران	۸	۱۵	۱۳	۴۶	۹۷	۹۹	علامه حلی تهران
-	-	۱	۱	-	۱	فرزانگان خرم‌آباد	-	-	۱	۵	۱	۴	شهید بهشتی خرم‌آباد
-	۲	-	-	-	-	فرزانگان دزفول	۱	-	-	۱	-	-	شیخ انصاری دزفول
۶	۱	۱	۳	۲	۲	فرزانگان رشت	۱	-	۱	۶	۷	۱۰	میرزا آق‌چک خان رشت
-	۱	-	-	۱	۲	فرزانگان رزن (شهری)	-	-	-	۲	۸	۱۰	شهید بهشتی شهرری
-	-	-	-	-	۱	فرزانگان زاهدان	-	-	-	-	-	۱	شهید بهشتی زاهدان
-	۲	۱	۲	-	۳	فرزانگان زنجان	۱	-	۲	۲	۱	۳	شهید بهشتی زنجان
-	۴	۵	۲	۳	۸	فرزانگان ساری	-	۵	۸	۸	۴	۱۸	شهید بهشتی ساری
۴	۳	۲	۵	۳	۲	فرزانگان سبزوار	-	-	-	۱	۲	۴	شهید بهشتی سبزوار
-	۳	-	-	-	۱	فرزانگان سمنان	۲	-	۱	۲	۲	۲	شهید بهشتی سمنان
۶	۲	-	-	-	-	فرزانگان سندج	۴	۲	۱	۳	۶	۳	شهید بهشتی سندج
-	۲	۲	-	-	-	فرزانگان شاهرود	-	-	-	-	-	-	شهید بهشتی شاهرود
۱۲	۵	۴	۴	۴	۱۱	فرزانگان شهرکرد	۵	-	۲	۶	۱۴	۲۳	شهید بهشتی شهرکرد
-	-	-	-	-	-	فرزانگان شیراز	-	-	-	-	۱	-	علامه حلی شیراز
۱۶	۱۰	۱۰	۳	۵	۱۳	فرزانگان شیراز	۶	۱۲	۱۲	۱۹	۲۱	۲۸	شهید دستغیب شیراز
-	-	۲	۳	-	-	فرزانگان قانمشهر	-	۳	۶	۸	۳	۸	شهید بهشتی قانمشهر
۳	۲	۱	۱	۳	۱۲	فرزانگان قزوین	-	۹	۲	۳	۵	۱۲	شهید بابائی قزوین
۱۰	۴	۷	۱	۱	-	فرزانگان قم	۱	-	-	۷	۴	۱۰	شهید قدوسی قم
۱	۱	-	-	-	۱	فرزانگان کاشان	۲	-	۳	۱	۳	۸	شهید بهشتی کاشان
۲۶	۱۰	۷	۸	۱۲	۱۲	فرزانگان کرج	۱۶	۲	۱۰	۴۴	۴۳	۵۴	شهید سلطانی کرج
-	۲	-	۳	۴	۳	فرزانگان کرمان	۲	۲	۳	۴	۹	۱۴	علامه حلی کرمان
-	-	۱	۲	۱	۴	فرزانگان کرمانشاه	۲	-	۲	۳	۹	۸	شهید بهشتی کرمانشاه
۲	-	-	-	۱	۲	فرزانگان گرگان	۵	۴	۳	۶	۴	۶	شهید بهشتی گرگان
۱	-	-	۱	-	-	فرزانگان لار	۱	-	-	-	۳	۳	شهید بهشتی لار
-	-	-	-	-	۱	فرزانگان مراغه	-	-	-	-	-	-	شهید بهشتی مراغه
۵	۱۰	۴	۴	۵	۸	فرزانگان مشهد	۵	۸	۱۵	۱۳	۲۷	۳۳	شهید هاشمی‌نژاد مشهد
۱	-	-	-	-	۲	فرزانگان نیشابور	۶	۱	۷	۹	۷	۹	شهید بهشتی نیشابور
-	۲	۴	-	-	۲	فرزانگان همدان	-	۱	۴	۹	۴	۳	علامه حلی همدان
-	-	-	-	-	-	فرزانگان یاسوج	-	-	-	-	-	-	شهید بهشتی یاسوج
-	۳	-	-	۳	۳	فرزانگان یزد	۵	۶	۸	۵	۶	۱۱	شهید صدوقی یزد
۱۲۰	۱۵۸	۹۸	۸۲	۸۳	۱۹۸	قبولشدگان سمپاد (دختر)	۱۰۰	۹۸	۱۴۹	۳۲۳	۳۷۶	۵۲۳	قبولشدگان سمپاد (پسر)
۶۴۲	۳۶۲	۲۵۰	۱۲۴	۹۹	۲۸۴	کل قبولشدگان ایران (دختر)	۳۵۳	۲۱۷	۳۵۰	۶۶۳	۶۷۶	۱۲۷۵	کل قبولشدگان ایران (پسر)
۲۴۶۷	کل	۱۶۹۰	پسر	۷۷۷	دختر	قبولشدگان سمپاد	کل	۵۵۳۶	۳۷۲۱	پسر	۱۸۱۵	دختر	قبولشدگان ایران

توجه: تفاوت احتمالی اعداد مقابل مراکز بر اساس اشتباه در شمارش چشمی می‌تواند باشد ولی جمع کلی مبنای محاسبه می‌باشد.

جدول ۸ - نتایج چهاردهمین المپیاد شیمی - کشوری برای سال ۱۳۸۴

ردیف	نام و نام خانوادگی	شهر	نام مرکز	مدال
۱	سارا بیگی	تهران	فرزانگان	طلا
۲	فواد تقدیری	همدان	علامه حلی	طلا
۳	سپا جعفرپور	تهران	فرزانگان	طلا
۴	امیرحسین خوشامن	همدان	علامه حلی	طلا
۵	مجتبی شریفزاده	بابل	شهید بهشتی	طلا
۶	سیدحسام موسوی مهر	تهران	علامه حلی	طلا
۷	نکو پناهی	کرج	فرزانگان	طلا
۸	محمدامین رحیمیان	شیراز	شهید دستغیب	طلا
۹	محمدعلی اصغرزاده	تهران	علامه حلی	نقره
۱۰	مسعود الفی	اسلامشهر	شهید رجایی	نقره
۱۱	پدرام جاویدی دشت بیاضی	مشهد	شهید هاشمی نژاد	نقره
۱۲	حسین جعفری	مشهد	شهید هاشمی نژاد	نقره
۱۳	روح‌الله خشنود	تهران	دکتر مفتاح	نقره
۱۴	میلاد دهقان	کرج	شهید سلطانی	نقره
۱۵	فرزانه سادات فاطمی	شیراز	فرزانگان	نقره
۱۶	اشکان فقیه	تهران	انرژی اتمی	نقره
۱۷	علی مرشدلو	همدان	علامه حلی	نقره
۱۸	محمد معدنی	کرج	شهید سلطانی	نقره
۱۹	سیدسروش ناصری	کرمانشاه	شهید بهشتی	نقره
۲۰	امیرحسام آقایی قهی	تهران	علامه حلی	برنز
۲۱	سینا احمدی	مشهد	امام رضا	برنز
۲۲	میلاد اسکیان	همدان	علامه حلی	برنز
۲۳	محمدامین بزرگ‌نیا	مشهد	شهید هاشمی نژاد	برنز
۲۴	ساناز جعفری	تبریز	فرزانگان	برنز
۲۵	محمد جوشقانی	شهریار	دکتر هشترودی	برنز
۲۶	حامد خلیلیان	بروجن	امام خمینی	برنز
۲۷	الیاس خواجه	مشهد	آینده‌سازان	برنز
۲۸	مبین خیرخواهان	ساری	شهید بهشتی	برنز
۲۹	محمد مهدی دهقانی فیروزآبادی	یزد	شهید صدوقی	برنز
۳۰	مژگان ستار	شیراز	فرزانگان	برنز
۳۱	مهریار سخایی	تهران	انرژی اتمی	برنز
۳۲	عاطفه سلماسی	تهران	سوده	برنز
۳۳	بهزاد شجاعی جوشقانی	تهران	شهید مفتاح	برنز
۳۴	نیما شریعتی	کرج	شهید سلطانی	برنز
۳۵	سینا صالحی	تبریز	شهید مدنی	برنز
۳۶	علیرضا ظاهری	تهران	انرژی اتمی	برنز
۳۷	محمد عابدی	تهران	امام خمینی	برنز
۳۸	نگین علیمحمدی	اراک	فرزانگان	برنز
۳۹	شقایق فتحی	تهران	ابوریحان	برنز
۴۰	آیدا فتحی پور	تبریز	پروین اعتصامی	برنز
۴۱	احسان نیک‌جو	تبریز	شهید مدنی	برنز

پذیرفته شده از سمپاد

داوطلبان سمپادی و سایر داوطلبان، براساس آنچه در جدول ۴ و جدولهای اختصاصی این المپیادها آمده است می‌پردازیم. نکته قابل توجه، تعداد کل داوطلبان در سال قبل است که ۲۳۴۳۶۵ نفر بوده است. تعداد داوطلبان سمپادی در سال قبل هم ۱۳۶۹۹ نفر، یعنی بیشتر از امسال بوده است ولی درصد آنها نسبت به کل داوطلبان ۴/۸۵ (کمتر از امسال) بوده است.

○ قبول شدگان مرحله اول المپیادهای «ریاضی مقدماتی»، «ریاضی»، «کامپیوتر»، «فیزیک»، «شیمی»، «زیست» و «ادبیات»، جمعاً ۵۵۳۶ نفر بودند (۱۸۱۵ نفر دختر) که از این تعداد ۲۴۶۷ نفر (۷۷۷ دختر) از مراکز سمپاد بودند. جدول ۷، راه یافتگان مرحله اول کلیه مراکز سمپاد در ۶ المپیاد را به تفکیک مشخص کرده است.

□ المپیاد شیمی

○ در این المپیاد جمعاً ۱۴۱۶۰ نفر (۸۵۵۹ دختر) شرکت کرده بودند که کاهش چشمگیری را نسبت به داوطلبان سال قبل (۲۶۶۰۳ نفر) نشان می‌داد. تعداد داوطلبان سمپاد در این المپیاد ۱۳۰۲ نفر یعنی ۹/۱۹ درصد داوطلبان بود.

○ در مرحله اول این المپیاد از بین داوطلبان جمعاً ۶۰۰ نفر انتخاب شدند که ۲۴۷ نفر آنها (۴۱/۱۷ درصد) سمپادی بودند. تعداد پسران سمپادی ۱۴۹ نفر و دختران ۹۸ نفر بودند.

○ در مرحله کشوری المپیاد شیمی، از ۴۱ راه یافته ۲۸ نفر (۶۸/۲۹ درصد) سمپادی بودند (جدول ۶، ردیف اول).

○ براساس جدول ۸، صد در صد طلای کشوری این المپیاد به سمپاد اختصاص دارد. ۳ «فرزانگانی» از «تهران» و «کرج» ۲ نفر از «علامه‌حلی همدان» به همراه یک نفر از «شهیدبهشتی بابل»، «علامه‌حلی تهران» و «شهیددستغیب شیراز» ۸ طلایی کشوری این المپیاد را تشکیل می‌دهند (جدول ۸).

□ المپیاد فیزیک

○ در المپیاد فیزیک برای سال ۱۳۸۴ جمعاً ۷۳۲۵ نفر (۳۱۱۱ دختر) شرکت داشتند. از این تعداد، ۱۳۰۲ نفر (۶۱۳ دختر) سمپادی بودند که ۱۵ درصد کل داوطلبان را شامل می‌شدند. در سال قبل، داوطلبان این المپیاد ۱۰۵۲۷ نفر و داوطلبان سمپاد ۱۱۵۰ نفر بودند که کاهش چشمگیر داوطلبان غیر سمپادی و افزایش نسبی داوطلبان سمپادی را می‌رساند.

○ در مرحله اول این المپیاد، ۷۹۲ نفر (۱۲۶ دختر) پذیرفته شدند که ۴۰۴ نفر آنها (۸۱ دختر) سمپادی بودند و ۵۱ درصد داوطلبان را شامل می‌شدند. در مرحله کشوری از این تعداد ۴۱ نفر

۴) دختر) پذیرفته شدند. کل دختران مرحله کشوری این المپیاد سمپادی بودند ولی موفق به کسب طلای کشوری نشدند (جدول ۶، ردیف ۲).

○ سمپاد در این مرحله ۸۰/۴۹ درصد پذیرفته شدگان را داشت که ۸ طلای کشوری را هم به خود اختصاص داد. «انرژی اتمی» تنها دبیرستان غیر سمپادی بود که ۲ طلای کشوری را کسب نمود. «علامه حلی تهران» با ۳ طلا، «شهید اژه‌ای اصفهان» با ۲ طلا و «میرزا کوچک خان رشت»، «شهید سلطانی کرج» و «شهید مدنی تبریز» هم هر کدام یک طلای کشوری را کسب نمودند (جدول ۹).

□ المپیاد ریاضی

○ در المپیاد ریاضی و ریاضی مقدماتی، جمعاً ۷۳۶۹۰ دانش آموز (۳۹۲۲۸ دختر) داوطلب بودند که از این تعداد، ۴۹۴۹ نفر (۱۹۸۷ دختر) را سمپادها تشکیل می دادند (۶/۷۲ درصد). سال قبل داوطلبان این المپیاد ۱۱۰۴۱۳ نفر و سمپادها ۵۷۲۳ نفر بودند.

در مرحله اول این المپیاد ۱۷۵۱ نفر (۳۲۸ دختر) گزینش شدند. از این تعداد، ۸۴۱ نفر (۲۱۶ دختر) را سمپادها تشکیل می دادند؛ یعنی حدود ۴۸ درصد پذیرفته شدگان.

○ در مرحله کشوری المپیاد ریاضی ۴۷ نفر (۴۱ نفر از سمپاد) یعنی ۸۷ درصد پذیرفته شدگان برگزیده شدند؛ که در بین آنها ۳ فرزانه‌گانی حضور داشتند. یعنی صد درصد دختران راه یافته به این مرحله را سمپادها تشکیل می دادند (جدول ۶، ردیف ۳). پس از پایان دوره تابستان و گزینش طلای کشوری این المپیاد، همانگونه که جدول ۱۰ نشان می دهد صد در صد برگزیده شدگان، سمپادی هستند. از ۱۳ طلای کشوری، یک نفر از «فرزانه‌گان تهران» و ۷ نفر از «علامه حلی تهران» مدال به دست آوردند و «شهید اژه‌ای اصفهان»، «شهید بهشتی کرمانشاه»، «بابل»، «بیرجند» و «علامه حلی کرمان» هر کدام یک مدال کشوری کسب نمودند (جدول ۱۰).

□ المپیاد کامپیوتر

○ برای سال ۱۳۸۴، این المپیاد ۱۱۹۸۳ نفر (۵۴۲۱ دختر) داوطلب داشت، که از این تعداد ۲۰۳۷ نفر (۶۷۶ دختر) یعنی ۱۷ درصد داوطلبان سمپادی بودند. در این المپیاد، سال قبل تعداد داوطلبان بیش از چند برابر امسال بود، یعنی ۴۲۱۴۹ نفر که ۳۷۶۱ نفر آنها (۸/۹۲) را سمپادها تشکیل می دادند.

○ در مرحله اول این المپیاد ۴۲۶ نفر (۶۴ دختر) برگزیده شدند که ۳۲۱ نفر آنها (۷۵/۳۵ درصد) سمپادی بودند. در مرحله کشوری ۳۴ نفر برگزیده شدند که ۲۶ نفر آنها (۷۶/۴۷ درصد)

جدول ۹- نتایج هفدهمین المپیاد فیزیک - کشوری برای سال ۱۳۸۴

ردیف	نام و نام خانوادگی	شهر	نام مرکز	مدال
۱	آریا بصیرنیا	اصفهان	شهید اژه‌ای	طلا
۲	اشکان جمفرپور کوجهی	تهران	علامه حلی	طلا
۳	علی شهراد	تهران	علامه حلی	طلا
۴	زعیم گلباغی	رشت	میرزا کوچک خان	طلا
۵	احمد متصل	تهران	انرژی اتمی	طلا
۶	پویا منصوری	اصفهان	شهید اژه‌ای	طلا
۷	سیدپیمان نظام‌آبادی	تهران	انرژی اتمی	طلا
۸	روشن تورانی	تبریز	شهیدمدنی	طلا
۹	سید احمدرضا حسینی	تهران	علامه حلی	طلا
۱۰	حسین دهقانی	کرج	شهید سلطانی	طلا
۱۱	محمدحسین بادامچی	تهران	علامه حلی	نقره
۱۲	مهدی بخشی زنجانی	تهران	علامه حلی	نقره
۱۳	عبدالرضا پاشاروش	کرمانشاه	شهید بهشتی	نقره
۱۴	محمدسینا پرستگاری	اصفهان	شهید اژه‌ای	نقره
۱۵	مرضیه پرنده غیبی	قم	فرزائگان	نقره
۱۶	جابر رضایی	تهران	علامه حلی	نقره
۱۷	شهریار شادخو	تهران	انرژی اتمی	نقره
۱۸	حسین شهبازی	شیراز	شهید دستغیب	نقره
۱۹	سیدحامد طباطبایی یزدی	تهران	روزبه	نقره
۲۰	فرهاد فرخی	اراک	علامه حلی	نقره
۲۱	فرید فرشیدیان	تبریز	شهیدمدنی	نقره
۲۲	آمنه گلناری	تهران	فرزائگان	نقره
۲۳	سیدمحمد میرحسینی نیری	تهران	علامه حلی	نقره
۲۴	مریم‌السادات میرکمالی	شیراز	فرزائگان	نقره
۲۵	محمد آقاگل‌زاده	تبریز	آیت‌اله طالقانی	برنز
۲۶	سیدمحمدامین آقامیری	تهران	علوی	برنز
۲۷	مهدی ابراهیمی‌کاهو	مشهد	شهید هاشمی‌نژاد	برنز
۲۸	حسن اخوین	کرج	شهید سلطانی	برنز
۲۹	حمید امید	نجف‌آباد	امام مهدی	برنز
۳۰	بهرام حدادی‌سی‌سخت	کرمان	علامه حلی	برنز
۳۱	مصطفی حسن‌پناه	رشت	میرزا کوچک خان	برنز
۳۲	ساسان رزمخواه	تبریز	شهیدمدنی	برنز
۳۳	محسن رمضانپور	تهران	علامه حلی	برنز
۳۴	علی سراج	همدان	علامه حلی	برنز
۳۵	ابوالفضل صفری	تهران	علامه حلی	برنز
۳۶	حسین طاهری	تهران	علامه حلی	برنز
۳۷	میرمجتبی غریبی	تهران	علامه حلی	برنز
۳۸	امیر محمدآقایی	شیراز	شهید دستغیب	برنز
۳۹	نبی‌اله میراشه	قزوین	شهید بابایی	برنز
۴۰	محمدحسین نورانیان	تهران	علامه حلی	برنز
۴۱	شاهین نیکوخوی	تهران	سیدالشهدا	برنز

پذیرفته شده از سمپاد

جدول ۱۰- نتایج بیست و دومین المپیاد ریاضی - کشوری برای سال ۱۳۸۴

ردیف	نام و نام خانوادگی	شهر	نام مرکز	مدال
۱	نیما احمدی پور اناری	تهران	علامه حلی	طلا
۲	محمد باوریان	تهران	علامه حلی	طلا
۳	مرتضی ثقفیان	تهران	علامه حلی	طلا
۴	امید حاتمی ورزنده	اصفهان	شهید اژه‌ای	طلا
۵	علی خزلی	کرمانشاه	شهید بهشتی	طلا
۶	علی اکبر دائمی	تهران	علامه حلی	طلا
۷	ناصر طالبی زاده	کرمان	علامه حلی	طلا
۸	مصطفی عین‌اله زاده صمدی	تهران	علامه حلی	طلا
۹	سید جلیل کاظمی تبار	بابل	شهید بهشتی	طلا
۱۰	محمدجواد مقدم‌زاده	تهران	علامه حلی	طلا
۱۱	ازالیا میر حسینی	تهران	فرزانیگان	طلا
۱۲	محمد خسروی	بیرجند	شهید بهشتی	طلا
۱۳	میثم عقیقی	تهران	علامه حلی	طلا
۱۴	محمود اعتدادی علی آبادی	همدان	علامه حلی	نقره
۱۵	شهاب بهرامی	تهران	علامه حلی	نقره
۱۶	محمدهادی پورانصاری	تهران	علامه حلی	نقره
۱۷	سیاوش حقیری	تهران	علامه حلی	نقره
۱۸	سعید رسولی	تهران	انرژی اتمی	نقره
۱۹	میثم زارعزاده مهریزی	یزد	شهید صدوقی	نقره
۲۰	سعید طالب‌لو	تهران	رشد	نقره
۲۱	محمدسعید عندلیب	اصفهان	شهید اژه‌ای	نقره
۲۲	آرمان فاضلی	تهران	علامه حلی	نقره
۲۳	سامان قریب	تهران	علامه حلی	نقره
۲۴	مرجان قزوینی‌نژاد	تهران	فرزانیگان	نقره
۲۵	امیرحسین کدبور	شیراز	شهید دستغیب	نقره
۲۶	محمد گل‌صفتان	شیراز	شهید دستغیب	نقره
۲۷	سیدشروش مهدی مؤیدی	تهران	علامه حلی	نقره
۲۸	پویان نصیری	بروجرد	شهید بهشتی	نقره
۲۹	علی سینا ازنگ	شیراز	شهید دستغیب	برنز
۳۰	عبدالهادی آسیای فرد	دشنی - کاکلی	شهید بهشتی	برنز
۳۱	مصطفی افخمی‌زاده	مشهد	شهید هاشمی‌نژاد	برنز
۳۲	فرزین برکت	شیراز	شهید دستغیب	برنز
۳۳	رضا برهانی	مشهد	شهید هاشمی‌نژاد	برنز
۳۴	محمدحسین حیدری	همدان	علامه حلی	برنز
۳۵	مرتضی رضانژاد	رشت	میرزاکی‌چک‌خان	برنز
۳۶	صالح سلطان	تهران	علامه حلی	برنز
۳۷	سامان سیفی	تهران	علامه طباطبایی	برنز
۳۸	علیرضا صالحی برزگر	قزوین	شهید بابایی	برنز
۳۹	رحمت‌اله فریدی	ایلام	شهید مطهری	برنز
۴۰	مهران فصیح‌الزمان	تهران	علامه حلی	برنز
۴۱	امیررضا قیامی آزاد	تهران	علامه حلی	برنز
۴۲	سیمین کیخسروی	ری	فرزانیگان زینب	برنز
۴۳	امین محمدنژاد داریانی	تبریز	سعدی	برنز
۴۴	آرمین مختاریان	رشت	میرزاکی‌چک‌خان	برنز
۴۵	عباس علی مخدومی	تهران	علامه حلی	برنز
۴۶	محمدهادی مقدم‌زاده	تهران	علامه حلی	برنز
۴۷	محسن مهدی‌زاده	مشهد	شهید هاشمی‌نژاد	برنز

پذیرفته شده از سمپاد

سمپادی بودند (جدول ۶، ردیف ۴). از بین این برگزیده شدگان، ۸ مدال طلا را «روزبه» و «نیکان» از تهران و «امام حسین (ع)» از کبودر آهنگ همدان و ۵ طلای دیگر کشوری را سمپادیه‌ها (علامه حلی تهران ۲ طلا، شهید اژه‌ای اصفهان، شهید سلطانی کرج و شهید بهشتی بابل هر کدام یک طلا) کسب نمودند (جدول ۱۱).

□ المپیاد زیست‌شناسی

○ در المپیاد زیست‌شناسی، تعداد داوطلبان ۱۳۷۷۰ نفر بود (۱۰۶۲۰ دختر) که از این تعداد ۷۹۸ نفر (۵۶۶ دختر) را سمپادیه‌ها تشکیل می‌دادند (۵/۸۰ درصد). سال قبل برای این المپیاد، ۱۶۲۹۷ داوطلب وجود داشت که باز کاهش قابل ملاحظه‌ای امسال مشاهده می‌شود. ولی تعداد سمپادیه‌ها با ۷۳۱ نفر داوطلب کاهش کمتری را نشان می‌دهند.

○ در مرحله اول این المپیاد ۵۸۱ نفر (۳۶۲ دختر) برگزیده شدند که تعداد ۲۵۹ نفر (۱۶۱ دختر) آنها سمپادی بودند (۴۴/۵۸ درصد). در مرحله کشوری ۳۵ نفر برگزیده شدند که ۳۰ نفر آنها سمپادی بودند (۸۵/۷۱ درصد). از ۱۳ دختر راه یافته به مرحله کشوری هم ۱۲ نفر فرزانه‌گانی بودند (جدول ۶، ردیف ۵).

○ در این المپیاد هم هر ۸ برنده طلای کشوری از بین مراکز سمپاد انتخاب شدند که ۲ فرزانه‌گانی از «شیراز» و ۶ نفر هم از «علامه حلی تهران» سمپادی‌های راه یافته برای انتخاب تیم ملی ایران هستند (جدول ۱۲).

□ المپیاد ملی ادبیات

○ «المپیاد ادبی» فقط در سطح ملی برگزار می‌شود و برندگان مدال طلای این المپیاد، هیچ کاری از شهریور هر سال تا شهریور سال بعد ندارند. مگر اینکه بخواهند در رشته‌ای غیر از «ادبیات فارسی» ثبت نام کنند که در این صورت، باید همچون دیگر کنکوریه‌ها خود را آماده کنکور سراسری نمایند؛ البته با این تفاوت که یک «جواز» ورودی مشخص برای کلیه دانشکده‌های علوم انسانی در رشته ادبیات فارسی سراسر کشور دارند.

○ در این المپیاد امسال ۱۵۱۴۲ داوطلب (۱۱۵۲۰ دختر) با هم به رقابت پرداختند که تعداد کمی از آنها یعنی ۶۰۳ نفر (۳۰۰ دختر) سمپادی بودند (۳/۹۸ درصد). در سال قبل تعداد داوطلبان این المپیاد ۲۸۳۷۶ نفر و تعداد سمپادیه‌ها ۶۸۸ نفر بود که کاهش چشمگیر کل داوطلبان و کاهش اندک سمپادیه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱- نتایج چهاردهمین المپیاد کامپیوتر - کشوری برای سال ۱۳۸۴

ردیف	نام و نام خانوادگی	شهر	نام مرکز	مدال
۱	محمد امین صادقی	تهران	روزبه	طلا
۲	مهدی صفرنژاد	اصفهان	شهید اژه‌ای	طلا
۳	علی ملک‌زاده	شمیرانات	نیکان	طلا
۴	بهین مولایی	بابل	شهید بهشتی	طلا
۵	محمد مهینی	کرج	شهید سلطانی	طلا
۶	مصطفی وفادوست	تهران	علامه حلی	طلا
۷	صابر خاکپاش	تهران	علامه حلی	طلا
۸	فتح‌الله لطفی‌عادل	کبودرآهنگ	امام حسین	طلا
۹	علی‌ازکیبا	کرج	شهید سلطانی	نقره
۱۰	محمد طه جهانگیر	قم	شهید قدوسی	نقره
۱۱	محمد رضا خانی	نیشابور	شهید بهشتی	نقره
۱۲	احمد خواجه‌نژاد	اصفهان	شهید اژه‌ای	نقره
۱۳	علیرضا دهلقی‌قدیم	اراک	علامه حلی	نقره
۱۴	سعید رحیمی‌گرچی	تهران	امام صادق	نقره
۱۵	سینا صادقیان	کرج	شهید سلطانی	نقره
۱۶	البرز صمدی	تهران	علامه حلی	نقره
۱۷	مهرداد فرج‌تبار	کرج	شهید سلطانی	نقره
۱۸	امیر علی کنی	تهران	علامه حلی	نقره
۱۹	مرضیه ملکی‌مجد	کرمان	فرزانگان	نقره
۲۰	حسن نیک‌آیین	اصفهان	شهید اژه‌ای	نقره
۲۱	امیر حسین آل‌یاسین	اراک	علامه حلی	برنز
۲۲	پوریا بابویی	تهران	انرژی اتمی	برنز
۲۳	نیما پوردامغانی	کرمان	علامه حلی	برنز
۲۴	امیر هوشنگ حسین پوردهکردی	شهرکرد	شهید بهشتی	برنز
۲۵	سروش حسینی	ملایر	سیفیه	برنز
۲۶	سید سینا خوان‌خواجه	تبریز	شهید مدنی	برنز
۲۷	معجد دارابی	اراک	علامه حلی	برنز
۲۸	پویا عمانی	کرج	شهید سلطانی	برنز
۲۹	سید احمد فاضلی	قم	شهید قدوسی	برنز
۳۰	محسن فدایی	کرمان	علامه حلی	برنز
۳۱	برنا فرازمند	ساری	شهید بهشتی	برنز
۳۲	وحید لیاقت	شیراز	شهید دستغیب	برنز
۳۳	شایان مدیری‌آثاری	تهران	علامه طباطبایی	برنز
۳۴	سید محمد محسن هجرتی	تهران	روزبه	برنز

پذیرفته شده از سمپاد

جدول ۱۲- نتایج هفتمین المپیاد زیست - کشوری برای سال ۱۳۸۴

ردیف	نام و نام خانوادگی	شهر	نام مرکز	مدال
۱	مهرنوش البرزی	شیراز	فرزانگان	طلا
۲	سام سینایی اصفهانی	تهران	علامه حلی	طلا
۳	احمد شهاب الدین پاریزی	تهران	علامه حلی	طلا
۴	درنا متولی میرانشاه	شیراز	فرزانگان	طلا
۵	پویا ناصری نوسر	تهران	علامه حلی	طلا
۶	سینا نیک آیین	تهران	علامه حلی	طلا
۷	علی انوشه	تهران	علامه حلی	طلا
۸	آرش ناظری	تهران	علامه حلی	طلا
۹	محسن آرین نیک	مشهد	شهید هاشمی نژاد	نقره
۱۰	فیض الله ابراهیم نیا	آمل	شهید بهشتی	نقره
۱۱	فرزانه افشاری	مشهد	فرزانگان	نقره
۱۲	ماندانا پوریان	تهران	فرزانگان	نقره
۱۳	سیده هدایت اله تدین	اصفهان	شهید اژه ای	نقره
۱۴	سینا حفیظی	تهران	علامه حلی	نقره
۱۵	فرزین روزافزای	امل	شهید بهشتی	نقره
۱۶	سید مرتضی سید جعفری	شیراز	شهید دستغیب	نقره
۱۷	مسیح شرافتیان	شیراز	شهید دستغیب	نقره
۱۸	دانش کجباف	اصفهان	شهید اژه ای	نقره
۱۹	زهراسادات احمدیان حسینی	مشهد	فرزانگان	برنز
۲۰	مهرنوش اعتمادی	کرج	فرزانگان	برنز
۲۱	احسان امینی زاده	تبریز	شهید مدنی	برنز
۲۲	حجت برنا	ارومیه	شهید بهشتی	برنز
۲۳	محمد پوری	گرگان	شهید بهشتی	برنز
۲۴	زهره تیموری جروکانی	اصفهان	محبوبه دانش	برنز
۲۵	محمد رضا راعی	تهران	کوثر	برنز
۲۶	فائزه رجائی	اسلامشهر	فرزانگان	برنز
۲۷	لعیا رهبر نیکوکار	کرج	فرزانگان	برنز
۲۸	پروین صمدی	تبریز	فرزانگان	برنز
۲۹	سحر فتحی	تبریز	فرزانگان	برنز
۳۰	علی فراهانچی برادران	تهران	کوثر	برنز
۳۱	انسیه گلعلی	شاهرود	فرزانگان	برنز
۳۲	امید مرتضایی	قزوین	شهید بابایی	برنز
۳۳	حسام الدین منشی	شیراز	توحید	برنز
۳۴	روشنک مهدی پوردستجردی	اصفهان	فرزانگان	برنز
۳۵	کیا وثوقی	سقز	فجر	برنز

پذیرفته شده از سمپاد

جدول ۱۳- نتایج هفدهمین المپیاد ادبیات - تابستان ۱۳۸۳

ردیف	نام و نام خانوادگی	شهر	نام مرکز	مدال
۱	مریم حنفی	قم	بشری	طلا
۲	فاطمه شاهین فر	اصفهان	فرهنگ	طلا
۳	شهرزاد شهدوست	اراک	فرهنگ	طلا
۴	سپیده صابونچی رضاپور	شیراز	فرهنگ	طلا
۵	سیاوش گودرزی	تهران	علامه حلی	طلا
۶	نقیسه سادات موسوی	کرج	شهید شرافت	طلا
۷	بشری سادات میرقادری	شیراز	فرهنگ	طلا
۸	حسننا زاغری	تهران	فرهنگ	طلا
۹	پرینسا ظهیر امامی	شیراز	فرهنگ	طلا
۱۰	عطیه فیروزمند	شیراز	فرهنگ	طلا
۱۱	اکرم کریم زاده اصفهانی	اصفهان	فرهنگ	طلا
۱۲	سارا کمالی	شیراز	فرهنگ	طلا
۱۳	فاطمه وحید	اصفهان	فرهنگ	طلا
۱۴	فاطمه چینی فروشان اصفهانی	تهران	فرهنگ	نقره
۱۵	فاطمه سادات حسینی ابراهیم آبادی	مشهد	غلامحسین جعفری	نقره
۱۶	سعیده سلمیان	بناب	شهید چمران	نقره
۱۷	غزاله سمایی	تهران	فرهنگ	نقره
۱۸	نگین عظیمی	شیراز	فرهنگ	نقره
۱۹	آلاء هوشیاری	فسا	فاطمیه	نقره
۲۰	جعفر آید	شیراز	توحید	برنز
۲۱	محسن آدمی	مشهد	شهید هاشمی نژاد	برنز
۲۲	مولود آرمان	شهرکرد	فرزانگان	برنز
۲۳	الهه آقایی	اصفهان	فرهنگ	برنز
۲۴	معصومه امیدی	شیراز	فاطمیه	برنز
۲۵	فاطمه بستانی	قم	فرزانگان	برنز
۲۶	هانیه توحیدی نژاد	کرمان	فرهنگ	برنز
۲۷	سید محمد حامد توکلی خورمیزی	تهران	فرهنگ	برنز
۲۸	وحید جهانگیری	شیراز	توحید	برنز
۲۹	زهرالسادات خرمگاه	جهرم	خلیلی	برنز
۳۰	زهرا داورپناه	شیراز	فرزانگان	برنز
۳۱	مهوش رضایی	شیراز	حضرت معصومه	برنز
۳۲	سیدعلی زیارتی	تهران	فرهنگ	برنز
۳۳	محسن قاسمی دشتچی	اصفهان	فرهنگ	برنز
۳۴	فاطمه قاسمی ساوجی	تهران	فرهنگ	برنز
۳۵	مریم کواری	شیراز	فرهنگ	برنز
۳۶	علیا کهنسال	اراک	فرهنگ	برنز
۳۷	مصطفی نادریان	فسا	شهید جعفر بلاغی	برنز
۳۸	آزاده نجفیان	شیراز	فرهنگ	برنز

پذیرفته شده از سمپاد

○ در مرحله اول این المپیاد ۹۹۲ نفر (۶۵۴ دختر) گزینش شدند که ۲۲۰ نفر (۱۲۴ دختر) آنها (۲۲/۱۸ درصد) سمپادی بودند، ولی در مرحله کشوری از بین ۳۸ برگزیده تنها ۱۳/۱۶ درصد آنها را سمپادیها تشکیل می دادند، یعنی ۲ پسر و ۳ دختر، از «علامه حلی تهران»، «شهید هاشمی نژاد مشهد» و فرزندان شهرهای «شهرکرد»، «قم» و «شیراز» (جدول ۶).

○ براساس مصوبه هیئت امناء باشگاه و پذیرش شورای عالی انقلاب فرهنگی، سقف طلای کشوری این المپیاد به ۱۸ رسید که از این سهمیه، ۱۲ تالانصیب «رشته علوم انسانی» و تا سقف ۶ سهمیه نصیب «ریاضی- فیزیک» و «تجربی» گردید. از سمپاد «علامه حلی تهران» بر مجموعه افتخارات خود یک طلای دیگر کشوری ادبیات را هم افزود.

● جمع بندی و مقایسه

○ همانطور که در ابتدای این بخش آمد، کاهش چشمگیر داوطلبان در تمام المپیادها از مجموع ۲۳۴۳۶۵ به ۱۳۶۰۷۰ نفر، یک کاهش ۷۲/۲۴ درصدی را نشان می دهد که این کاهش در مقایسه با داوطلبان سمپاد که از ۱۳۶۹۹ به ۱۰۷۸۸ کاهش یافته (۲۶/۹۸ درصد)، درصد بسیار بالاتری را نشان می دهد.

○ دلایل این امر را باید در دو چیز جستجو کرد:

۱. پرداخت وجه برای ثبت نام در این المپیادها که دانش آموز قبلاً بدون هیچگونه محدودیتی - جز داشتن معدل - می توانست در اغلب المپیادها (بخصوص برای رشته های ریاضی - فیزیک و علوم تجربی) ثبت نام کند بدون اینکه وجهی بپردازد. اجباری شدن این پرداخت، رویکرد به المپیادها را برای شرکت اولیه، منطقی تر نموده است.

۲. چنانچه این کاهش در سالهای بعد هم مشاهده شود، احتمال کم انگیزه شدن داوطلبان المپیادها وجود خواهد داشت. البته باید در نظر داشت در سال گذشته نسبت به سال قبل از آن، تعداد داوطلبان این المپیادها یک افزایش ۸/۶۲ درصدی را نشان می داد، ولی به نظر می آید کاهش ۷۲/۲۴ درصدی امسال عمدتاً مربوط به بند ۱ و در صورت استمرار، مربوط به بند ۲ این جمع بندی باشد، که این مسئله نیاز به دقت و توجه بیشتری خواهد داشت.

رسانه‌ها و استعدادهای درخشان

۱۵ درصد از اعزام شدگان بورسیه‌های پزشکی به کشور بازمی‌گردند*

رئیس مرکز دانشجویی وزارت بهداشت و درمان گفت: «۱۵ درصد از اعزام شدگان بورسیه‌های پزشکی و پیراپزشکی، علیرغم سپردن تعهد و وثیقه‌های ملکی، ماندن را بر بازگشتن ترجیح می‌دهند». دکتر حمید اکبری ضمن بیان مطلب فوق افزود: «میزان عدم بازگشت داوطلبانی که به طور آزاد اعزام می‌شوند بسیار بیشتر از اعزام در قالب بورسیه‌هاست». وی گفت: «با توسعه دانشگاهها و تأسیس ۴۰ دانشگاه علوم پزشکی و ایجاد رشته‌های تخصصی بالینی در داخل کشور، به تدریج نیاز اعزام دانشجو برطرف شد، ولی علیرغم دایر شدن رشته‌های علوم پایه پزشکی در کشور، این تعداد پاسخگوی نیاز جامعه نیست و در برخی رشته‌های جدید دنیا باید اعزام صورت بگیرد».

دکتر اکبری در خصوص رشته‌های مورد نیاز اعزام دوره‌های بلندمدت گفت: «بیوتکنولوژی، نانو تکنولوژی، اقتصاد بهداشت، آموزش بهداشت، مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، اطلاع‌رسانی پزشکی، طب سالمندان، طب اورژانس، جامعه‌شناسی پزشکی و ویروس‌شناسی از جمله رشته‌هایی هستند که به طور پراکنده در آنها اعزام صورت می‌گیرد و کشورهای محل اعزام نیز شامل کانادا، آمریکا، انگلیس، استرالیا، فرانسه، آلمان، سوئد و هلند است».

رئیس مرکز دانشجویی وزارت بهداشت در خصوص دوره‌های کوتاه مدت نیز گفت: «اعزام

* همشهری / اول شهریور ۱۳۸۳، شماره ۳۴۷۴

دوره‌های کوتاه مدت جهت آشناساختن آنها با سیستم آموزشی و فعالیتهای تحقیقاتی کشورها، تکمیل طرح‌هایی که به دلیل عدم امکانات نیمه تمام مانده‌اند و دسترسی به منابع و کتب علمی روز دنیا و در نهایت تغییر نگاه آرمانی دانشجویان به کشورهای صنعتی به حس خودباوری و اعتماد به نفس در آنهاست». وی در خصوص اعتباراتی که صرف اعزام دانشجویان می‌شود گفت: «کل اعتبار در نظر گرفته شده ۱۰ میلیون دلار است که عمده آن صرف دوره‌های بلندمدت می‌شود که خوشبختانه با کاهش این دوره‌ها در سال‌های اخیر، بخش اعظم آن به دوره‌های کوتاه مدت اختصاص می‌یابد».

دکتر اکبری با اشاره به اینکه تعداد بازگشت دانشجویان، به کشورهایی که اعزام می‌شوند بستگی دارد، گفت: «میانگین بازگشت در دوره‌های بلندمدت ۸۵ درصد و کوتاه مدت ۹۵ درصد است و صرفاً مربوط به دانشجویان بورسیه است نه آزاد».

وی درخصوص علت عدم بازگشت این افراد گفت: «برخوردها و فشارهایی که به دلیل اظهارنظرهای علمی بزرگ محقق و دانشمند صورت می‌گیرد و همچنین کمبود امکانات در کارهای تحقیقاتی عمده‌ترین دلایل عدم بازگشت این افراد می‌باشد».

دکتر اکبری درخصوص فعالیت شرکتهای خصوصی که به طور غیرقانونی دانشجویان را برای تحصیل به خارج اعزام می‌کنند گفت: «متأسفانه تا کنون نظارتی بر این شرکتها وجود نداشته است. اخیراً براساس مصوبه هیأت وزیران، وظیفه نظارت بر این شرکتها به کمیته نظارت متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های بهداشت، علوم، ارشاد و خارجه واگذار شده و این شرکتها باید براساس ضوابطی که کمیته اعلام می‌کند، مجوز فعالیت دریافت کرده تا با مشکلاتی که این شرکتها برای خانواده‌ها ایجاد می‌کنند از قبیل تحصیل در دانشگاههای فاقد اعتبار وزارت بهداشت، مواجه نشویم».

طرح غربی‌ها برای جذب مهاجران ایرانی*

اظهارات اخیر علی یونسی وزیر اطلاعات مبنی بر سرمایه ۸۰۰ میلیارد دلاری ایرانیان مقیم خارج از کشور و اینکه ایرانیان، حتی کسانی که راه خطا رفته‌اند، می‌توانند به کشور بازگردند، حکایت از توجه ویژه مقامات بلندپایه به بازگشت سرمایه انسانی و مالی دارد. موضوعی که در صورت جدیت در تداوم آن همراه با بسترسازیهایی لازم می‌تواند زمینه بازگشت ایرانیان مهاجر اعم از نخبگان، سرمایه‌داران، کارآفرینان، متخصصان و ... را فراهم سازد. به گفته وزیر اطلاعات ۳۰۰-۲۰۰ هزار نخبه فکری و مالی ایرانی در

خارج از کشور حضور دارند. طرح چنین مسائلی از سوی یکی از مقامات بلندپایه کشور نشانگر نگاهی جدید و ویژه به بحث مهاجرت ایرانیان و اهمیت استفاده از تمامی نیروها در جهت رشد و شکوفایی کشور در ابعاد مختلف و بویژه اقتصادی است. در این گزارش سعی شده تا ضمن برآوردی از میزان خروج سرمایه‌های انسانی، مسائل مربوط به مهاجرت و میزان بهره‌مندی کشورهای صنعتی از آن مورد موشکافی قرار گیرد.

بنابراین اعلام آمار اداره گمرک ایران در چهارماهه سال جاری، حدود یک میلیون و ۳۷۴ هزار نفر از کشور خارج شده‌اند که نسبت به مدت مشابه سال قبل، از افزایش ۱۹/۱ درصدی برخوردار است. تفکیک آمار مسافران خروجی حاکی از آن است که ۶۹/۹ درصد از مسافران خروجی، ایرانی و ۳۰/۱ درصد خارجی بوده‌اند.

اینکه سالیانه تعداد قابل توجهی از ایرانیان عزم سفر به خارج از کشور را می‌کنند، موضوعی قابل توجه است؛ از آن جهت که عده‌ای سفری بی‌بازگشت را برمی‌گزینند و به عنوان مهاجر، مرزها را در می‌نوردند؛ حال چه به صورت قانونی و چه به صورت قاچاق!

«مهاجرت» پدیده‌ای منحصر به عصر کنونی نیست و در مقاطعی از تاریخ، مهاجرت ایرانیان به سایر کشورها را شاهد بوده‌ایم. روندی که از دیرباز ادامه داشته و اکنون با حادث شدن بحث «فرار مغزها»، نگاه‌ها را بیش از پیش متوجه خود ساخته است. به روایتی، اکنون حدود سه میلیون ایرانی در خارج از میهن مأوی گزیده‌اند و اتخاذ چنین تصمیمی به تبع شرایطی بوده که می‌توان علل آنها را در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جست و جو کرد. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که مهاجرت به دیگر نقاط جهان، مختص قشری خاص همچون سرمایه‌داران، متخصصان، کارآفرینان، نخبگان و ... نبوده و اقشار مختلف را در برمی‌گیرد.

سیاست جذب نیروی متخصص

بدون تردید یکی از اولویت‌های سیاست‌های جذب مهاجران، تخصص و مهارت آنان در زمینه‌های مورد نیاز کشورهای میزبان یا مقصد است و به نوعی می‌توان از این سیاست با عنوان تلاش کشورهای ثروتمند برای جبران کمبود نیروی کار در صنایع کلیدی نظیر فن‌آوری اطلاعاتی (IT) یاد کرد. براساس مدارک موجود در سال ۲۰۰۲ در بریتانیا حدود دوسوم کارگرانی که وارد این کشور شدند (۱۰۳ هزار نفر از ۱۶۰ هزار نفر) در طبقه مشاغل حرفه‌ای یا مدیریتی تقسیم‌بندی شدند که افزایش چشمگیری نسبت به ۱۰ سال پیش از آن داشت.

در همین حال دکتر جان‌سالت از واحد تحقیقات مهاجرت یونیورسیتی کالج وابسته به دانشگاه

لندن، از تشدید رقابت کشورهای صنعتی برای جلب مهاجران ماهر خبرداد و اینکه آمریکا و انگلیس با ایجاد برنامه‌های ویژه مهاجرت، اقدام به جذب افراد ماهر کرده‌اند. این برنامه‌ها رقیب طرح‌هایی شد که از چندین سال قبل در استرالیا، کانادا و زلاندنو وجود داشت و متضمن همکاری نزدیک دولتها با مؤسسات خصوصی برای شناسایی کمبودها در زمینه نیروی کار و تسهیل و تسریع صدور مجوز ورود برای کارگران خارجی بطور موقتی است. برای مثال کارفرمایان فن آوریهای اطلاعاتی در کالیفرنیا برای گسترش برنامه صدور ویزای موقت به سیاستمداران فشار آوردند و این برنامه در اوج رونق خود به انتقال سالانه ۱۹۳ هزار نیروی کار خارجی به آمریکا منجر شد.

همانگونه که ذکر شد کشورهای کانادا، استرالیا و زلاندنو پیش از آمریکا و انگلیس طرح‌هایی در جهت جذب نیروهای متخصص ارائه داده بودند و شاید متعاقب همین امر بود که دولت کانادا تلویحاً بابت تزریق نیروی متخصص به این کشور، قدردانی خود را از ایران اعلام کرد. هنوز هم افراد زیادی هستند که از کانادا و یا دیگر کشورهای صنعتی به عنوان یک کشور مقصد یاد می‌کنند. آنطور که سفارت آلمان در ایران می‌گوید این سفارت در سال جاری میلادی با ۵۴ هزار درخواست ویزا مواجه بوده که طبعاً همه این افراد برای سیاحت راهی این کشور نمی‌شوند. همچنین در حال حاضر بیش از ۱۲۰ هزار ایرانی شامل پزشکان، وکلا و تاجران در آلمان و عمدتاً در هامبورگ، کلن و برلین، زندگی می‌کنند.

مراحل مهاجرت از ایران

دکتر محمد علیزاده استاد دانشگاه در خصوص مراحل مهاجرت از ایران می‌گوید: «یک مرحله مربوط به آستانه و اوایل انقلاب است که به لحاظ ماهیتی کاملاً متفاوت است. آنطور که مدارک نشان می‌دهد در این مرحله مهاجران شامل تکنوکراتها، اقلیتهای مذهبی، صاحبان سرمایه و آنهایی بودند که در رأس هرم قدرت بروکراتیک قرار داشتند. در این مرحله، مهاجرت تمامی افراد خانواده را در برمی‌گرفت و تا آغاز جنگ تحمیلی ادامه یافت.

در جنگ، مهاجرتها متفاوت شد و آن حالت گروهی، کاهش یافت و عمده مهاجرتها فردی بود. در این مرحله به دلیل فرار از تنش‌های سیاسی، جنگ و ریسکی که برای نسل جوان بخصوص مذکر در عزیمت به جبهه‌ها و سربازی وجود داشت، مهاجرتها بی در سنین ۳۰-۱۵ سال دیده شد. این مرحله تا پایان جنگ ادامه یافت.»

دکتر محمد همایون سپهر استاد دانشگاه با اشاره به اینکه با شروع انقلاب، مهاجرت خواه ناخواه صورت گرفت، می‌گوید: «مهاجرت دو بُعد درون و برون مرزی دارد که هر دو می‌تواند برای ما

خطرناک باشد. در بعد درون مرزی، روستاییان به شهرها می‌آیند و به مسائل جامعه شهری ابعاد مختلفی می‌دهند. در این روند و طی ۲۵ سال شاهد تقلیل ۶۰ هزار روستا به ۴۰ هزار روستا هستیم که جدای از این، جوانها از روستاها می‌روند و پیرها می‌مانند و این به معنای متلاشی شدن جامعه روستایی است.* در بعد مهاجرت به خارج از مرزها با دو نوع مهاجرت نخبگان یا تحصیلکردگان و توده مواجه هستیم. البته مهاجرت توده زیاد خطرناک نیست، چرا که آنان با تخصص‌های متوسط و برای پیدا کردن کار می‌توانند به کشورهای دیگر بروند. نمونه این قضیه در سال ۱۳۳۸ به چشم آمد. در آن هنگام آلمان از ایران و ترکیه خواستار نیروی کار شد که دکتر علی‌امینی نخست وزیر وقت این درخواست را نپذیرفت اما ترکیه چنین کاری را انجام داد و اکنون نسل سوم نیروی کار ترکیه در آلمان پرورش یافته است».

بحث مهاجرت نخبگان که با عنوان «فرار مغزها» از آن یاد می‌شود، از سوی مجلس ششم نیز با حساسیتهایی پیگیری شد. این موضوع زمانی به اوج حساسیت رسید که صندوق بین‌المللی پول با انتشار آماري در سال گذشته، نام ایران را در صدر فهرست فرار مغزها در میان ۹۱ کشور در حال توسعه و توسعه نیافته قرار دارد.

دکتر علیزاده با بیان اینکه عمدتاً تحصیلکرده‌ها و خیلی از نخبگان در اوایل انقلاب از کشور خارج شدند، عنوان می‌کند: «بنابه اعلام بانک اطلاعاتی علمی متخصصان دفتر مهاجرت آمریکا، در نسل اول مهاجران، ما ۳۷ هزار و ۳۶۲ نفر با تحصیلات لیسانس و بالاتر داشتیم که در سال ۱۹۹۵ این رقم به ۲۲۰ هزار نفر می‌رسد. البته این ارقام مورد تردید است چرا که همان سال ۳۳۰ هزار نفر در کالیفرنیا بودند. با این وصف از همان رقم ۲۲۰ هزار نفر، ۷۰ درصد مدرکی بالاتر از دیپلم داشتند و این را باید یک سرمایه انسانی هدر رفته از ایران تلقی کرد». وی می‌افزاید: «برای آنکه یک فرد در کشورهای در حال توسعه متخصص شود، حداقل ۲۰ هزار دلار برای او هزینه می‌شود. به قرار اطلاع در آمریکا ۵۵۰۰ پزشک ایرانی، ۶۵۰ متخصص علوم پایه، ۴۵۰ ایران‌شناس و افراد دیگری در رشته‌های مختلف نظیر ریاضی و علوم اجتماعی فعالیت دارند. با این حال رقم دقیق ابعاد مهاجرت‌های فعلی از ایران به خارج از کشور ابهام دارد. اما می‌توان استنباط کرد سالانه (۱۳۷۶ به بعد) ۷۰ هزار نفر از ایران مهاجرت می‌کنند. آنچه مسلم است آمارها در جراید بین‌المللی به صورت جسته و گریخته

* متأسفانه در این گزارش‌ها برخی مطالب دقیق مطرح نمی‌شود، در همین ارتباط باید یادآور شویم جمعیت روستایی کشور بعد از انقلاب افزایش یافته است ولی آنچه کاهش یافته درصد تعداد افراد روستایی نسبت به درصد افراد شهری است؛ که آنهم عمدتاً بخاطر نداشتن ظرفیت کافی روستاست. (سمپاد)

ذکر می‌شود و بخشی از مهاجرت‌ها نیز به شکل غیرقانونی انجام می‌شود. براساس آنچه ذکر شده از هر ده نفر، پنج نفر نخبه است و این میزان به نسبت مهاجران سایر کشورها بالاتر بوده است». وی ادامه می‌دهد: «حال تصور کنید اگر از میزان ۷۰ هزار نفر ۵۰ درصد (۳۵ هزار نفر) نخبه باشند، چه سرمایه‌ای از کشور خارج می‌شود. جای تردید نیست که اگر سرمایه فیزیکی و مادی تلف شود، به شرط وجود سرمایه انسانی جای نگرانی نیست. چرا که به کمک سرمایه انسانی می‌توان آنها را جبران کرد. درست مثل اتفاقی که برای آلمان و ژاپن پس از جنگ جهانی دوم روی داد. اما اگر سرمایه انسانی از دست برود، امکان بازیافت آن یا میسر نیست و یا به سختی و در درازمدت محقق خواهد شد. در همین ارتباط آمار دیگری به سال ۱۹۹۷ مربوط می‌شود. برپایه این آمار، یک پنجم متخصصانی که در ایران بودند به خارج از کشور رفتند و یا اینکه سه چهار سال قبل میزان جذب المپیادی‌ها به خارج ۷۵ درصد عنوان شد».

دکتر سپهر نیز مسئله اصلی نگران کننده را فرار نیروی متخصص می‌داند: «امروزه نیروی ذهنی، مغزی، تفکر و مدیریت جامعه یک ثروت محسوب می‌شود و مهاجرت اندیشمندان و روشنفکران می‌تواند موازنه علمی یک سرزمین را با چالش جدی مواجه کند. این امر در مواقع مختلف نظیر انقلابها که شرایط جابه‌جایی طبقات اجتماعی و عدم ثبات در جامعه را پیش می‌آورد، رخ می‌دهد. جدای از این، امنیت شغلی، جنگها، حوادث اجتماعی و بلایای طبیعی از دیگر موضوعاتی به شمار می‌آید که می‌تواند در انتقال نیروی فکری ورزیده، متخصص و علمی یک جامعه تأثیر بگذارد. در ایران و در ۴۰ سال گذشته با انواع و اقسام این پدیده‌ها مواجه بودیم. در انقلاب سال ۵۷ و در طول جنگ تحمیلی، جابه‌جایی طبقات اجتماعی را شاهد بودیم و این مسائل از مهمترین موضوعاتی بود که به مهاجرت نیروهای متخصص، علمی و فنی به کشورهای صنعتی اروپا، آمریکا، کانادا و استرالیا منجر شد».

وی می‌افزاید: «طبعاً به وجود آمدن برگزیدگان جامعه، چیزی نیست که بتوان آن را با سفارش دادن تهیه کرد و زمان زیادی را از وقت یک سرزمین می‌گیرد تا نیروهای متخصص تربیت شوند و از میان هزاران نفر بیرون بیایند. آنچه مسلم است ما می‌توانیم منابع مالی مان را از طریق نفت و گاز تأمین کنیم ولی نیروی انسانی قطعاً باید از دل خود مردم این سرزمین بیرون بیاید، پرورش یابد و نگهداری شود. در این مسیر حمایت دولت، شرکتهای بنگاه‌ها و سرمایه‌داران می‌تواند بسیار مؤثر باشد. فراموش نکنیم تهدیدهای جهانی و عوامل گوناگونی مثل مناقشات مرزی می‌تواند برای نیروی علمی - کاربردی یک سرزمین تشویش خاطر به وجود آورد و آنها را جهت تأمین آینده وادار به مهاجرت کند».

ایران در جمع ۱۰ کشور برتر هسته‌ای جهان*

اگرچه در سال‌های اخیر نشست‌ها و سخنرانی‌های دانشجویی با محوریت بررسی و تحلیل مسائل سیاست داخلی کشور و تعامل و درگیری‌های جریان‌های سیاسی کشور شکل می‌گرفت اما اکنون موضوع پرونده هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و چگونگی رویکرد شورای حکام به این مسئله، آنچنان به یکی از عمده‌ترین محورهای بحث در میان دانشجویان و حتی مردم تبدیل شده که بررسی و تحلیل این مسئله در سیاست خارجی ایران، جایگاهی ویژه را در همایش‌ها و برنامه‌های دانشجویی نیز پیدا کرده است.

از این رو بود که علی‌اکبر ولایتی وزیر سابق امور خارجه کشور و مشاور کنونی مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل، که کمتر به دعوت گروه‌های دانشجویی برای سخنرانی نیز پاسخ می‌دهد، این بار دعوت اتحادیه تشکل‌های دانشجویی دانشگاه آزاد را لیبیک گفت تا او نیز بر زنجیره اظهارنظر مقامات رسمی ایران در این زمینه حلقه‌ای دیگر بیفزاید که مگر نه اینکه وی به عنوان با سابقه‌ترین وزیر جمهوری اسلامی، سال‌ها امکان هدایت دستگاه دیپلماسی خارجی ایران را در دست داشته است. او اکنون بر این نکته تأکید می‌کند که: «در طول ۱۷-۱۸ سال اخیر، به‌رغم عضویت ایران در ان.بی.تی. و امضای پروتکل الحاقی، سیاست‌گزاران به تلاش‌هایی جهت خودکفایی هسته‌ای دست زدند.»

او هم چنین می‌گوید که در پی این عملکرد، ایران داوطلبانه به تعلیق غنی‌سازی پرداخت. اما علی‌اکبر ولایتی این را تمام داستان نمی‌داند که از نظر او آمریکا و کشورهای اروپای غربی نه تنها تعلیق غنی‌سازی توسط ایران را کافی نمی‌دانستند، بلکه خواستار توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم نیز بودند: «آنها زورگویی می‌کنند و عقب‌نشینی و تسلیم در مقابل باج‌خواهی‌های آنان به معنی تعطیل کردن کشور ایران است.» اما چرا تعطیل کردن کشور؟ «اگر غربی‌ها بخواهند برای ما تکلیف تعیین کنند، دیگر محدود به موضوع هسته‌ای نخواهند شد و دامنه‌ی زیاده‌خواهی آنها گسترده‌تر خواهد شد. مثلاً می‌توانند به بهانه امکان دستیابی ایران به سلاح‌های میکروبی و شیمیایی، صنایع داروسازی ما را هم فلج کنند. در همه‌ی قسمت‌های صنعتی و تحقیقاتی اگر بخواهند می‌توانند بهانه بگیرند و ایران را تبدیل به برهوت کنند. عقب‌نشینی ما یعنی جلو آمدن آنها.» این چنین بود که ولایتی در حالی که ابروان خود را به نشانه تأکید بالا برده بود گفت: «ما بنا نداریم عقب‌نشینی کنیم.»

ولایتی اما اگر از عدم ضرورت عقب‌نشینی ایران سخن می‌گفت، دلیل دیگری نیز بر مدعای خود داشت: «اکنون ایران جزء ۱۰ کشور برتر هسته‌ای جهان است و این البته افتخاری است که پیشرفت ایران در تکنولوژی هسته‌ای فقط مختص به تولید برق نیست، بلکه رشته‌های مختلف علوم و فناوری را نیز شامل می‌شود.» البته از نظر او رسیدن به این درجه از پیشرفت هسته‌ای، در حالی که ایران تعهد به ان پی تی را سال‌هاست پذیرفته خود قابل افتخار است و هنرمندی دستگاه دیپلماسی ایران را به نمایش می‌گذارد: «جمع میان تعهد به پروتکل الحاقی و رسیدن به این حد از توان هسته‌ای، هنرمندی زیادی می‌خواهد و اینکه ایران توانسته بدون ایجاد تنش زیاد، جزء برترین‌های هسته‌ای جهان باشد افتخاری برای ما است.»

وزیر اسبق امور خارجه، بدین ترتیب در حالی که مدام بر ضرورت حفظ استقلال ایران در وضعیت فعلی و عدم عقب‌نشینی در برابر فشارهای خارجی تأکید می‌کرد، به بازخوانی تاریخ پرداخت تا به مخاطبانش گفته باشد استقلال‌طلبی اگر نه در کوتاه مدت، اما در بلندمدت به ثمر خواهد نشست: «در جریان تحریم تباکو سابقه نداشت که انحصارهای بین‌المللی بدان صورت شکسته شود و به رغم اینکه عده‌ای در این هدف جان دادند اما در نهایت پیشرفت در کارها حاصل شد. در جریان ملی شدن صنعت نفت، مصدق نیز با هدف عالی احقاق حقوق ملت ایران به نوعی دشمن تراشی کرد اما کشور را به استقلال رساند و اکنون جمهوری اسلامی نیز با تأکید بر استقلال در صنعت فناوری هسته‌ای به گونه‌ای دشمن تراشی در سیاست خارجی خود دست زده است.»

اما اگر ولایتی بر این موضع خود پافشاری می‌کرد از آن روی بود که پیش از آن به مخاطبانش توضیح داده بود که ایران صنعت فناوری هسته‌ای خود را بومی کرده و اکنون به همکاری‌های خارجی بی‌نیاز است.

تأکید ولایتی بر ضرورت ایستادگی در مقابل فشارهای خارجی اما یک دلیل دیگر نیز داشت: «بعد از به وجود آمدن جریان آژانس، مردم ایران نسبت به این مسئله حساس شدند و اکنون دستیابی به فناوری هسته‌ای برای آنها به یکی از خواست‌های آنان تبدیل شده و از پیشرفت ایران در این زمینه استقبال می‌کنند. چرا که این مسئله را قدمی در راه استقلال ملی ایران برمی‌شمارند.»

ولایتی در جمع‌بندی سخنان خود، اگرچه تأکید کرد که استقلال خواهی ملت ایران خود می‌تواند به دشمن تراشی هم منجر شود و بنابراین از آن گریزی نیست، اما از احتمال اشتباه و کوتاهی مجریان کشور نیز سخن به میان آورد: «اگرچه علت دشمنی غربی‌ها با ما کوتاهی مجریان ما نیست، اما گاهی ممکن است که این مجریان در انجام برنامه‌های خود کوتاهی و اشتباه نیز داشته باشند.» اما راهکار مورد نظر وزیر خارجه سابق برای خروج از این بحران، این‌گونه تصویر شد: «یک راه

این است که می‌توان از طریق تنش‌زدایی شدت انتقادات را کاهش داد، اما تنش‌زدایی زیاد به معنای کوتاه آمدن در مقابل طرف مقابل است و در برابر آن تنش‌زدایی هم مطمئناً به بسیج دشمن در مقابل ما منجر خواهد شد. اما در این میانه، راه ظریفی هم وجود دارد که نمی‌توان تصور کرد در پیچ بعدی آن چه می‌گذرد که این راه آن است که آنچه مصلحت کشور ایجاب می‌کند را انجام دهیم که شاید این تشخیص اشتباه هم باشد. «حالا ولایتی خود می‌گفت: «البته دیکته نانوخته غلط ندارد.»

نخبگان و گامی در مسیر*

ضرورت استفاده صحیح و مناسب از منافع انسانی کارا یا همان نخبگان علمی هر جامعه برای توسعه کشور، موضوعی است انکارناپذیر. در جامعه جوانی چون ایران، تراوش خلاقیت‌ها و ابتکارات ذهنهای خلاق و نوآور جوانان می‌تواند کلید بسیاری از مشکلات گریبانگیر بخشهای خصوصی و دولتی کشور باشد؛ اما شناخت، جمع‌آوری و استفاده صحیح از این منابع بالقوه، عزمی جزم را می‌طلبد و همتی بلند.

بنیاد نخبگان

در ملاقات بیش از یکصد تن از نخبگان علمی جوان کشور با رهبر معظم انقلاب، ایده تشکیل «بنیاد نخبگان» از سوی آیت‌الله خامنه‌ای برای رسیدگی منسجم‌تر به مسائل و مشکلات نخبگان کشور، مورد بحث و توجه بسیاری از مراکز و مقامات علمی کشور قرار گرفت. دکتر مهدخت بروجردی، مدیرکل روابط عمومی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، با اشاره به سخنان اخیر رهبر معظم انقلاب، از تشکیل کمیته‌ای برای طی مراحل اجرایی این ایده خبر داد و افزود: «در حال حاضر، کمیته‌ای متشکل از مسئولان و متخصصان مربوط در این وزارتخانه، در حال بررسی این طرح و انجام اقدامات لازم برای تأسیس بنیاد نخبگان هستند.» دکتر محمدحسین سلیمی نمین، عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر درباره لزوم تشکیل این بنیاد می‌گوید: «با تأسیس بنیاد نخبگان و توجه به آن، می‌توان بسیاری از پروژه‌های ملی را ساماندهی و از وجود نخبگان در معکوس کردن موضوع مهاجرت و فرار مغزها استفاده کرد.» وی همچنین انتقال دانش فنی جوامع پیشرفته به ایران و پرداختن به محورهای پیچیده علمی دنیا را از جمله مقوله‌هایی دانست که می‌تواند به وسیله چنین بنیادی انجام پذیرد.

نخبه یعنی ...

شاید پس از پی بردن به اهمیت توجه خاص و ویژه به نخبگان، مهمترین مسئله حائز اهمیت تعریف این کلمه باشد.

تاریخ نشان می‌دهد کشف نخبگان و اطلاق این کلمه به فرد واجد شرایط، همیشه پس از بروز و شکوفایی او در شرایط خاص اتفاق می‌افتد و در اختیار گذاشتن امکانات و توجه ویژه به نخبگان پس از شکوفایی گرچه نه به مصداق کامل، اما تا حد زیادی جنبه نوشداروی پس از مرگ سهراب را دارد. داستان زندگی دانشمندان بزرگی چون ایشیتین، نیوتن و ... چیزی جز این را ثابت نمی‌کند. در حالی که بسیاری از کودکان و نوجوانان خلاق که همچون ایشیتین در دوران تحصیل به کند ذهنی و واماندگی تحصیلی متهم می‌شوند و در طی این سیر سرکوب کننده، تنها افراد انگشت شماری به عرصه ظهور می‌رسند.

«تیزهوش» و «نخبه» از نگاه روانشناسان و محققان این فن، به فردی اطلاق می‌شود که در زمینه‌ای خاص، استعداد فراوانی داشته باشد. این تعریف نشان می‌دهد که فرد تیزهوش لزومی برای موفق بودن در تمام شاخه‌های علم و زندگی ندارد و ضعیف بودن فرد در یک شاخه نمی‌تواند دلیل بر کند ذهنی او باشد. دکتر جعفر کیوانی، مسئول تهیه سند تمهید شرایط حفظ و استفاده بهینه از نخبگان کشور وزارت علوم درباره تعریف نخبه می‌گوید: «وقتی از استعداد‌های درخشان صحبت می‌شود، منظور دانشجویانی با نمرات عالی و شرایط درسی فوق‌العاده است؛ ولی مفهوم «نخبه» مشمولیت بیشتری دارد و همه متخصصان، محققان و دانشگاہیان را در بر می‌گیرد».

یک مثال اجرایی

نظر به جذب و به کارگیری فارغ‌التحصیلان ممتاز دانشگاه‌ها (نخبگان) در صنعت نفت، اطلاعیه‌ای به تاریخ ۱۳۸۱/۹/۵ و دستورالعمل اجرایی چگونگی جذب و اعطای مزایای نخبگان دانشگاه‌ها در تاریخ ۸۱/۳/۲۰ به بخش‌های مختلف وزارت نفت ایران ابلاغ شد. طی این ابلاغیه، فارغ‌التحصیلان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته‌های مورد نیاز صنعت نفت با شرایط زیر می‌توانستند بدون شرکت در آزمون ورودی و با اعطای شرایط ویژه به استخدام این بخش درآیند:

- رتبه‌های اول تا پنجم در مقطع کارشناسی ارشد و اول تا دهم در مقطع کارشناسی.
- دانش‌آموختگان رتبه اول تا سوم دانشگاه‌های روزانه دولتی.
- برگزیدگان المپیادهای دانشجویی و دانش‌آموزی.

- فارغ‌التحصیلان دارای معدل کل ۱۸ به بالا.

- نفرت اول تا سیصدم رتبه کشوری یا منطقه یک آزمون سراسری. مهندس مهدی قرایی، مدیر کل بهره‌وری و تحول اداری وزارت نفت، درباره لزوم جذب نیروهای انسانی کارا می‌گوید: «درخصوص ایجاد تحول در نظام اداری، تاکنون اقدامات متعدد و متفاوتی شده است که آموزش و بهسازی نیروی انسانی از مهمترین این اقدامات به شمار می‌آید. وزارت نفت نیز با شناخت این ضرورت، به شناسایی و جذب ممتازان دانشگاه‌ها و ارتقای منابع انسانی موجود در سیستم اقدام کرده است. این برنامه در حقیقت یک برنامه‌ریزی استراتژیک به شمار می‌آید که مهمترین تأثیر آن در تغییر محیط‌های روزمره اداری و تزریق روحیه پویایی علمی به سازمان است».

مهندس قرایی با اشاره به ضرورت شناخت جایگاه این افراد در سیستم‌های اداری افزود: «نیروهای پویا در صورتی که در مکان مناسب قرار نگیرند، به سرعت دچار تغییر خواهند شد. این تغییر گاهی به صورت سرخوردگی از روزمرگی‌های کاری و پذیرفته‌نشدن از طرف افراد غیر کارا بروز می‌کند و گاه نیز به دلیل مقاومت محیط در برابر تغییر و پویایی، خود به جزیی از روزمرگی‌ها تبدیل می‌شوند. با تخصیص مکان‌های مناسب به افراد ممتاز، می‌توان محیط رشد و بالندگی مناسبی فراهم کرد تا نخبگان با به روز کردن معلومات و امکان بروز خلاقیت، به کار آفرینی بپردازند».

تافته جدا بافته

بسیاری از فارغ‌التحصیلان مدارس تیزهوشان، پس از ورود به محیط دانشگاه دچار سرخوردگی می‌شوند. این افراد در محیط‌هایی آرمانی‌تر از جامعه عادی رشد می‌کنند و پس از ورود به دنیای بزرگتر، انتظاراتی بیش از حد امکانات جامعه می‌طلبند. با برآورده نشدن این انتظارات و مورد تهاجم قرار گرفتن با برچسب‌هایی چون خود بزرگ بین، آرمان‌گرا و انعطاف‌ناپذیر، دچار سردرگمی و اضطراب بیش از حد می‌شوند.

دکتر محمدمهدی سپهری، رئیس کمیته مهندسی صنایع وزارت علوم در این خصوص می‌گوید: «زندگی و رشد نخبگان در محیط‌هایی آکوازیومی و ارائه توجهات ویژه، نه تنها نگاه مردم را به این افراد متفاوت می‌کند، بلکه پس از خروج از این قرنطینه‌ها و برخورد با اجتماع، امکان تطبیق یافتن با جامعه و درک مشکلات موجود را برای آنها دشوار می‌کند. نخبگان در کنار دیگران می‌توانند نخبه تلقی شوند و با حضور در جامعه، با درگیری در بحث‌های متعارف و تعامل با افراد مختلف است که به افرادی کارا و حلال بسیاری از مشکلات، بدل خواهند شد».

دکتر سپهری با اشاره به لزوم تخصیص امکانات متناسب با نیاز نخبگان می‌افزاید:

«وقتی ریشه بزرگتری دارد، آب بیشتری می‌طلبد. اما باید کنار دیگر درختان رشد کند. روش درست توجه به نخبگان، متنعم کردن آنها از امکانات به تناسب قابلیت‌های رشد ذهنی‌شان است. «بنیاد نخبگان» در صورت تأسیس باید به چنین تمهیداتی برای سریع کردن رشد ممتازان بیندیشد».

نقش آفرینی درکشور

به گفته دکتر کیوانی، در برنامه چهارم توسعه، حمایت از استعداد‌های درخشان و توسعه نهاد‌های مرتبط برای استفاده صحیح از ظرفیت‌های نخبگان کشور پیش‌بینی شده بود. دکتر سلیمی با اشاره به نقش نخبگان در حل مسائل بگرنج کشور می‌گوید: «تدوین راهبرد مدونی برای توسعه علوم و فناوری در این مورد، مسئله بسیار گسترده و مهمی است که می‌تواند از جمله امور محول به «بنیاد نخبگان» باشد. نخبگان با اجرای نقشی کلیدی می‌توانند پیشران پروژه‌های ملی بزرگ باشند که اثرات آن متوجه کل جامعه است. تأسیس این بنیاد، علاوه بر سازماندهی به وضعیت نخبگان سرمنشأ بسیاری از کارهای فکری در توسعه علم و فناوری کشور خواهد بود.

از جانزهاپکینز تا شهید بهشتی*

در حیطه علوم پزشکی و به طور اخص دندانپزشکی، محققان ایرانی بارها و بارها عملکرد بی‌نظیر خود را ثابت کرده‌اند، بخصوص در زمینه پزشکی که تحقیقات پزشکان و جراحان ایران با افتخار توسط مؤسسات علمی بین‌المللی پذیرفته و چاپ می‌شود.

چندین نمونه از جراحی‌های گوناگون برای نخستین بار توسط پزشکان و جراحان ایرانی ابداع شده است. اما در زمینه دندانپزشکی، قضیه کمی متفاوت بود. دندانپزشکی اصولاً علمی است که طی ۲۰-۱۵ سال اخیر دستخوش تغییرات اساسی و بنیادی شده است و طبیعتاً دندانپزشکان ایرانی نیز مثل تمام همکاران خود در سراسر دنیا دست به تحقیقات جدیدی در این زمینه زدند. ولی نگرش غربی‌ها به ایران، به دلیل همان تبلیغات منفی سیاسی حتی در حیطه علم هم مخدوش بود. اردیبهشت‌ماه امسال گفت و گویی چاپ کردیم با دکتر حسین بهنیا جراح دهان و فک و صورت، استاد و مدیر گروه بخش جراحی دانشکده دندانپزشکی دانشگاه شهید بهشتی که روش ابداعی ایشان برای درمان ضایعات عروقی فک به عنوان جدیدترین روش درمانی این ضایعات در کتاب رفرنس جراحی فونسکا مورد

استناد قرار گرفته است. دکتر بهنیا اشاره کرده بودند: «سال‌ها قبل وقتی مقاله‌ها و تحقیقات خود را برای نشریات خارجی می‌فرستادیم باور نمی‌کردند که ما این کارها را انجام داده باشیم ولی الان اوضاع خیلی بهتر شده است.» (نقل به مضمون)

به رغم تمام تحریم‌های مختلف، دندانپزشکان ایرانی طی این سال‌ها بخصوص توانسته‌اند خود را در کورس پیشرفت‌های سرسام‌آور علمی این رشته حفظ کنند و نتایج تحقیقات ایرانی‌ها به مراتب راحت‌تر از قبل، در ژورنال‌های علمی اروپا و آمریکا پذیرفته می‌شود.

اخیراً اتفاق دیگری در همین زمینه، عملکرد علمی بالای محققان ایرانی را در زمینه دندانپزشکی اثبات کرده است. برای نخستین بار در تاریخ علوم پزشکی ایران، یک دانشگاه بسیار معتبر آمریکایی یک تحقیق چند مرکزی را با همکاری یک دانشگاه و محققان ایرانی به انجام رسانیده است.

بخش تحقیقات ایمپلنتولوژی دانشگاه جانزهاپکینز ایالات متحده تحقیقی را به طور مشترک با مرکز تحقیقات ایمپلنتولوژی دانشکده و دندانپزشکی دانشگاه شهیدبهشتی انجام داده که نتایج آن در نشریه دانشگاه جانزهاپکینز به چاپ رسیده است.

از جانزهاپکینز تا شهیدبهشتی

دکتر کاوه سیدان متخصص پروتزهای دندانی، عضو هیئت علمی و سرپرست بخش تخصصی پروتزهای دندانی دانشگاه شهیدبهشتی مدیریت این پروژه تحقیقاتی را در ایران بر عهده داشتند. در ضمن دکتر سیدان عضو کالج بین‌المللی ایمپلنتولوژیست‌های دندانی بوده، ریاست چهارمین کنگره انجمن پروستودونتیست‌های ایران را نیز بر عهده دارند که قرار است در نیمه اول آذرماه سال جاری برگزار شود.

دکتر سیدان در مورد چگونگی شکل‌گیری این کار تحقیقاتی توضیح می‌دهد: «سال گذشته چند ماه قبل از حمله آمریکا به عراق بود و می‌دانید که جو سیاسی بسیار بدی هم علیه ایران وجود داشت. در این وضعیت از دانشگاه جانزهاپکینز آمریکا نامه‌ای برای انجام یک کار تحقیقاتی مشترک برای ما فرستاده شد. بانی این دعوت دکتر پیمان شفیع بود که رئیس ایمپلنتولوژی جانزهاپکینز آمریکاست. یعنی تمام پروژه‌های تحقیقاتی در زمینه ایمپلنت، ابتدا توسط او تأیید و بعد بین محققان دیگر تقسیم می‌شود. این آقای دکتر شفیع مؤسس انجمن زیبایی و ایمپلنت آمریکا هم هست. خلاصه قرار بود ما روی دستگاهی به نام استل ساخت سوئد کار کنیم. می‌دانید که بعد از کار گذاشتن ایمپلنت در داخل استخوان، راه‌های بالینی متعدد و متفاوتی برای سنجش موفقیت درمان وجود دارد ولی دقیق‌ترین و بهترین راه همین دستگاه استل است. این دستگاه امواجی را داخل استخوان می‌فرستد و بر مبنای

رزونانس این امواج، عدد و نموداری می‌دهد که میزان استخوان را در اطراف ایمپلنت مشخص می‌کند. ما این طرح را در دانشگاه مطرح کردیم و مورد موافقت قرار گرفت، ولی همان موقع آمریکا به عراق حمله کرد. چون آن زمان از ایران با عنوان محور شرارت نام می‌بردند و در ضمن قرار بود این تحقیق با بودجه فدرال دولت آمریکا انجام شود، وکلای دانشگاه جانزهاپکینز توصیه کردند که فعلاً این کار را نکنید تا اوضاع بین‌المللی آرام‌تر شود. در نتیجه این طرح منتهی شد».

دکتر سیدان با خنده می‌افزاید: «آن موقع همه مرا مسخره می‌کردند که آمریکایی‌ها تو را گذاشته‌اند سرکار!» بدین ترتیب پروژه کنار گذاشته شد.

کالج بین‌المللی ایمپلنتولوژیست‌های دهان، به طور منظم برنامه‌های آموزشی مختلفی در نقاط مختلف دنیا برگزار می‌کند و استادان عضو این کالج موظفند برای تدریس آخرین دستاوردهای ایمپلنت، در این برنامه‌های آموزشی شرکت کنند. از ایران فقط دکتر کاوه سیدان و دکتر سیدمجیدی سیدین متخصص پرودونتولوژی از آمریکا و استاد بخش پریو دانشکده دندانپزشکی دانشگاه «شهیدبهشتی» عضو این کالج هستند. یکی از این برنامه‌های بازآموزی در اسفندماه سال پیش در شارجه برگزار شد و دکتر سیدان هم به همراه چند استاد دیگر در آن سمینار شرکت داشتند. در آن سمینار دکتر کاوه سیدان یک بار دیگر دکتر پیمان شفیع را که از سوی دانشگاه جانزهاپکینز برای تدریس در همان سمینار حضور داشت، ملاقات می‌کند. دکتر شفیع در این ملاقات یک بار دیگر پیشنهاد یک کار تحقیقاتی مشترک بین دو دانشگاه را می‌دهد، ولی این بار پروژه کاملاً با طرح قبلی متفاوت بود. دکتر سیدان می‌گوید: «راستش تصمیم گرفتیم تا وقتی که همه چیز قطعی نشده با کسی حرفی نزنیم. این چنین شد که این پروژه هم کمابیش را کد ماند تا اردیبهشت ماه سال ۸۳».

دکتر سیدان می‌گوید: «یک روز در مطب نشسته بودم که از طرف دانشگاه جانزهاپکینز آمدند پیش من و تمام لوازم مربوط به کار را داخل یک گونی به من تحویل دادند! آن موقع تازه باورمان شد که این دفعه دیگر قضیه جدی است. این لوازم شامل ۳۶ عدد ایمپلنت و کیت جراحی و پروتز مربوط به آنها بود. این لوازم را مجانی به ما دادند و تأکید کردند که نباید از بیماران این تحقیق پولی دریافت کنیم».

دکتر کاوه سیدان به عنوان مدیر پروژه، طرح را به دانشگاه شهیدبهشتی ارجاع داد. لازم به ذکر است که تمام تحقیقات مشابه از سوی دکتر سیدان در دانشگاه شهیدبهشتی تقسیم می‌شود.

سؤالی که اینجا مطرح می‌شود، وضعیت دانشگاه جانزهاپکینز در قبال این پروژه مشترک است چون ظاهراً هزینه این پروژه هم از بودجه فدرال تأمین شده بود. دکتر سیدان می‌گوید: «آنها برای اینکه دچار مشکلات حقوقی با دولت آمریکا نشوند، اینطور مطرح کردند که مجری این طرح انجمن

ایمپلنتولوژی و زیبایی آمریکاست و آنها مستقیماً دخالتی در این جریان ندارند. در نتیجه پروژه به صورت یک طرح تحقیقاتی نیمه خصوصی مطرح شد».

دکتر رسول مفید، مدیریت دانشکده دندانپزشکی دانشگاه شهیدبهشتی، پرودونتیست و مدیرگروه بخش پرودونتولوژی همان دانشکده، از این طرح استقبال کردند. دکتر محمد صفوی، معاونت پژوهشی دانشگاه و متخصص ارتودنسی هم موافقت خود را اعلام کرد. تنها نکته‌ای که از سوی مسئولان دانشکده دندانپزشکی دانشگاه شهیدبهشتی مطرح شد بحث اخلاقی قضیه بود. دکتر سیدان می‌گوید: «همگی می‌خواستیم مطمئن شویم که این ایمپلنت‌ها مجوز آزمایش روی انسان را دارد. بنابراین با جانزهاپکینز تماس گرفتیم و آنها نمایی برای ما فرستادند که این ایمپلنت‌ها سال ۲۰۰۲ از طرف FDA برای استفاده در انسان تأیید شده است. کمیته اخلاق پزشکی دانشکده هم مدارک را بررسی و آنها را تأیید کرد».

مدیریت این پروژه بر عهده دکتر کاوه سیدان بود و او این طرح را بین بخش‌های پروتز ثابت با مدیریت دکتر حسن سازگارا، پروتز متحرک با مدیریت دکتر مسعود اجلالی و بخش جراحی با مدیریت دکتر حسین بهنیا تقسیم کرد و استادان فوق هم به نوبه خود کار را بین رزیدنت‌ها پخش کردند.

بحث علمی

تا به حال چندین بار درباره ایمپلنت‌های دندانی مطلب نوشته‌ایم. یک بار دیگر توضیح می‌دهیم که ایمپلنت پروتزی است که با جراحی، داخل استخوان فک کاشته می‌شود و بعد از طی دوران ترمیم زمانی که استخوان اطراف ایمپلنت کاملاً فرم گرفت، پروتز به صورت ثابت یا متحرک روی آن سوار می‌شود. در نتیجه بدیهی‌ترین بخش این جریان بریدن بافت نرم و کنار زدن آن از روی استخوان و بعد دریل کردن استخوان است.

چند سالی است که بحث جدیدی در ایمپلنت‌های دندانی مطرح شده به نام «بارگذاری فوری» یا Immediate Loading، بدین معنا که بلافاصله بعد از جراحی و کاشت ایمپلنت، پروتز روی پایه سوار می‌شود. تفاوت بارگذاری فوری با بارگذاری تأخیری یا فرم کلاسیک درمان‌های ایمپلنت، به مدت زمانی بر می‌گردد که پروتزی روی پایه ایمپلنت سوار خواهد شد. در فرم کلاسیک یا تأخیری، بیمار ناچار است مدت زمانی طولانی که گاهی ۶-۵ ماه را شامل می‌شود، فاقد دندان و پروتز باشد که از لحاظ تغذیه و زیبایی مشکلاتی را برای بیمار به همراه خواهد داشت. ولی در «بارگذاری فوری»، بیمار بلافاصله بعد از جراحی صاحب پروتز می‌شود و تمام مشکلات فوق برطرف خواهد شد. در حال

حاضر به استناد تحقیقات فراوان، میزان موفقیت ایمپلنت‌هایی که بلافاصله بارگذاری می‌شوند با بارگذاری تأخیری تقریباً با هم برابر هستند.

تفاوت این ایمپلنت‌های جدید تحقیقاتی، این بود که بدون جراحی و بازکردن بافت نرم، مستقیماً از روی مخاط دریل می‌شد و داخل استخوان قرار می‌گرفت. نکته دیگر اینکه به طور کلی در بسیاری از بیماران، پروتزهای متحرک (مثل دست‌دندان‌های عادی) درمان اصلی هستند که روی پایه‌های ایمپلنت سوار می‌شوند.

این پروتزها با عنوان اوردنچر نامیده می‌شوند و در آنها پایه‌های ایمپلنت با اتصالاتی میله‌مانند به هم متصل شده و پروتز متحرک روی آنها سوار می‌شود. در این تحقیق جدید، این اتصالات حذف شده و پروتز با اتصالاتی مجزا از هم به ایمپلنت متصل شده و به طور فوری بارگذاری می‌شد. بیماران این تحقیق بعد از توجیه نسبت به کار تحقیقاتی به دو گروه تقسیم شدند. همگی این بیماران، دندان مصنوعی داشتند و تحلیل استخوان در آنها حداقل بود. در یک گروه، در فک پایین و در ناحیه دندان‌های نیش، دو ایمپلنت و در گروه دوم در نواحی دندان‌های نیش و آسیای کوچک اول، چهار ایمپلنت کار گذاشته شد. بعد از جراحی، پروتزها به بیمار تحویل داده شد و به مدت ۷ هفته بیماران نباید آن را از دهان خارج می‌کردند. بعد از گذشت ۷ هفته، جز یک ایمپلنت در یک بیمار بقیه ایمپلنت‌ها کاملاً موفقیت‌آمیز بودند.

افقی‌گسترده‌تر

از تمام مراحل درمانی این بیماران تصویر تهیه شد و به طور منظم برای دانشگاه جانز هاپکینز ارسال و با استقبال و رضایت کامل آنها مواجه شد. گفتنی است که این تحقیق جدا از ایران به طور همزمان در سه مرکز در آمریکا و یک مرکز در آلمان هم انجام گرفت. نتیجه مثبت این تحقیق باب جدیدی را در درمان‌های ایمپلنت باز می‌کند تا دندانپزشک بتواند با ایمپلنت‌های ارزی‌تیمت بدون جراحی، بلافاصله پروتز را به بیمار تحویل دهد و از جراحی‌های پیچیده تا حد امکان پرهیز شود.

دکتر سیدان می‌گوید: «آمریکایی‌ها با نحوه کار متخصصان ما مشکلی نداشتند. آنها فکر می‌کردند به دلیل مشکلات زمانی و بی‌برنامگی، ما نتوانیم این تحقیق را انجام دهیم ولی همکاری فوق‌العاده همکاران و تلاش رزیدنت‌های ما باعث شد تا پروژه دقیقاً سر موقع به اتمام برسد. همکاران ما همگی تابستان به دانشگاه آمدند تا کار در موعد مقرر انجام شود».

نتیجه این تحقیق، حدود یک ماه قبل در نشریه داخلی دانشگاه جانز هاپکینز آمریکا به چاپ رسید و قرار است نتیجه کامل این تحقیقات به صورت کتاب منتشر شود که گویا هم اکنون مراحل نهایی

چاپ خود را طی می‌کند.

دکتر سیدان می‌گوید: «باید دوباره همان بحث کلیشه‌ای را پیش بکشیم که متخصصان ما چیزی کم از غربی‌ها ندارند. ما فقط مشکل امکانات و برنامه‌ریزی داریم. چیزی که اگر حل شود بسیاری از معضلات تحقیقاتی کشور برطرف خواهد شد. این تحقیق فتح بابی است که از طریق آن بتوانیم تحقیقات جدیدی به طور مشترک با کشورهای دیگر در ایران داشته باشیم. باید این مسیر باز باشد تا بتوانیم هرچه بیشتر توان علمی خود را افزایش داده و آن را به مراکز علمی تمام دنیا نشان دهیم».

راهی برای ماندگاری*

و اما موضوع بحث، «ادبیات جنگ» است. و هنوز شروع نکرده، می‌توانیم اشکال کنیم به عنوان، که چرا ادبیات جنگ؟ چرا نگوییم ادبیات دفاع مقدس؟ یا ادبیات مقاومت؟ یا ادبیات پایداری؟ نگاهم به هیچ رو یک نگاه اتیمولوژیک نیست. این که دفاع مقدس را جنگ بنامیم یا مقاومت یا پایداری، نه یک روز از تاریخ حماسه می‌کاهد، نه یک واقعه به وقایع جنگ اضافه می‌کند. تغییر اسامی، مراد از معانی را که تغییر نمی‌دهد. چه بگوییم جنگ و چه بگوییم دفاع مقدس، مرادمان از معنا یکی است. اعراض نه‌گانه هم حتی تغییر نمی‌کنند. رابطه دال و مدلولی نیز به‌همچنین. پس این تغییرات نمی‌تواند مؤثر باشد. پس اشکال نمی‌توان کرد به صاحبان این جلسه که چرا عنوان جنگ را برگزیده‌اند یا آیا قصد و غرضی داشته‌اند یا... اما فراموش نکنیم در مملکتی که با تغییر نام «وزارت آموزش عالی» به «علوم، تحقیقات و فناوری»، همه مشکلات پژوهشی - آموزشی را حل کرده‌اند این تغییر نام‌ها نمایانگر نوعی اراده غلط دولتی است. توجه کنیم که در هشت ساله اول جنگ می‌گفتیم ادبیات جنگ، در هشت ساله دوم می‌گفتیم ادبیات دفاع مقدس و در هشت ساله بعدی ادبیات مقاومت و پایداری... و فقط این نکته را جهت تقریب اذهان به حقیقت عرض می‌کنم که دوره‌های مدیریت در این ملک گویا هشت ساله است... این را گفتم تا مشکل عمده ادبیات جنگ از نظر خودم را گفته باشم. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل... و اما بعد؛ آقای میرعابدینی از ادبیات جنگ در تاریخ می‌گویند: «ادبیات رزم و ادبیات بزم». آقای دکتر پژمان از وقوع چهارده هزار جنگ در پنج هزار و شش صد سال تاریخ مدون بشری می‌گویند و من به همه این نگاه‌ها احترام می‌گذارم! اما نگاه داستان نویسی یعنی داستان‌نویس بومی، به این قضیه از بیخ متفاوت است، و باید هم باشد. در نگاه او فقط یک

جنگ در تاریخ وجود دارد و آن نیز جنگ هشت ساله ماست... در شعر، همه دنبال اسم عام هستند برخلاف داستان که در آن چاره‌ای نداریم جز این که اسم خاص باشیم. اسم خاص جنگ، در نظر داستان‌نویس بومی یعنی «جنگ ایران و عراق» و لاغیر.

من معتقدم که جنگ ما را نیز «ظاهری» است و «باطنی»، مثل هر حقیقت دیگری. برای من که جنگ‌مان را متفاوت می‌دانم با سایر جنگ‌ها، حرکت از ظاهر به باطن یک حرکت ناگزیر است. ظاهر جنگ ما نیز مانند همه جنگ‌هاست. با همه نیکویی‌ها و پلیدی‌هایش. و اصلاً این یک راه شناسایی است برای آثار ظاهری. من یک سنجه دارم، یک کاغذ تورنسل. هر اثر جنگی را بلافاصله اسامی اش را جابه جا می‌کنم. یعنی علی و کیارش و فاطمه را تبدیل می‌کنم به عدنان و بکر و رابعه؛ تهران و خرمشهر و آبادان را نیز به بغداد و بصره و کرکوک و البته کلاشینکف و توپ و تانک هم در همه جای عالم ثابت هستند. اگر داستانی با این تغییر خواندنی بود، می‌فهمم که کار می‌لنگد! و متأسفم بگویم که بسیاری از آثار ادبیات جنگ در این آزمون سرافکننده خواهند بود.

اما باطن جنگ. جنگ ما بلاشک بزرگ‌ترین تفاوتش در نسبت و تیفش با آرمانگرایی است. و البته اگر بخواهیم آماری اش کنیم این آرمانگرایی را، در میان جنگ‌های معاصر، نسبت جنگ آوران داوطلب و اجباری در جنگ ما را با هیچ جنگی نمی‌توان مقایسه کرد. بار جنگ بر دوش داوطلبان بود. با چهار تا خاموشی و موشک باران و آژیر قرمز، نمی‌توان جنگ را مردمی دانست و بار را بر دوش همه مردم انگاشت. جنگ ما یک جنگ مردمی نبود، یک «جنگ داوطلبانه» بود...

این نکته‌ای است بسیار کلیدی. و می‌خواهم با تأسف بگویم که نویسندگان جنگ نیز چنین وضعیتی دارند. نویسندگان داوطلب و نویسندگان اجباری. و از نویسنده اجباری مرادم نویسندگان و منتقدانی هستند که در دهه هشتاد به فکر ادبیات جنگ افتاده‌اند. آنها نویسندگان اجباری هستند. چرا که جبر زمانه ایشان را وادار کرده است که بعد از پانزده سال به جنگ بپردازند. و البته ناگفته نماند که این پرداختن اجباری، همان عوارض سفارشی نویسی را دارد. بی‌کم و کاست. ادبیات راستین جنگ، بین دو لبه سفارشی نویسی و روشنفکرزدگی، بریده بریده شد. و مشکل هر دو لبه، سطحی‌نگری بود و ظاهرینی. مردم همان‌گونه که از نیروهای مسلح رسمی انتظار داشتند تا بار جنگ را به دوش بکشند، از نویسندگان شان نیز چنین انتظاری داشتند؛ انتظار موضع‌گیری، ولو موضع مخالف داشتن. بلاموضع بودن بزرگ‌ترین مشکل این نویسندگان بود. کاش نویسندگان مقلد ما دو دست گرم دل و جگر همینگوی داشتند! هوش و شعور و نبوغ پیش‌کش. یکی شان بلند می‌شد و می‌رفت و در حرکتی صلح طلبانه مثل همینگوی، راننده آمبولانس می‌شد تا بفهمد در جنگ چه خبر است. لازم نبود از آمریکا برود اسپانیا، همین میدان راه آهن و قطار اهواز کفایت می‌کرد. بوسیدنی است دست روشنفکر غربی

که رمان ضدجنگ می‌نویسد. ضدجنگ بودن، در جنگ‌های معاصر غربی، فضیلت انسانی است. حال آن که ضدجنگ بودن حال به هم زن نویسندگان ما، یک نگاه ترجمه‌ای غیراصیل است؛ یک اداس؛ یک دزافکته مجلسی. ما ضدجنگ بودن را نه از جنگ غربی‌ها به دست آوردیم و نه از جنگ خودمان. آن را ترجمه کردیم. و عاقبت کسی که نگاه را ترجمه کند، قطعاً ذلت بار است ... جنگ محتاج نقد و رمان من و شما نیست. این ماییم که محتاج جنگ هستیم برای ماندگاری ...

فرار مغزها، معضل جدید عراق *

با اشغال عراق از سوی نظامیان آمریکایی و متحدان آنها، علاوه بر مشکلات ناامنی و بی‌ثباتی که برای ملت عراق به وجود آمد، فرار مغزها که هر روز گسترش می‌یابد، به معضل بزرگی برای عراقی‌ها تبدیل شده است.

به گزارش خبرگزاری «دپ‌آ» پدیده فرار مغزها از عراق از هنگام اشغال این کشور توسط آمریکا گسترش یافته و وضعیتی نگران‌کننده در این زمینه به وجود آمده است. گفتنی است فرار مغزها در هر کشوری دلایل متعددی دارد، اما در عراق افزایش عملیات تروریستی، قتل، آدم‌ربایی و تهدید و ارباب علیه پزشکان، متخصصان، نجبان و اساتید دانشگاهها علت تسریع پدیده فرار مغزها از این کشور شده است.

وزارت آموزش عالی و تحقیقات علمی عراق در آماری از کشته شدن حدود ۵۰ استاد متخصص در علوم انسانی، پزشکی، هسته‌ای و بیولوژیکی خبر داده است که پس از اشغال عراق توسط شبه نظامیان ترور شده‌اند. درحالی که ده‌ها تن از آنها تحت فشار تهدید به قتل، مجبور به ترک کشور و مهاجرت به کشورهای خارجی شدند، برخی از آنها نیز پس از آنکه در معرض آدم‌ربایی و مجبور به پرداخت هزاران دلار به عنوان فدیة برای آزادی خود یا فرزندان‌شان شده‌اند، از کشور فرار کرده‌اند. به نظر می‌رسد این پدیده با توجه به اخباری که رسانه‌ها از آن منتشر می‌کنند یک تحول خطرناک باشد که اساتید و پزشکان متخصص برجسته که از جایگاه علمی منحصر به فردی برخوردار هستند را دربر گرفته است. از جمله این افراد می‌توان به دکتر عبدالهادی الخلیلی پزشک متخصص و حسن‌الربیعی رئیس دانشکده دندانپزشکی دانشگاه بغداد اشاره کرد. بسیاری از پزشکان و متخصصان و نجبان عراقی پس از فرار از کشورشان در دانشگاه‌های اردن، لیبی و حوزه خلیج فارس مشغول کار شده‌اند.

این در حالی است که منابع خبری کشورهای عربی که از مخالفان جنگ عراق محسوب می‌شوند ترور کارشناسان عراقی را به آمریکا نسبت می‌دهند. در همین راستا چندی پیش روزنامه الوطن در خبری فاش کرد که شمار زیادی از دانشمندان و اساتید برجسته عراقی پس از سرنگونی رژیم صدام توسط نظامیان آمریکایی ترور شده‌اند. یک شخصیت دانشگاهی در گفت‌وگو با این روزنامه چاپ عربستان از ترور شمار زیادی از دانشمندان و اساتید دانشگاه‌های عراق به دست «نظامیان اشغالگر آمریکایی» پرده برداشته بود. هفته‌نامه المنار نیز چندی پیش از استقرار یک پایگاه جاسوسی اسرائیل در عراق برای ربودن ده‌ها تن از دانشمندان عراقی و خارج کردن آنها از این کشور خبر داده بود.

به نوشته این نشریه، یک شبکه گسترده جاسوسی که هم‌اکنون زیر نظر «موساد اسرائیل» اداره می‌شود در عراق فعال است و این شبکه جاسوسی با حمایت کامل آمریکا در عراق به تعقیب و ربودن دانشمندان عراقی و کارشناسان تسلیحاتی که ریاست تیم عملیاتی سلاح‌های کشتار جمعی را در دوران حکومت صدام به عهده داشتند اقدام کرده و سپس جهت بازجویی این افراد آنها را به زندان‌های سری در خارج از عراق منتقل می‌کند. به گفته منابع المنار این اقدام اسرائیل با در نظر گرفتن احتمال افشای برخی از برنامه‌های تسلیحاتی نظام سابق عراق و با هماهنگی سازمان سیا انجام می‌شود و تاکنون بیش از ۷۰ تن از دانشمندان عراقی که در ارتباط با دولت سابق عراق بودند، ربوده شده‌اند و در زندان‌های سری خارج از خاورمیانه نگهداری می‌شوند. برخی منابع، از انتقال بیش از ۷۰ دانشمند عراقی به خارج از اردوگاه‌های منطقه خاورمیانه خبر می‌دهند. این درحالی است که به گفته مقامات دولتی و دینی عراق، از بین بردن کارشناسان و در واقع «یقه سفیدهای عراق» نقشه‌ای است که شبه نظامیان برای ضربه زدن به آینده عراق و نسبت دادن آن به اشغال این کشور طراحی و اجرا کرده‌اند. شبه نظامیان عراقی و بازماندگان رژیم بعث درصدد آن هستند که با انجام این پروژه دولت جدید عراق را تضعیف کنند و وضع این کشور در نبود کارشناسان و دانشمندان بیش از پیش وخیم شود.

خواستن توانستن است*

اتوبوس حامل خبرنگاران، در سینه کش جاده، نعره کشان و بی‌اعتنا به بناهای کوتاه قد سمت راست جاده به سمت اصفهان تاخته بود و به اصفهان نرسیده، کمربندی را دور زده و ۱۰ کیلومتر آن طرف‌تر به خوراسگان رسیده بود تا رادارهای صحرایی و ادوات ضد هوایی پیدا شدند و سرانجام تابلوی «مرکز

تحقیقات و تولید سوخت هسته‌ای اصفهان» و «ساختمان لاله»؛ و شاید همین نام بود که جرقه سیران ذهنی ما را زد تا در اعماق خاطراتی که باید کهنش نامید، سرکشی کنیم:

آخر شب پیش از آن که به راه چند صد کیلومتری بازگشت بغلیم و ۵ صبح روز بعد به خانه برسیم، آنی به درازای عمری عبور، بر ما می‌گذشت که های! شمیم قریبی به مشام می‌رسد اینجا، بوی پویش، عطر عبور از خواستن. نگاه کنید! یاد لشکر محمد رسول‌الله بر گوشه حافظه‌ام نور انداخته است. یادش بخیر! یاد لاله سرایی که در روزهای سپید تشیع در خیابان‌های اصفهان و کوچه‌های بی‌انتهای دل عشاق امام (ره) قیامتی به پا می‌کرد و اکنون اینجا می‌باشیم. آن شمیم، این یاد. انگار شاپرکان چرخنده بر گرد نورسوی‌های شبهای تاریک سنگر - که آن ایام در لابلای امواج لابه‌های شبانه سیران روز و زاهدان شب برای مسافران رضوان طنازی می‌کردند - از پس پایان نعمت جنگ، حالا اینجا آشیان کرده‌اند. دلم می‌خواهد فریاد بزنم: های مردم! حالا دیگر اصفهان نصف جهان نیست. اینجا جهانی از غرور ملی را در سیمای آنان که چراغ UCF را روشن کرده‌اند، سیر می‌کنی. از آن روز و آن بازدید هفته‌ها می‌گذرد.

نشان به آن نشان که تنها یک روز پس از بازگشت ما، بیست و دوم نوامبر ۲۰۰۴ از راه رسید تا طبق توافقنامه پاریس حرکت UCF باز ایستد و این روزها ایامی را سپری می‌کنیم تا دهم ژانویه ۲۰۰۵ فرا برسد و مذاکرات گروه‌های کاری در چارچوب آن توافقنامه راه بیفتد. به گفته حسن روحانی، سفیر هسته‌ای کشورمان - که هفته پیش از سفر بروکسل فارغ شد - پایان خوش این مذاکرات به حرکت دوباره UCF و سایر فرآیندهای غنی‌سازی اورانیوم در ایران منجر خواهد شد، اما حالا گزارش آن بازدید از حلقوم سایت هسته‌ای اصفهان، پس از گذشت هفته‌ها تا پایان خوش و بلکه ناخوش مذاکرات نهیبت می‌زند: «مرا فراموش نکنید!»

کارخانه UCF در زمینی به مساحت ۶۰ هکتار و بالغ بر ۱۲۰ هزار مترمربع احداث شده که احداث آنها به تازگی تمام شده است، راستی یک جرقه؛ این عدد و رقمها ویژگی مشترک دهها و بلکه صدها پروژه نیمه تمام و تمام، نام نهاده شده‌ای است که در آرشو حافظه هر خبرنگاری ثبت است.

یک ویژگی مشترک دیگر در این نوع پروژه‌ها وجود دارد که وقتی شما را برای بازدید می‌برند، متوجه آن می‌شوید. در این پروژه‌ها، بخصوص دولتی‌هایش، بناهایی مثل رستوران، دفتر مدیر و قسمتهای اداری همان اول کار، شیک و کامل و آماده است و سوله تولید یا بنای بزرگی که قلب پروژه محسوب می‌شود نیمه کاره و شبیه یک انباری نونوار است؛ زیرا در بهترین حالتها، بازدیدکننده تجهیزات و ادواتی را که هنوز بسته‌بندی است و از یک روز تا چندسال قبل از روز بازدید از خارج

آمده در قلب پروژه ولو می‌بیند، اما UCF اصفهان فاقد ویژگی دوم بود. زمانی این واقعیت را می‌فهمی که می‌بینی از خبرنگاران در بدو ورود در رستورانی پذیرایی شد، که دیوارهایش هنوز آجری بود؛ اما وقتی به بناهای فرآیندی در UCF می‌روید، با واقعیت تازه‌ای مواجه می‌شوید. بناهای فرآیندی، قلب پروژه است. یک مقام مسئول به خبرنگاران می‌گوید: «ساختمان ۱۰۱ که قلب پروژه است، اینک به بهره‌برداری رسیده و به تولید انبوه رسیده است».

UCF طبق قراردادی می‌بایست از سوی آرژانتینی‌ها ساخته می‌شد. آنها پس از انعقاد قرارداد عقب کشیدند. بعد از آنها چینی‌ها هم از همکاری با ایران در این زمینه سرباز زدند. اما UCF سرانجام از سوی ایرانی‌ها سرپا شد. این ۳ حرف علامت اختصاری Uranium Conversion Facility به معنای «تسهیلات تغییر اورانیوم» است. مرد مسئول در UCF که تو را یاد یک «حاجی» مکه نرفته ایام گرم جنگ می‌اندازد، می‌گوید که «در UCF بالغ بر ۶۰ ساختمان پیش‌بینی شده است». این توضیحات را داده و با ماکت به ما تحویل می‌دهد و می‌گوید: «ساختمان‌ها در اینجا ۳ بخش است: ساختمان‌های فرآیندی، ساختمان‌های پشتیبانی هسته‌ای و ساختمان‌های پشتیبانی غیر هسته‌ای».

حدس می‌زنیم این سومین بخش همان بناهایی است که در یکی از آجری‌هایش ناهار خورده بودیم و این حدس درستی بود.

«الان قسمت اعظم ساختمان‌ها ساخته شده است. ما به دلیل شرایط، از همان آغاز کار تصمیم گرفتیم ابتدا بناهای فرآیندی، در مرحله بعد ساختمان‌های پشتیبانی هسته‌ای و در آخر بخش‌های پشتیبانی غیر هسته‌ای را بسازیم و آماده کنیم».

«ورودی ساختمان‌های فرآیندی، «کیک زرد» یا اکسید اورانیوم U3 D8 یا YCP بوده و پس از فعل و انفعالاتی که انجام می‌شود، خروجی‌ها ابتدا «تترافلوراید اورانیوم» یا UF4 و سپس «هگزافلوراید اورانیوم» یا UF6 است».

ما را پس از توضیحات روی ماکت، به قلب پروژه بردند، آنجا بناهایی بود در کنار یک کوره بلند. کمتر قادر هستی از همه جزئیات بررسی. یک آن یکی به ما می‌گوید در کشورهای صاحب دانش هسته‌ای، بازدید سی‌چهل خبرنگار از چنین تأسیساتی بی سابقه است، بلکه این طور اماکن، سری است، اما چه باک که اینجا اولاً به حضور خبرنگارها ما می‌خواهیم به عالم ثابت کنیم، توانسته‌ایم و ثانیاً چنین بازدیدی نسخه‌ای از یک فریاد است که «ما را فراموش نکنید!».

ما را به داخل ساختمان بردند با یک شرط: «در داخل انبیه فرآیندی، امکان آلودگی و حتی خطر جانی ممکن است وجود داشته باشد». اما گوینده خوب می‌دانست که سر خبرنگار جماعت برای این شرایط درد می‌کند، آن هم چه دردی!

وارد اتاقی مثل راهرو می‌شویم و آنجا باید پوششهایی به تن کنیم؛ کلاهی مثل آنچه تیم جراحی در بیمارستان‌ها به سر می‌کنند، ماسک و عینکی شبیه عینک جوشکارها، تن‌پوش و شلوار و حتی پوشش برای ورود به اولین بخش و سپس بخشهای دیگر فرآیندی. آنجا دستگاههای بزرگ و لوله‌های کوچک و بزرگ پیچ در پیچ و کوره‌ها و مخازن ورودی‌ها و خروجی‌ها و پله‌های فلزی شبیه نردبان است که دو سه طبقه از سطحهای مختلف تجهیزات و تأسیسات تودرتو را به هم وصل می‌کند، همه آن چیزهایی که یک بازدیدکننده بیگانه از علوم هسته‌ای قادر است از چیزهایی که می‌بیند، دریافت کند اطلاعات قطره‌چکانی که گاه و بیگاه با سماجت خبرنگاری به دست می‌آید.

UCF به منظور تولید ۴ نوع سوخت شامل «اورانیوم فلزی» با غنای طبیعی و ۱۰ تن در سال، پودر UV2 با غنای طبیعی و ۱۱/۳ تن در سال، اورانیوم فلزی با غنای ۱۹/۷ درصد و ۳۰ کیلو در سال و پودر UO2 با غنای ۵ درصد و ۳۴ تن در سال، طراحی شده است. گاز UF6 با غنای طبیعی ۲۸۰ تن در سال، به عنوان مهمترین محصول میانی در تولید سوخت هسته‌ای در UCF تولید می‌شود. همه این محصولات پنجگانه برای تولید سوخت نیروگاه هسته‌ای و رآکتورهای تحقیقاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ورودی یا خوراک اصلی UCF، «کیک زرد» است.

به سراغ یک کارشناس می‌رویم. او می‌گوید: «به مجموعه فرآیندها و مراحل تولید سوخت هسته‌ای تا مصرف و سپس بازفرآوری آن چرخه سوخت هسته‌ای می‌گویند».

در مقایسه با «اورانیوم»، کاربرد «توریوم» و «پلوتونیوم» خیلی محدودتر است. اورانیوم را می‌توان به صورت خالص یعنی اورانیوم فلزی، یا به صورت ترکیب مثل اکسید اورانیوم UO2 یا کربور اورانیوم Cu به کار برد، اما اکسید اورانیوم متداولترین ماده برای سوخت رآکتورهای تجاری است. اورانیوم به طور طبیعی به شکل مخلوطی از اکسیدهای مختلف است که به شکل وسیعی در پوسته زمین به صورتهای پراکنده یافت می‌شود. غلظت اورانیوم در پوسته زمین حدود ۲ ppm است که نشاندهنده فراوانی آن، حتی بیشتر از عناصری مثل جیوه و نقره است. برای استفاده از اورانیوم به عنوان سوخت، ابتدا باید آن را از سنگهای معدنی استخراج و جداسازی کرد که این مرحله فرآوری سنگ معدن اورانیوم است و سپس با تبدیل و غنی‌سازی، برای تهیه سوخت آماده می‌شود و این مرحله‌ای است که تولید سوخت هسته‌ای در آن صورت می‌پذیرد. پس از استفاده از سوخت در رآکتور اتمی به بازفرآوری سوخت مصرف شده و جداسازی اورانیوم، پلوتونیوم و محصولات شکاف دیگر پرداخته می‌شود و این مرحله «بازفرآوری» نام دارد. لفظ «چرخه» به این دلیل به کار می‌رود که عناصر شکاف‌پذیر پس از مصرف در رآکتورهای هسته‌ای «بازفرآوری» و مجدداً برای مصرف آماده می‌شود.

در UCF اصفهان، UF6 از UO2, HF از F2, U3O8 از UF6 و اورانیوم فلزی طبیعی از UF4 و اورانیوم فلزی غنی شده از UF6 غنی شده تولید می‌شوند. به گفته یک مقام مسئول، کل ترکیبات اورانیوم بجز استخراج و کسنتاتره و غنی‌سازی در UCF انجام می‌شود.

در قلب پروژه، یعنی ساختمان ۱۰۱ با ورودی کیک زرد، UF4 و UF6 خروجی‌های آن است و در بخش دیگری فلوتور مورد استفاده در UF6 تولید می‌شود و در ساختمان ۱۰۳، اکسید اورانیوم برای نیروگاه بوشهر تولید، در ساختمان ۱۰۴ اورانیوم فلزی برای استفاده در رآکتورهای آب سنگین تهیه و در ساختمان ۱۰۵ فلز اورانیوم تولید می‌شود.

در ساختمان ۲۰۱ فعالیت‌های آزمایشگاهی انجام می‌شود و در ساختمان ۲۰۳ تعمیرگاه‌های ماشین‌آلات آلوده به موادی که با اورانیوم ارتباط دارند و زباله‌سوزی انجام می‌شود. یکی از کارشناسان ارشد UCF به دنبال اصرار فراوان خبرنگاران رضایت داد چند کلمه حرف بزند: «شب عید همین امسال (فروردین ۸۳) همه شواهد و قراین به ما می‌گفت وقت کم و کار زیاد و جدی است».

چه شور و حالی است، وقتی حرف می‌زد. پوتین لاستیکی بلند به پا داشت و تن پوشش پیراهن و شلواری آبی رنگ از جنس بادگیر بود. یک آن ناخودآگاه ذهنم غلتید به روزهایی که غرق نعمت جنگ بودیم؛ همان ایامی که همین بادگیرها توی جبهه به قول بچه‌ها مد شده بود و یک فریاد ناگهانی نیز جزو امور متداول منطقه شده بود، «شیمیاییه» و آن ستونهای سفید دودمانند و تاولها و ماسک‌هایی که پس از زمانی کوتاه، شکل و قواره‌اش اصلاً برای بسیجی‌ها عجیب و غریب نبود. مرد کارشناس ارشد در UCF لحنی داشت درست مثل ادبیات آن روزها، زیرا یک جای کلمات او نشانی از بیداری داشت؛ بیداری به دلیل یک مراقبت از حمله احتمالی دشمن.

«شب عید همین امسال، همه شواهد و قراین به ما می‌گفت که وقت کم و کار زیاد و جدی است. همه چیز برای ما روی کاغذ معلوم بود. می‌دانستیم $UO_2+FH=UF_4$ حتی توی همین کارخانه با ۱/۵ تن کیک زرد کار را راه انداخته بودیم، اما این میزان تنها یک آزمایش محسوب می‌شد و از دیگر سو، لحظه‌ها و ایام سختی را برای سرپا کردن کارخانه چشم کشیده بودیم تا روزی که تولید تترافلوراید اورانیوم و هگزافلوراید اورانیوم در اینجا در مختصات صنعتی راه بیفتد، فرا برسد و حالا مواجه شده بودیم با این همه فشار سیاسی کشورهای غربی به نام آژانس فلان و بهمان و خوب می‌دانستیم که وقت به شدت کم است».

باورم نمی‌شود، او حالا با بغض تلخی حرف می‌زد و اگر یک چشمم نمی‌افتاد، حتی باورم

نمی‌شد درست در اصلی‌ترین قسمت کارخانه که محصول در آنجا نمایان می‌شود، ۲ دوربین قرار دارد که مستقیماً از «وین» مونیتورینگ می‌شود و از سوی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آنجا نصب شده است. مرد کارشناس ارشد ادامه داد:

«ما کار را شب عید شروع کردیم. همه به تعطیلات رفتند، اما ما اینجا با غرور ملی و اسلامی عشق‌بازی کردیم. تقریباً همه ما خواب را فراموش کرده بودیم و به جرأت می‌گویم مادقیقه‌ای و حتی لحظه‌ای را از دست ندادیم و عزم کردیم این بار کار را با ۳۷ تن کیک زرد شروع کنیم و تاخیم تا به هدف رسیدیم. این واحد قبل از به تعلیق درآمدن، باید یک بار با این ظرفیت تست می‌شد، تا دنیا بداند ما توانسته‌ایم. ما تا با این ظرفیت کار نمی‌کردیم قادر نبودیم اشکالات کار را دریابیم. پس چنین کردیم و اینک ۲ روز پیش از تعلیق به مردم می‌توانیم بگوییم که ما کار را تمام کرده‌ایم.»

به لحاظ صنعتی، کشورهای فرانسه، ژاپن، روسیه، آمریکا و انگلیس دارای تمامی مراحل فناوری فرآوری و اورانیوم در تمامی مراحل چرخه سوخت هسته‌ای در اشل صنعتی هستند و چنانچه اشل غیرصنعتی مدنظر باشد، به فهرست مزبور هند هم اضافه می‌شود. کشورهای کانادا و فرانسه در مجموع دارای بزرگترین کارخانه‌های تبدیل اورانیوم هستند و محصولات آنها UF_6 , UO_3 , UO_2 است. پس از این ۲ کشور به ترتیب آمریکا، روسیه و انگلستان قرار دارند، اما در زمینه غنی‌سازی رتبه‌های اول از حیث برخورداری از شبکه بزرگ غنی‌سازی از آن آمریکا و روسیه بود که این دو کشور در اشل صنعتی به ترتیب کار خود را از سال ۱۹۴۵ و ۱۹۴۹ آغاز کرده‌اند و در زمینه تولید سوخت هسته‌ای آمریکا در رتبه نخست قرار دارد.

مرد کارشناس ارشد UCF آخرین جمله‌اش را اینگونه ادا می‌کند:

«خاطرتان جمع باشد، که نخواهیم گذاشت چراغ UCF خاموش بماند.»

یک مقام امنیتی و حفاظتی رو می‌کند به خبرنگاران و می‌گوید: «در هیچ جای دنیا اینگونه نیست که خبرنگاران چنین آزاد از سایت‌هایی همچون UCF بازدید کنند.»

فرصت بازدید روبه اتمام است و زمان خلاص شدن از پوشش‌های سبز حفاظتی هنگام بازدید نزدیک است. در آخرین مراحل بازدید، مخازن بزرگ UF_6 که تازه تولید شده‌اند و این اتفاق تا حداکثر یکی دو ماه پیش از زمان بازدید آرزویی دور بود، را به ما نشان می‌دهند. مقام امنیتی حفاظتی می‌گوید: «در روسیه و فرانسه یا آمریکا یا کشورهای دیگر حتی به خبرنگار اجازه نمی‌دهند از بیرون این سایتها بازدید کنند، یا عکس بگیرد. هدف ما از دعوت شما به اینجا، آن بود که دستاوردهای خیره کننده هسته‌ای ایران عزیز به نحوی که نگرانی‌های حفاظتی ما لحاظ شود، به اطلاع مردم برسد. خواست و فریاد UCF این است که فراموش نشود.»

UCF حالا علاوه بر تلاش شبانه‌روزی کارشناسان عزیزش به پشوانه مردم والای ایرانی اسلامی نیز به شدت نیاز دارد و این هر دو تا نباشد، عقبه مذاکرات فراهم نیامده است. ما می‌خواهیم مردم بدانند که ۸۰ درصد چرخه سوخت هسته‌ای در UCF انجام می‌شود و لحظه‌شماری می‌کنیم تا در نتیجه مذاکرات، تعلیق فعالیت UCF برطرف شود».

محمد قتادی، معاون تولید و سوخت سازمان انرژی اتمی کشورمان می‌گوید: «از ۲۴ کارگاهی که قرار بود با همکاری چینی‌ها تجهیز و راه‌اندازی شود، به دلیل قطع یکطرفه همکاری چینی‌ها، متخصصان توانمند داخلی توانستند ۲۱ کارگاه مربوطه را راه‌اندازی کنند».

بهروز سامانی مجری طرح کارخانه فرآوری اصفهان نیز می‌گوید: «کلیه تجهیزات UCF که ۱۵ هزار دستگاه است، به دست توانای متخصصان داخلی ساخته شده است».

بهروز حبشی‌زاده، رئیس UCF هم می‌گوید: «ساخت این کارخانه در سال ۶۹ برای اجرای یکی از پروژه‌ها با انعقاد قراردادی با یک شرکت چینی آغاز شد. در طول مدت ۸ سال چینی‌ها تنها ۱۰ درصد کار را پیش بردند و بعد تحت فشار قدرتهای بزرگ سیاسی از ادامه کار سرباز زدند.

آنها گمان نمی‌کردند، این کار با تکیه بردانش و اندیشه مهندسان ایرانی قابل انجام باشد و البته بعد از قطع یکطرفه قرارداد از سوی چینی‌ها، مسئولان پروژه با برخی دیگر از کشورها رایزنی کردند، اما همه آنها به ما پاسخ منفی دادند. در سال ۱۷۷ اما مقدمات کار به دست جوانان ایرانی فراهم آمد و از سال ۷۹ جمعی از مهندسان جوان کار را در دست گرفتند و اکنون طی فقط ۴ سال، پروژه به مرحله بهره‌برداری رسید و معدل سنی این بچه‌های دانشمند ۲۶ سال است. مردم بدانند که در رسیدن به فناوری هسته‌ای، هرگز هیچ بیگانه‌ای حضور نداشته است و جالب است برخی بازدیدکنندگان خارجی اینجا دنبال «دانشمندان ریش سفید» می‌گردند و تازه متوجه می‌شوند که این افتخار بزرگ در ایران از سوی «دانشمندان جوان» به دست آمده است». پروژه زیرکونیوم zpp یک بخش مهم دیگر در UCF اصفهان است. این تولید به غلاف سوخت هسته‌ای نیز معروف است.

مهاجرت بدون بازگشت*

معضل فرار مغزها چندی است که به یکی از بحث‌هایی تبدیل شده که درباره آن سخن فراوان می‌رود. تقریباً همه صاحب‌نظران از پدیده فرار مغزها ابراز نگرانی کرده‌اند و اثرات آن رازینبار و

تأسف‌آور خوانده‌اند و از سیاست‌گزاران و قانونگذاران دعوت کرده‌اند تا به اتخاذ سیاست‌ها و اجرای برنامه‌های مختلف به جلوگیری از ادامه این روند بپردازند.

● پیشینه تاریخی فرار مغزها

با مراجعه به تاریخ می‌توان دریافت که مسئله جابجایی و فرار مغزها و نخبگان از یک جامعه به جامعه دیگر، کم و بیش در همه ادوار تاریخ وجود داشته است. شاید ابتدایی‌ترین شکل فرار مغزها را بتوان به این صورت تصور کرد که در هر عصر و در هر سرزمین، وقتی قومی یا حکومتی به اوج اقتدار و پیشرفت و آبادانی می‌رسید، هنرمندان، نخبگان و متخصصان سایر جوامع را به خود جذب می‌کرد و این مؤید یک نکته روانشناختی است که انسان فطرتاً راحت طلب است و هر کجا گذران زندگی او با آرامش و آسایش بیشتری میسر گردد آنجا را به عنوان محل زندگی خود انتخاب خواهد کرد. در طول تاریخ، همواره انسان‌ها و ارباب فضل، دانش و معرفت، صنایع و هنر هر جا را مناسب‌تر و امن‌تر برای زندگی خود می‌دیدند، به عنوان محل شغل و در نتیجه سکونت خود انتخاب می‌کردند با این تفاوت که این نوع نقل و انتقالات و جابه‌جایی، با پدیده فرار مغزها به اصطلاح امروزی آن کاملاً تفاوت ماهوی داشت، به گونه‌ای که آن را به عنوان مهاجرت قلمداد می‌کردند. درحالی که پدیده فرار مغزها امروزه در همه جوامع، به عنوان نه یک معضل و مشکل، بلکه بحران اجتماعی و فرهنگی مطرح است چرا که مهاجرت نخبگان در گذشته تابع عرضه و تقاضا و محدود به احتیاجات و نیازهای جامعه مقصد بوده و از این رو همواره شکل منطقی و طبیعی به خود می‌گرفت و هرگز به عنوان یک معضل اجتماعی مطرح نبود، اما به تدریج و با پیشرفت حیرت‌آور فناوری برخی کشورها از سوی دیگر و در نتیجه پیشرفت فناوری در رشته‌های گوناگون علوم و فراهم بودن وسایل و ابزارهای تحقیقی و پژوهشی و نیز آماده بودن شرایط زندگی و دستمزد مناسب در این کشورها موجب شد که از افراد متخصص و ماهر فرهیخته و کارآزموده از سراسر جهان به این کشور سرازیر شوند و نوعی معضل اجتماعی و عدم تعادل ساختاری از لحاظ نیروهای انسانی در کشورها را پدید آورند.

پدیده فرار مغزها در عصر حاضر برخلاف گذشته است که مهاجرت نیروهای نخبه و متخصص امری طبیعی و منطقی می‌نمود و تابع عرضه و تقاضا بود. امروز در بیشتر موارد نه کشورهای مقصد و مهاجرپذیر نیاز به این همه مهاجر دارند و نه کشورهای مبدأ از وجود همه این نیروها بی‌نیازند، بلکه براساس یکی از آمارهای منتشر شده با این که کشورهایی مثل هند و پاکستان از نظر پزشک در مضیقه به سر می‌برند، پزشکان آنها که در انگلستان هستند ۴۴ الی ۴۵ درصد جامعه پزشکی این کشور را تشکیل می‌دهند.

● طیف مهاجران

هرچند عنوان مهاجرت نخبگان شامل همه متخصصان علمی و اداری می‌شود، ولی غالباً مهاجران کسانی هستند که عمدتاً خواهان پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی و در سه طبقه پزشکان، مهندسان و دانشمندان هستند. به عنوان نمونه در یک گزارش، تعداد پزشکان و مهندسان خارجی در آمریکا در سال ۶۴-۱۹۶۳ به ترتیب ۲۹ درصد مجموع فارغ‌التحصیلان پزشکی در دانشگاه‌های آمریکا و نیز ۸۵ درصد مهاجران به این کشور را تشکیل می‌دادند.

وضعیت کشورهای اروپایی به مراتب نسبت به کشورهای آفریقایی و آسیایی بهتر است، زیرا آمریکا هرچند قطب جاذبی برای جذب نخبگان سایر کشورها است و کشورهای اروپایی بخشی از نخبگان خود را به آمریکا می‌فرستند، ولی کمبود نخبگان خود را از کشورهای آسیایی و آفریقایی جذب می‌نمایند. از این رو بدترین وضعیت را کشورهای آسیایی و آفریقایی دارند که با هزینه‌های گزاف ملی اقدام به پرورش متخصصان و نخبگان می‌کنند ولی آنها را به کشورهای دیگر تحویل می‌دهند. پیشرفت و توسعه هر کشوری مرهون پیشرفت و توسعه فناوری و نیز نیروی انسانی ماهر، نخبه و کارآموده است. رشد فناوری نیز مرهون علوم علمی و نظری محض است و رشد علمی نیز به نوبه خود وابسته به منابع علمی و یافته‌ها و تلاش‌های علمی است که در اختیار محققان و پژوهشگران قرار دارد. مهاجرت نخبگان باعث کندی رشد و توسعه فناوری است. دو عامل می‌تواند مانع رشد فناوری شود؛ یکی علل ساختاری و دیگری مهاجرت متخصصان. البته کیفیت منابع و شرایط فیزیکی تجهیزات موجود از جمله عوامل توسعه نیافتگی است. پدیده فرار مغزها به گونه دیگری قابل دسترسی است. در کشورهای جهان سوم عمدتاً به کارهای فکری و تحقیقی عمیق در زمینه‌های علوم اجتماعی و انسانی اهمیت داده نمی‌شود در نتیجه در بلندمدت بازار کار از نیروهایی که به واقع جامعه نیازمند آنان است تهی می‌شود. از سوی دیگر بیشترین تبلیغات و سرمایه‌گذاری‌ها در مقطع دانشگاه‌ها و آموزش عالی بر علوم غیرانسانی متمرکز است. در این رشته‌ها نیز به دلیل نداشتن دانش فنی بالا و به روز نبودن، موفقیت‌چندانی کسب نمی‌شود در حالی که بیشترین نیروهای ماهر مورد نیاز در بخش نظام دیوان سالاری و اداری جامعه و در بخش علوم انسانی و اجتماعی است، یعنی همان رشته‌هایی که معمولاً اقبالی به سرمایه‌گذاری از سوی دولت و تبلیغات عمومی در آنها صورت نمی‌گیرد و موسوم است دانشجویانی که در سایر رشته‌ها امتیاز لازم را به دست نمی‌آورند به این رشته‌ها وارد می‌شوند، در نتیجه این فرآیند، ورود موج عظیمی از نیروهای غیرکارآمد به بدنه اجرایی کشور است. دو عامل عمده‌ای که می‌توان از جمله عوامل فرار مغزها نام برد:

الف- عوامل خارجی: که می‌توان به توسعه فناوری، مهیا بودن ابزار تحقیق و پژوهش در کشورها،

عدم تعادل نیروی انسانی و... اشاره کرد.

ب - عوامل داخلی: این عامل به عنوان پدیده اصلی فرار مغزها است که خود شامل چند دسته همچون موارد زیر است:

۱- مسائل و مشکلات فرهنگی و آموزشی

۲- فقدان توسعه سیاسی

۳- فساد اداری و سوء مدیریت

۴- فقدان توسعه اقتصادی

● پیامدهای فرار مغزها

یکی از عوامل فرار مغزها در کشور، توجه به مسائل مادی در مقایسه با سایر مسائل است، یعنی اینکه انسان‌ها و افراد را فراموش کنیم و تصور کنیم هر کس ماشین و ابزار آلات فناوری در اختیار داشت خوشبخت است، در حالی که به عکس، هرچه پیشرفته‌تر باشد باید نقش عوامل انسانی در آن مهم‌تر، برجسته‌تر و بیشتر باشد. مثلاً نقش انسان در ژاپن ۸۰ درصد است، ولی نقش انسان در کشور ما کمرنگ است به طوری که بیشترین دغدغه کشور ما خارج نکردن ارز از کشور است. به نظر می‌رسد همین تغییر نگرش نسبت به افراد انسانی و توسعه انسانی در فرایند توسعه، عامل مهمی در کاهش پدیده فرار مغزها است.

راه حل اساسی و مؤثر برای جلوگیری از فرار مغزها، ایجاد شرایط مناسب کار، تحقیق و پژوهش، دستمزد کافی و از بین بردن بی عدالتی و تبعیض است که خود موجب جلب نخبگان است. از سوی دیگر راه‌های جلوگیری از فرار مغزها، برنامه‌ریزی بلند مدت و حساب شده برای استفاده از نیروهای انسانی است و این امر باید مبتنی بر این اصل باشد که تربیت متخصصان باید براساس نیازها و متناسب با ظرفیت‌های داخلی، به قدر نیاز باشد تا کمک اساسی به تحکیم زیربنای اقتصادی کشور باشد.

● شیوه‌های جذب نخبگان

۱- در داخل کشور که در کنار آموزش‌های فنی و زیربنایی و به روز نخبگان قرار دارند، باید صندوقی به این منظور در نظر گرفته شود تا فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به محض فراغت از تحصیل و تا زمانی که موفق به پیدا کردن شغل و کار مناسب نشده‌اند از این صندوق، وام‌های اشتغال، حق بیمه بیکاری و مانند آن دریافت دارند.

۲- نظارت بر فارغ‌التحصیلانی که به خارج عزیمت می‌کنند و ارتباط عاطفی با آنان از دیگر راهکارهای جذب نخبگان است.

- ۳- دولت می‌بایست براساس رشته‌های موردنیاز جامعه به تربیت نیروی انسانی بپردازد و پس از کسب آموزش لازم نسبت به اشتغال آنها تعهد نماید.
- ۴- تأسیس مراکز کاربایی برای نخبگان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی.
- ۵- ایجاد ارتباط مراکز صنعتی با دانشگاه‌ها. عدم ارتباط بین آنها موجب عدم تناسب آموزش‌های نظری با فعالیت‌های عملی می‌شود.
- ۶- وجود ثبات، آرامش سیاسی، وحدت نیروهای خودی، احزاب سیاسی و مسئولان، زمینه‌ساز ثبات و آرامش روحی افراد خواهد بود.
- ۷- احترام و توجه بیشتر به علم، دانش، خلاقیت و توجه به نخبگان جامعه.
- ۸- تأسیس شرکت‌هایی برای محققان و تأمین نیازهای علمی، تحقیقاتی، مادی و معنوی آنان.
- ۹- تجدیدنظر جدی در وضع تحقیقاتی دانشگاه‌ها.
- ۱۰- رفع مفاسد اداری، حاکمیت روابط شخصی، فامیلی، گروهی، حزبی و جناحی.

● نتیجه

شاید برخی از دولت‌ها بتوانند برخی از معضلات اجتماعی، سیاسی و یا اقتصادی خود را حل نمایند و رضایت برخی از اقشار جامعه را جلب نمایند، اما نخبگان یک جامعه به سادگی تسلیم ظواهر نمی‌شوند. نخبه، سیاه و سفید نمی‌شناسد و اگر دنیای بهتری برای زندگی سراغ داشته باشد به سختی می‌تواند از وسوسه مهاجرت در امان بماند. ایرانیان از دیرباز طیف عظیمی از مهاجران را تشکیل داده‌اند، که ریشه‌یابی آن ارتباط مستقیمی به افزایش یا کاهش مشکلات داخلی داشته و دارد. امکان دستیابی به یک شغل آبرومندانه، حق هر تحصیلکرده است اما وقتی به هر دلیل امکان‌پذیر نیست ایرادی بر مهاجرت نخبگان نمی‌توان گرفت. فاجعه بزرگ آن است که به همراه فرار مغزها، دل‌ها هم از وطن فراری شود. البته ایرانیان مردمانی با اصل و نسب با فرهنگ اند و زرق و برق کشورهای غربی هم نتوانسته دل‌هایشان را فراری دهد، اما بهتر است به شخصیت و هویت یک نخبه توهین نشود.

OCR چیست؟*

OCR سرنام اصطلاحی است که صورت کامل آن در واژه‌نامه‌های انگلیسی به دو صورت آمده

است: ۱. Optical Character Recognition ۲. Optical Character Reader

فرض کنید که ما متنی را روی کاغذ داریم و می‌خواهیم آن را وارد رایانه کنیم. اولین روشی که به ذهن می‌رسد این است که متن را به تاییست بدهیم تا با کامپیوتر تایپ کند. اما آیا می‌شود عین همان متن را وارد رایانه بکنیم تا نیازی به تایپ نباشد؟ البته دستگاه «اسکنر» می‌تواند تصویری از آن متن را وارد رایانه کند، تا اینجا بخشی از مشکل ما حل شده است. اما رایانه که نه عقلی دارد و نه «زبان» می‌فهمد، نمی‌تواند حروف و کلمات را از هم تشخیص دهد. مثلاً اگر از کامپیوتر بخواهیم به ما بگوید که در متن اسکن شده کلمه «علی» چندبار آمده است، بی‌آنکه شرمنده شود، می‌گوید: «error»، یعنی: «نمی‌توانم تشخیص بدهم!» در واقع این «تصویر دیجیتال شده» باید به «تصویر قابل پردازش» تبدیل شود. موضوع اصلی OCR همین است.

در زبان‌های دیگر، به ویژه زبان‌هایی که با حروف لاتینی نوشته می‌شوند، سال‌هاست که از OCR استفاده می‌شود. اما در ایران تازه دو سه سالی است که به فکر استفاده از OCR در زبان فارسی افتاده‌ایم.

و اما OCR چند نوع است: یا تایی است یا دست‌نویس. یعنی یا باید یک متن قبلاً تایپ شده را (مثل کتاب‌ها و روزنامه‌های چندین سال قبل، یا حتی متنی را که فایل تایی آن موجود نیست و فقط پرینت آن را داریم) وارد رایانه کنیم، یا متن دست‌نویس را. متن‌های دست‌نویس هم به دو صورت «گسسته» و «پیوسته» وجود دارند: متن «دست‌نویس پیوسته» مثل همان چیزهایی است که ما هرازگاهی که دلمان تنگ می‌شود روی کاغذ می‌نویسیم، یا یک نامه، یا یک قطعه شعر و... اما متن «دست‌نویس گسسته» همان نوشته‌هایی است که حروف آن جدا از هم و به صورت گسسته نوشته شده‌اند، مثل نام و نام خانوادگی که در فرم‌های آزمون ثبت نام، به صورت هر حرف داخل یک کادر، نوشته می‌شوند. طراحی OCR گسسته فارسی تقریباً در مراحل پایانی کار قرار دارد، ولی OCR پیوسته ظاهراً سال‌های زیادی کار می‌برد.

«رضا صدیق» و «پرویز رزازی»، که در رشته مخابرات تحصیل کرده‌اند و مسئولان یک شرکت کامپیوتری به نام «اندیشه نرم‌افزار پایا» هستند، برای اولین بار به طور جدی پروژه OCR فارسی را دنبال کرده‌اند. رزازی که دانشجوی مخابرات و مسئول بخش پردازش سیگنال شرکت «پایا» و مدیر پروژه OCR در این شرکت است، می‌گوید: «OCR در دنیا موضوعی ناشناخته نیست و بر روی آن زیاد کار شده است، ولی در ایران با آنکه مدت‌هاست روی آن کار شده، اما بسیاری از این کارها در حد کارهای دانشگاهی و مقاله‌های علمی باقی مانده بود و تبدیل به یک محصول کاربردی در ابعاد وسیع (مثل ثبت نام آزمون‌های بزرگ) نشده بود. ما بر روی این طرح کار کردیم و هدفمان هم این بود که محصول را به شکل صنعتی آن تولید کنیم».

البته غیر از شرکت «پایا» دو شرکت دیگر نیز با حمایت دبیرخانه طرح «تکفا» (توسعه کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات) مشغول پژوهش و آزمایش بر روی OCR فارسی هستند. یکی از این شرکت‌ها «داده پردازان دوران نوین» نام دارد که مدیریت آن را دکتر «حسام فیلی» بر عهده دارد. دکتر فیلی متخصص در رشته هوش مصنوعی، از دانشگاه صنعتی شریف است و شرکت «دوران نوین» را از سال ۱۳۸۱، با هدف کار تخصصی بر روی پروژه‌های هوش مصنوعی تأسیس کرده است. او درباره چگونگی پیوستن شرکتش به این طرح می‌گوید: «از تیرماه سال ۸۲ با شروع فعالیت طرح «تکفا» و حمایت‌های مالی آنها، این شرکت تصمیم گرفت که در زمینه طراحی OCR فارسی پژوهش و فعالیت کند. این پروژه در شرکت «دوران نوین» با همکاری آقای «دکتر ابراهیمی مقدم» که او هم از دانشجویان دوره دکتری هوش مصنوعی دانشگاه صنعتی شریف است، انجام می‌گیرد».

فارسی ما و مشکلات آن

قبل از اینکه به مراحل دیگر OCR پردازیم، لازم است اندکی هم به مشکلات خط فارسی - یا در واقع ویژگی‌های این خط - پردازیم. اول اینکه ما در فارسی حروف را به صورت چسبیده و پیوسته می‌نویسیم و این کار برای تشخیص حرف به حرف نوشته از سوی رایانه (که قرار است در مراحل بعدی آن را تایپ کند) بسیار مشکل است. تصور کنید که همین کلمه ساده «است» را به حالت‌های مختلف می‌شود نوشت: یکی برای «س» دندان می‌گذارد، یکی نمی‌گذارد، یکی آن را می‌کشد و یکی نمی‌کشد و... حالا اگر همین صورت‌های مختلف «س» به «ت» هم بچسبند، تشخیص حروف برای ما انسان‌ها هم سخت می‌شود، چه رسد به رایانه.

شباهت حروف

مشکل دیگر خط ما این است که حرف‌های فارسی بسیار به هم شبیه‌اند. مثلاً در نظر بگیرید که تفاوت «ر» با «ز»، «د» با «ذ»، یا «ب» با «ت» تنها در یک نقطه است، و چون نقطه جزء بسیار کوچکی است، اگر یک خط یا حتی یک لک کوچک روی کاغذ بیفتد، تشخیص حروف از هم بسیار دشوار می‌شود و در دسر جدی برای بازشناسی حروف توسط رایانه ایجاد می‌کند. اینها تازه مشکلات خط فارسی است. درباره اعداد فارسی هم این مشکل وجود دارد: اعداد ۴، ۳، ۲، ۱ هم بسیار به هم شبیه هستند و تنها تفاوتشان یک دندان کوچک است.

به دلایل گفته شده، OCR در مرحله کنونی در کشور ما مربوط به «دست‌نویس‌های گسسته» یا متن‌های تایپی پیوسته است، و تا بازشناسی متن‌های دست‌نویس پیوسته توسط کامپیوتر راه زیادی در پیش است، چون در دست‌نویس‌های گسسته، اگرچه حروف به هم شباهت دارند، حداقل جدا جدا

نوشته شده‌اند. در متن‌های پیوسته تایی هم مشکل کشیده شدن یک حرف یا شکسته نوشته شدن حروف را نداریم، البته به گفته مسئولان شرکت «پایا» در حال حاضر هم نرم‌افزارهایی وجود دارد که متن دست‌نویس پیوسته را تبدیل به حروف جدا از هم و گسسته می‌کنند، ولی ضریب خطای این نرم افزارها زیاد است و به شکل صنعتی درنیامده‌اند.

بازشناسی حروف و الگو

تا اینجا گفتیم تصویر صفحه‌ای که در آن حروف به طور جدا جدا (هر حرف داخل یک کادر) نوشته شده است، به وسیله اسکن وارد رایانه می‌شود. مرحله بعدی این است که حروف بازشناسی شوند، یعنی مکان آنها از دیگر خطوط (مثل خطوط کادری که داخل آن نوشته شده) بازشناسی شود، و اگر متن پیوسته تایی است، حروف جدا شوند و زواید تصویر حذف شود. مثلاً اگر دانش آموزی «س» را به گونه‌ای نوشت که بیرون از کادر بود، به رایانه بفهمانیم که بی‌دقتی شده است و او باید همان حرف داخل کادر را بخواند. در مرحله بعدی که «بازشناسی الگو» نام دارد، با تعدادی شرط می‌شود فهمید که مثلاً حرفی «الف» است یا نه، و رایانه تشخیص می‌دهد که حرف «پ» است یا «ب». برای این تشخیص لازم است که تصویر حرف «الف» با الف‌های نمونه که قبلاً به رایانه داده شده است - منطبق شود. الفبای نمونه قبلاً از روی یک مجموعه بزرگ آموزشی تهیه شده و ویژگی‌های مشترک از آن استخراج شده است. اما از آنجا که تنوع صورت‌های نوشتاری یک حرف به صورت دست‌نویس بسیار زیاد است، مدلی آماری استخراج می‌شود که در آن شباهت ویژگی‌های استخراج شده قبلی با نمونه ورودی به رایانه بررسی می‌شود. در اینجا «بازشناسی الگو» با روش‌های آماری انجام می‌شود که روش معمول در سیستم‌های OCR است.

اگر فکر می‌کنید که کار تمام شده است در اشتباهید، چون تازه می‌رسیم به دنباله حروف. مثلاً اگر کسی همان حرف «س» را با دنباله بنویسد، رایانه باید تشخیص دهد که این حرف فقط «س» است، یا مثلاً «ی» هم به آن چسبیده است.

الگو سازی یا پردازش زبانی

مرحله بعدی «الگو سازی زبانی» یا «پردازش زبانی» نام دارد. حروف به هم چسبیده، که کلمه را درست می‌کنند باید معنی دار یا شناخته شده باشند. در این مرحله بررسی می‌شود که چه کلماتی در زبان وجود دارد؟ چه ترکیب‌هایی از کلمات مجاز است؟ و... البته در مراحل پیشرفته‌تر، الگوسازی گرامری (دستور زبان) و الگو سازی معنایی هم وجود دارد که تشخیص می‌دهد جمله از لحاظ دستوری و معنایی درست است یا بی مفهوم است. اما در OCR گسسته - که بیشتر برای ثبت نام استفاده

شده - شباهت یک کلمه به نام، نام خانوادگی، شهر و... کافی است.

برای تشخیص ترکیب‌های مجاز یک کلمه یا معنی دار بودن یک کلمه نیز به تهیه بانک‌های اطلاعاتی (Data base) نیاز داریم. در این بانک‌ها مثلاً تمام نام‌های کوچک و بزرگ ایرانیان قبلاً جمع‌آوری شده است و هنگام تطبیق یک کلمه با آن مشخص می‌شود که رایانه حروف آن را درست تشخیص داده یا نه. بنابراین نقش این بانک اطلاعاتی بسیار مهم است، چون اگر نامی در آن ثبت نشده باشد، کلمه‌ای که آن نام را شامل شود، به طور خودکار از برنامه OCR حذف می‌شود یا پیغام می‌آید که: «این کلمه اشتباه است». در صورتی که ممکن است مثلاً نام «هشام» در بین نام‌های ایرانی وجود داشته باشد، ولی قبلاً در بانک اطلاعاتی ثبت نشده باشد.

بانک‌های ما و دیگران

مهندس «رزازی» درباره مشکل بانک‌های اطلاعاتی در زبان فارسی می‌گوید: «در دنیا برای توسعه OCR و ارزیابی آن، بانک‌های اطلاعاتی استاندارد ساخته شده که در آنها همه کلمات وجود دارند، یعنی بانک، هم شکل دیجیتال کلمه را دارد، و هم تصویرش را. اما برای زبان فارسی، این بانک‌های اطلاعاتی چه برای ارزیابی و چه برای توسعه، استاندارد شده نیست. در واقع هرکسی برای خودش یک بانک اطلاعاتی می‌سازد، و این نمونه‌های متفاوت، مشکلاتی را ایجاد می‌کند. مثلاً برای ثبت نام دانش آموزانی که در آزمون مدارس تیزهوشان شرکت کرده بودند، یک بانک اطلاعاتی حاوی نام‌های فارسی، از روی اطلاعات فرم‌های سال‌های قبل، تهیه شد که از روی آن کلماتی که خیلی شبیه به نام‌های فارسی بودند تشخیص داده می‌شد. مثلاً اگر رایانه کلمه‌ای را «مصیبت» تشخیص داد، براساس بانک اطلاعاتی معلوم می‌شود که «مصیب» بوده است که یک نام ایرانی است».

علی، ولی، قلی... و سبب

نکته دیگر این است که یک بانک اطلاعاتی نه تنها باید شامل تعدادی کلمات خام باشد، بلکه «بسامد» آن واژگان، یعنی میزان استعمال و تکرار کلمات در زبان و مشخصات آماری آن‌ها هم باید ثبت شده باشد، و ال‌کارایی زیادی ندارد. مثلاً «علی» نامی است که شباهت زیادی به «ولی» و «قلی» دارد. کارهای آماری در بانک اطلاعاتی باید طوری انجام شده باشد که تعداد «علی» بیشتر باشد، تا بعد نوبت «ولی و قلی» برسد، چون درصد بسامدی «علی» به لحاظ آماری و کاربرد در میان نام‌ها بیشتر است.

در OCR فارسی گسسته، اگر فقط مربوط به نام‌ها و نام خانوادگی باشد، کار ساده‌تر از حالتی است که در OCR پیوسته وجود دارد. چون در OCR پیوسته هر کلمه‌ای ممکن است وجود داشته باشد مثل

«سیب»، اما در بانک اطلاعاتی نام‌ها، همه می‌دانیم که سیب نام یک شخص نیست، بلکه نام یک میوه است! بنابراین در OCR همواره سعی می‌شود که درصد خطا کاهش یابد، تا کلمات در حد ممکن درست تشخیص داده شوند. اگرچه طراحان هنوز به صددرصد صحت نرسیده‌اند، ولی نگران نتایج آزمون خود نباشید، چون تمامی اطلاعات مربوط به شما چندین بار کنترل می‌شوند و از سازوکار reject (یا مردودی) در رایانه هم استفاده می‌شود. در این روش اگر رایانه نتوانست کلمه‌ای را تشخیص دهد، می‌فهمد که نفهمیده است و در خروجی‌اش می‌آورد که: «من این کلمه را نفهمیده‌ام» و کار به سیستم دستی می‌رود و در آنجا تصحیح می‌شود. این فرآیند در پست خیلی کارایی دارد. در هر جای دنیا که تفکیک نامه‌ها و دیگر مرسولات پستی به وسیله OCR انجام می‌شود، بعضی از نامه‌ها در سیستم کامپیوتری وارد سازوکار «مردودی» می‌شوند و به طور دستی مورد بررسی قرار می‌گیرند. هم اکنون در سطح محدود، از OCR در پست کشور ما نیز استفاده می‌شود، چون در پست هم کد پستی چندرقمی و دیگر اطلاعات به صورت گسسته و داخل کادریایی نوشته می‌شود و کار آسان‌تر است.

در مورد خطای OCR در تشخیص کلمات، مسئولان شرکت «پایا» نظر جالبی دارند:

«حتی با تعیبه سیستم مردودی (reject) هم ممکن است خطایی در تشخیص کلمات وجود داشته باشد. باید در نظر داشته باشیم که هیچ سیستم پردازشگری (از جمله انسان) بدون خطا نیست. نکته مهم این است که یک سیستم ماشینی باید درصد خطای کمتری نسبت به انسان داشته باشد تا جایگزین خوبی برای انسان باشد. مسئله این نیست که خطا را به صفر برسانیم. هر قدر که فناوری جلوتر می‌رود، میزان خطا هم بیشتر کاهش می‌یابد.»

مدیر شرکت «دوران نوین» هم به گونه‌ای دیگر به همین موضوع اشاره می‌کند: «انتظار ما از مسئولان طرح «تکفا» آن است که با موضوع OCR واقع بینانه‌تر برخورد شود و در بحث مربوط به هزینه‌های پروژه و انتظاراتی که از OCR می‌رود، واقعیت‌ها در نظر گرفته شود. دیدگاه کنونی مسئولان تکفا آن، است که کل مشکل «خطا» تا ۱۰۰ درصد حل شود، در حالی که فکر می‌کنم حل مسائل مربوط به هوش مصنوعی نیاز به روش تدریجی دارد. مثلاً در زبان عربی هم، نرم‌افزار «صخر» در نسخه اول خود فقط تا حدود ۴۰ درصد دقت داشت، در حالی که اکنون پس از گذشت ۱۳ سال از اولین نسخه آن، دقت به مرز ۹۸ درصد رسیده است.»

همان‌طور که اشاره شد از OCR در ثبت نام آزمون «سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان» در سال‌های ۸۱ و ۸۲ استفاده شد که از طریق آن ۴۴۰,۰۰۰ نفر به طور ماشینی ثبت نام شدند. این روش باعث شد که در سال ۸۱ (نمونه اول) ۴۵ درصد در هزینه‌ها و ۲۵ درصد در زمان ثبت نام صرفه جویی شود. در سال بعد (۸۲) این رقم به ۵۰ درصد رسید. نرم‌افزاری که در این آزمون‌ها مورد

استفاده قرار گرفت، برای هر کدام از موارد زیر صحت بازشناسی متفاوتی داشت و در مجموع کار آن خوب بود (به جدول توجه کنید):

موضوع	صحت بازشناسی
ارقام	۹۶ درصد
حروف الفبا	۹۱ درصد
نام	۹۵ درصد
نام خانوادگی	۷۹ درصد
محل (نام شهر، منطقه و مدرسه)	۹۹/۵ درصد
دین	۹۹/۹ درصد

به نظر می‌آید که در چند سال آینده و با پیشرفت OCR فارسی و کاهش هرچه بیشتر خطای آن، در آزمون‌های بزرگ‌تری مانند آزمون سراسری دانشگاه‌ها نیز بتوان از آن استفاده کرد.

در مورد OCR پیوسته دست‌نویس نیز روند کار به همان صورتی است که شرح دادیم، اما آنچه کار را دشوارتر می‌کند، قطعه‌بندی و جدا جدا کردن حروف به هم چسبیده و تشخیص آنهاست. اگر این روند طی شود، این امید وجود دارد که روزی از OCR پیوسته دست‌نویس فارسی هم در سطح گسترده‌ای استفاده شود. البته OCR پیوسته دست‌نویس حتی در زبان انگلیسی هم هنوز به کاربرد وسیع و عملی نرسیده است. مهندس «رزازی» در این مورد می‌گوید: «OCR انگلیسی در سیستم عامل windows وجود دارد که همراه با office فروخته می‌شود، ولی فکر نکنید که نامه‌های اداری انگلیسی که با دست‌نویس نوشته شده‌اند همه با OCR تایپ می‌شوند. این کار برای به نتیجه رسیدن حداقل یک روند ۱۰ ساله را باید طی کند. OCR فارسی یک مرحله عقب‌تر است، پس زمان بیشتری می‌برد».

مهندس «صدیق» مدیرعامل شرکت «پایا» هم می‌گوید: «همین OCR فارسی گسسته هم تا چند سال پیش یک رؤیا بود، ولی دیدیم که محقق شده است و به مرور پیشرفته‌تر هم خواهد شد. بنابراین طراحی OCR پیوسته فارسی هم، اگرچه سال‌ها طول می‌کشد، ولی مطمئناً به نتیجه خواهد رسید. این طرح یک طرح تحقیقاتی است که در دانشگاه‌ها دنبال می‌شود و هنوز به یک محصول صنعتی قابل استفاده در سطح کلان و کاربردی برای عموم نرسیده است. ولی در حال حاضر نمونه‌های دانشگاهی و آزمایشگاهی آن در داخل کشور وجود دارد و موضوع رساله دکتری برخی از دانشجویان است».

بنابراین بین ۱۰ تا ۲۰ سال آینده، آن‌گونه که مسئولان شرکت «پایا» می‌گویند، OCR پیوسته دست‌نویس فارسی هم وارد بازار خواهد شد.

دکتر فیلی هم در پاسخ به این سؤال که: آیا طراحی OCR پیوسته فارسی روزی تحقق خواهد

یافت؟ پاسخ می‌دهد: «بله، ولی به تدریج».

به هر حال براساس قرارداد «تکفا» با شرکت‌های ایرانی، تا کمتر از یک ماه دیگر، نسخه نهایی (البته نه صددرصد تکمیل شده) OCR فارسی دست‌نویس گسسته و تایپی پیوسته ارائه خواهد شد. مدیر شرکت «دوران نوین» در این مورد می‌گوید: «پروژه OCR گسسته در مراحل پایانی خود قرار دارد، ولی دارای مشکلاتی در تشخیص انواع اسکنرها و انواع فونت‌هاست که در حال رفع آن هستیم. این نرم‌افزار در حال حاضر امکان تشخیص فونت‌های تایپی فارسی با دقت زیاد را دارد، ولی مشکل جدی آن است که با اسکنرهای مختلف نتایج نامناسبی می‌دهد». وی از اهمیت این طرح در بعد کلان ملی هم می‌گوید: «با توجه به این که مشکل OCR برای بسیاری از زبان‌های دنیا مانند انگلیسی عملاً حل شده است، اگر در کشور ما هم به نتیجه نهایی برسد در افزایش سطح اطلاعات فارسی در دنیای دیجیتالی امروز (از جمله در اینترنت) بسیار اهمیت خواهد داشت».



قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پس از تأیید شورای نگهبان و امضای رئیس جمهور به این وزارتخانه ابلاغ شد. متن این قانون به شرح زیر است:

ماده ۱- به استناد ماده ۹۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و به منظور انسجام بخشیدن به امور اجرایی و سیاستگذاری نظام علمی، تحقیقاتی و فناوری کشور، اهداف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شرح زیر تعیین می شود:

الف- توسعه علوم، تحقیقات و فناوری و تقویت روحیه تحقیق و تتبع و ترویج فکر خلاق و ارتقای فرهنگ علم دوستی.

ب- اعتلای موقعیت آموزشی، علمی و فنی کشور.

ج- تعمیق و گسترش علوم، معارف، ارزش های انسانی و اسلامی و اعتلای جلوه های هنر و زیبایی شناسی و میراث علمی تمدن ایرانی و اسلامی.

د- تأمین نیروی انسانی متخصص و توسعه منابع انسانی کشور.

ه- ارتقای سطح دانش و مهارت های فنی و توسعه و ترویج فرهنگ تفکر علمی در جامعه.

و- حفظ و تحکیم آزادی علمی و استقلال دانشگاه ها، مراکز علمی و تحقیقاتی.

- ماده ۲-** مأموریت‌های اصلی و حدود اختیارات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شرح زیر است:
- الف - در زمینه انسجام امورات اجرایی و سیاست‌گذاری نظام علمی و امور تحقیقات و فناوری**
- ۱- شناسایی مزیت‌های نسبی، قابلیت‌ها، استعدادها و نیازهای پژوهش و فناوری کشور بر مبنای آینده‌نگری و آینده‌پژوهی و معرفی آن به واحدهای تولیدی، تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و تحقیقاتی جهت بهره‌برداری.
 - ۲- بررسی اولویت‌های راهبردی تحقیقات و فناوری با همکاری یا پیشنهاد دستگاه‌های اجرایی ذیربط و پیشنهاد به شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری.
 - ۳- حمایت از توسعه تحقیقات بنیادی و پژوهش‌های مرتبط با فناوری‌های نوین براساس اولویت‌ها.
 - ۴- برنامه‌ریزی برای تدارک منابع مالی توسعه فناوری کشور و مشارکت در ایجاد، توسعه و تقویت فناوری ملی و حمایت از توسعه فناوری‌های بومی.
 - ۵- اتخاذ تدابیر لازم به منظور افزایش کارایی و اثربخشی تحقیقات کشور و توسعه تحقیقات کاربردی با همکاری دستگاه‌های ذیربط.
 - ۶- اتخاذ تدابیر و تهیه پیشنهادهای لازم درخصوص انتقال فناوری و دانش فنی و برنامه‌ریزی به منظور بومی کردن فناوری‌های انتقال یافته به داخل کشور و ارائه آنها به شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری.
 - ۷- ایجاد زمینه‌های مناسب برای عرضه فناوری در داخل و خارج کشور و حمایت از صدور فناوری‌های تولید شده در کشور و کمک به ایجاد انجمن‌ها و شرکت‌های غیر دولتی علمی، تحقیقاتی و فناوری.
 - ۸- تمهیدساز و کارهای لازم برای ایجاد هم‌سویی میان فعالیت‌های آموزشی، تحقیقاتی و فناوری، تقویت ارتباط دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی با بخش‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور.
 - ۹- اتخاذ راهکارهای مناسب برای کمک به توسعه پژوهش و فناوری در بخش‌های غیردولتی.
 - ۱۰- ارزیابی جامع عملکرد نظام ملی علوم، تحقیقات و فناوری شامل پیشرفت‌ها، شناخت موانع و مشکلات و تدوین و ارائه گزارش سالانه.
 - ۱۱- اتخاذ تدابیر و ارائه پیشنهادهای لازم جهت حفظ دانشمندان و محققان و تأمین امنیت شغلی آنان و استفاده بهینه از توانمندی‌های آنها.

ب- در زمینه اداره امور دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

- ۱- پیشنهاد ضوابط و معیارهای کلی پذیرش دانشجو به مراجع ذیصلاح.
- ۲- تعیین راهکارهای لازم و برنامه ریزی و حمایت از ایجاد و گسترش دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی، مراکز تحقیقاتی و فناوری و دیگر مراکز فعالیت‌های علمی - پژوهشی همانند شهرک‌های تحقیقاتی، آزمایشگاه‌های ملی، موزه‌های علوم و فنون با استفاده از منابع دولتی و غیردولتی و مشارکت‌های مردمی متناسب با نیازها و ضرورت‌های کشور.
- ۳- برنامه ریزی اجرایی، آموزشی و تحقیقاتی متناسب با نیازها و تحولات علمی و فنی در جهان.
- ۴- تعیین ضوابط، معیارها و استانداردهای علمی مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی، رشته‌ها و مقاطع تحصیلی با رعایت اصول انعطاف، پویایی، رقابت و نوآوری علمی.
- ۵- نظارت بر فعالیت‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور.
- ۶- ارزیابی مستمر فعالیت هرگونه واحد آموزش عالی و یا مؤسسه تحقیقاتی (اعم از دولتی و غیردولتی) و جلوگیری از ادامه فعالیت، تعلیق فعالیت و یا انحلال هر یک از آنها در صورت تخلف از ضوابط و یا از دست دادن شرایط ادامه فعالیت براساس اساسنامه‌های مصوب.
- ۷- صدور مجوز تأسیس انجمن‌های علمی و حمایت و ارزیابی مستمر از فعالیت آنها براساس ضوابط مصوب مراجع ذیصلاح.
- ۸- تأیید اساسنامه و صدور مجوز تأسیس انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی و ارزیابی فعالیت آنها و اتخاذ تصمیم در مورد امکان ادامه فعالیت آنها براساس ضوابط و مقررات مراجع ذیصلاح.
- ۹- تأیید صلاحیت و صدور احکام اعضای هیأت‌های ممیزه، هیأت‌های امنا، هیأت‌های مؤسس، هیأت‌های گزینش اعضای هیأت علمی و هیأت‌های انتظامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، طبق ضوابط و مقررات موضوعه. تبصره: انتخاب و تأیید رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی براساس مفاد مندرج در وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی خواهد بود.
- ۱۰- ارزیابی و اعتبارسنجی علمی دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی به صورت مستقیم و یا از طریق حمایت از انجمن‌های مستقل علمی، تخصصی و فرهنگستان‌ها در ارزیابی علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات و انتشار نتایج در محافل علمی و ارائه گزارش سالانه به کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی و سایر مراجع ذیصلاح.

۱۱- تأیید اساسنامه و صدور مجوز ایجاد یا توسعه هرگونه واحد آموزش عالی یا مؤسسه تحقیقاتی (اعم از دولتی یا غیردولتی)، رشته‌ها و مقاطع تحصیلی.

۱۲- ارزیابی سالانه عملکرد مالی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی دولتی.

۱۳- بررسی و پیشنهاد اولویت‌های تخصیص منابع در حوزه‌های علوم، تحقیقات و فناوری به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

۱۴- توسعه همکاری‌های علمی بین‌المللی و اتخاذ تدابیر لازم به منظور نهادینه کردن همکاری‌ها و مبادلات علمی بین مراکز علمی - تحقیقاتی داخل کشور با مراکز علمی - تحقیقاتی منطقه‌ای و بین‌المللی در چارچوب ضوابط و مقررات مصوب مراجع ذیصلاح.

تبصره- دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مجازند با تصویب هیأت امنا و تأیید وزیر ذیربط روابط تحقیقاتی، علمی و فنی، با مؤسسات و مراکز صنعتی و سازمان‌های مشابه خارجی برقرار کنند و یا به عضویت مؤسسات و سازمان‌های مذکور درآیند. حق عضویت مراکز مذکور در این قبیل مؤسسات با تصویب هیأت امنا قابل پرداخت خواهد بود.

۱۵- صدور مجوز «تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی دولتی و غیردولتی بامشارکت دانشگاه‌ها و مراکز علمی خارج از کشور» براساس ضوابط مصوب مراجع ذیصلاح.

ج - سایر موارد

۱- مشارکت فعال در فرآیند سیاست‌گذاری نظام آموزش و توسعه نیروی انسانی کشور به منظور ایجاد هماهنگی لازم بین برنامه‌های سطوح مختلف آموزش کشور.

۲- مشارکت در تعیین اولویت‌های توسعه منابع انسانی کشور و ارائه نتایج حاصل شده به دستگاه‌های ذیربط به منظور هدایت منابع در جهت اولویت‌های مذکور.

۳- ارزیابی و تأیید اختراعات، اکتشافات و نوآوری‌ها با همکاری سایر مراکز علمی و تحقیقاتی کشور به منظور فراهم کردن زمینه حمایت از حقوق مالکیت معنوی و ثبت در مراجع ذیربط. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موظف است ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون، آیین‌نامه اجرایی این جزء را تهیه و جهت تصویب تقدیم هیأت وزیران کند.

۴- تعیین ضوابط ارزشیابی علمی مدارک فارغ التحصیلان و تأیید ارزش عملی مدارک دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی (دولتی یا غیردولتی) داخل کشور به استثنای گروه پزشکی.

تعیین ضوابط مربوط به تشخیص ارزش علمی، گواهینامه‌های آموزش عالی و پژوهش‌های علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی خارجی و تعیین ارزش مدارک مذکور به استثنای گروه پزشکی.

تبصره- اجرای مفاد این جزء درخصوص دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی (دولتی و غیردولتی) در

گروه پزشکی به عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است.

۵- برنامه‌ریزی برای شناسایی و حمایت از شکوفایی استعداد‌های درخشان و هدایت آنها به سمت اولویت‌های راهبردی کشور در زمینه علوم، تحقیقات و فناوری در چارچوب مقررات مصوب مراجع ذیصلاح.

۶- برنامه‌ریزی برای جذب متخصصان ایرانی داخل و خارج از کشور جهت همکاری علمی، تحقیقاتی و فناوری.

تبصره- وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مجازند از اعضای هیأت علمی و محققان غیرایرانی خارج از کشور، به منظور استفاده از خدمات علمی و تحقیقاتی دعوت به کار کنند.

۷- اداره امور دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی خارج از کشور و ایجاد زمینه‌های علمی و فنی متقابل از طریق اعزام رایزن‌های علمی با هماهنگی وزارت امور خارجه.

۸- اهتمام در معرفی میراث علمی تمدن ایرانی و اسلامی و گسترش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی خارج از کشور.

۹- همکاری در اعتلای فرهنگ، اخلاق و معنویت اسلامی در مجامع علمی دانشگاهی و در جامعه.

۱۰- ایجاد پایگاه‌های اطلاع‌رسانی به جامعه و بخش‌های مختلف در زمینه سیاست‌ها، اولویت‌ها و برنامه‌ها و عملکردهای آموزش عالی، تحقیقات و فناوری.

۱۱- نمایندگی دولت در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی و برقراری ارتباطات لازم در حوزه مأموریتها و اختیارات وزارتخانه.

۱۲- انجام امور مربوط به کمیسیون ملی یونسکو.

ماده ۳- از تاریخ تصویب این قانون «شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری» با ترکیب زیر به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌شود:

- رئیس‌جمهور

- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

- وزیر آموزش و پرورش

- دو تا چهار نفر از اعضای هیأت دولت به انتخاب هیأت دولت

- رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
- رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها با اجازه ایشان
- دوفتر از اعضای کمیسیون آموزش و تحقیقات به انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر
- رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- رؤسای فرهنگستان‌های علوم، علوم پزشکی، هنر و زبان و ادبیات فارسی
- سه نفر از رؤسای دانشگاه‌های دولتی (یک نفر از دانشگاه‌های علوم پزشکی) به انتخاب شورای مرکزی دانشگاه‌های مربوطه
- یک نفر از رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی
- سه نفر از دانشمندان و صاحب نظران دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی به انتخاب تشکل‌ها و انجمن‌های علمی
- سه نفر از صاحب نظران بخش‌های تولیدی و خدماتی خصوصی بامعرفی رئیس جمهور تبصره- مصوبات شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری در چارچوب این قانون پس از تأیید رئیس جمهور برای کلیه مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی و دستگاه‌های اجرایی لازم الاجرا است.
- ماده ۴-** وظایف و اختیارات شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری عبارت است از:
 - ۱- اولویت بندی و انتخاب طرح‌های اجرای بلندمدت سرمایه‌گذاری کلان در بخش‌های آموزشی و پژوهشی و فناوری .
 - ۲- بررسی و پیشنهاد منابع مالی موردنیاز در حوزه‌های علوم، تحقیقات و فناوری.
 - تبصره ۱- شرح تفصیلی وظایف و اختیارات شورا در محدوده این قانون بنا به پیشنهاد وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.
 - تبصره ۲- دبیرخانه این شورا در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مستقر خواهد بود.
- ماده ۵-** تأیید اساسنامه و صدور مجوز تأسیس فدراسیون ملی ورزش‌های دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران و نمایندگی دولت در فدراسیون‌های قاره‌ای و بین‌المللی ورزش دانشگاهی، به عهده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است.
- ماده ۶-** کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و همچنین مؤسسات خصوصی که به نوعی مبادرت به انجام فعالیت‌های آموزش عالی، پژوهش و فناوری می‌کنند، موظفند فعالیت‌های خود را در چارچوب سیاست‌ها و آیین‌نامه‌های موضوع این قانون انجام دهند.
- تبصره- مؤسسات پژوهشی وابسته به سایر وزارتخانه‌ها که به موجب قانون مصوب مجلس تأسیس

شده‌اند، در چارچوب قوانین مصوب و اصلاحات بعدی آن و سیاست‌ها و مصوبات مراجع ذیصلاح به فعالیت خود ادامه خواهند داد.

ماده ۷- هرگونه فعالیت اشخاص حقوقی و مؤسساتی که به نحوی از انحا به امور دانشجویی مرتبط می‌شود حسب مورد موقوف به اجازه وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و علوم، تحقیقات و فناوری در چارچوب مصوبات مراجع ذی صلاح است و اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی موظف است بدون ارائه این اجازه نامه از ثبت آن خودداری کند.

ماده ۸- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مجاز است زمینه فعالیت دانشگاه‌های غیردولتی و شعب دانشگاه‌های معتبر خارج از کشور را در چارچوب ضوابط مصوب مراجع ذی صلاح فراهم کند.

ماده ۹- در صورتی که به تشخیص وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مؤسس یا مؤسسان و هیأت امنای هر یک از مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی غیردولتی، برخلاف ضوابط و معیارها و اصول مصوب رفتار کنند، وزارتخانه می‌تواند براساس ضوابطی که به تصویب مراجع ذی صلاح می‌رسد از آنان سلب مسئولیت و صلاحیت کند.

ماده ۱۰- دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند و برابر ضوابط و آیین‌نامه‌های خاص مالی معاملاتی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی که به تصویب هیأت امنای و تأیید وزیر می‌رسد اداره می‌شوند.

اختیارات وزارت در امور دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی و حدود تعیین سیاست‌های عمومی اداره آنها، ارزیابی، نظارت و حمایت و پشتیبانی آنها در چارچوب این قانون و مصوبات مراجع ذی صلاح خواهد بود.

تبصره- به منظور تحقق تمرکز زدایی در فعالیتهای اجرایی بخش آموزش عالی و پژوهشی، افزایش اختیارات هیأت امنای شوراهای علمی و مدیریتی اجرایی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی، تنظیم حدود اختیارات حوزه‌های ستادی وزارتخانه در امور دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی، تقویت ترکیب اعضای هیأت‌های امنای، تعریف و تعیین مسئولیت‌های متقابل دولت و هیأت‌های امنای و نحوه نظارت بر فعالیت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، لوایح، تصویب نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و اصلاحیه‌های لازم توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تنظیم و برای طی مراحل قانونی به مراجع ذی صلاح ارائه خواهد شد.

ماده ۱۱- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موظف است حداکثر ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون با رعایت موارد مندرج در ماده ۲ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و مفاد این قانون، شرح وظایف تفصیلی و تشکیلات

وزارتخانه را تهیه و پس از تصویب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به مرحله اجرا درآورد.

ماده ۱۲- آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تهیه و به مراجع ذی‌ربط ارائه خواهد شد. اعمال مقررات موضوع این قانون در مورد دانشگاه‌های نظامی و انتظامی و مؤسسات آموزشی و پژوهشی تحت نظر فرماندهی کل قوا، پس از کسب موافقت ایشان انجام خواهد شد.

ماده ۱۳- این قانون از تاریخ تصویب، لازم‌الاجراست و کلیه قوانین، مصوبات و مقررات مغایر لغو و بلااثر می‌شود.

قانون فوق مشتمل بر سیزده ماده و نه تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ هیجدهم مردادماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۳/۵/۲۸ به تأیید شورای نگهبان رسید و در تاریخ ۸۳/۶/۸ با امضای رئیس‌جمهور به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ شد.



گفتگو با استعدادهای درخشان

هنر برایم خواستنی بود*

خانم فیروزه شهسوارانی، رتبه یک گروه آزمایشی هنر در کنکور سال ۱۳۸۲ می‌باشند. ایشان تا سال سوم دبیرستان در رشته ریاضی فیزیک در دبیرستان فرزاتگان (سمپاد) تحصیل کرده و سپس رشته هنر را در هنرستان ادامه دادند. خانم شهسوارانی اکنون ترم دوم رشته طراحی صنعتی را در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به اتمام رسانده‌اند.

○ خانم شهسوارانی! رتبه یک گروه آزمایشی هنر سال ۱۳۸۲ در کارنامه شما به ثبت رسیده و این در حالی است که تا سال سوم دبیرستان در رشته ریاضی فیزیک تحصیل می‌کردید. چه شد که به یکباره تغییر رشته دادید؟

● علایق، سلیقه‌ها و استعدادهایم بیشتر در این گروه ارضاء می‌شد و میل باطنی من در رشته هنر پیدا بود.

○ در رشته ریاضی هم دانش آموز خوب و درسخوانی بودید. با این وجود، گاهی کنکور به خودی خود موجب نگرانی می‌شود. کنکور در شما ایجاد هراس کرده بود که به تغییر رشته شما منجر شد؟
● نه، این طور نبود. در رشته ریاضی هیچ مشکلی نداشتم. حتی مشاور مدرسه ما هم با تغییر رشته من مخالف بود و انتظار داشتند که در المپیاد برایشان مدال بیاورم. اما همان طور که گفتم من به جریانی دیگر علاقه مند بودم و دوست داشتم آنچه را که دوست دارم انجام دهم.

* گفتگو با خانم فیروزه شهسوارانی از سمپاد / بیک سنچس، شماره ۱۸، مرداد ۱۳۸۳

○ فکر می‌کنید چرا هر کس که در گروه ریاضی درس می‌خواند، اگر تصمیم بگیرد تغییر رشته بدهد، دیگران می‌گویند که: «فلانی چون کم آورده است، تغییر رشته داده»؟

● بله، در اکثر موارد این طور است. خیلی از مدیران و حتی دوستانم این را می‌گفتند اما واقعیت چیز دیگری بود. ببینید، سال‌های سال است که دانش آموزان گروه ریاضی اطراف خود، گویی هاله‌ای پیچیده‌اند که انگار بهترین‌ها، برای گروه ریاضی است یا اینکه مثلاً اگر کسی کم بیاورد، در گروه ریاضی کنکور نمی‌دهد. گویی تنبلیترین‌ها در سایر گروه‌ها جمع شده‌اند و فقط این زرننگ‌ها و باهوش‌ها هستند که گروه ریاضی را تشکیل می‌دهند. این یک تفکر تقریباً عمومی است که حتی در بین تحصیل‌کردگان ما هم رواج دارد (البته متأسفانه).

○ حالا واقعاً اگر در گروه ریاضی کنکور می‌دادید چه رتبه‌ای حاصل شما می‌شد؟

● مهم نبود که چه رتبه‌ای حاصل من باشد. مهم این بود که من به خواسته‌هایم برسم و آن چیزی را که برای من بهترین بود کسب کنم.

○ شما در گروه ریاضی دانش آموز خوب، با پشتکار عالی، درسخوان و شاگرد اول بودید. در هنرستان ورشته هنر هم همینطور. تفاوت اصلی این دو در کجاست؟

● بله، دقیقاً همین طور است. من در رشته ریاضی و در هنرستان، در هر دو خوب درس می‌خواندم. اما در رشته ریاضی من فقط خوب درس می‌خواندم. در حقیقت مسئولیت‌ها را خوب عملی می‌کردم. اما هیچ حس خوب و لذتی برایم به همراه نداشت. در یک کلام، من در گروه ریاضی فقط خوب درس می‌خواندم. همچنان که در گروه هنر هم خوب درس می‌خواندم. اما اینجا با همه وجودم، درس را حس می‌کردم، با همه وجودم لذت می‌بردم و با همه وجودم درس را می‌فهمیدم. این دو کاملاً با هم متفاوت است. من به هنرستان که وارد شدم از تک تک ثانیه‌هایم لذت می‌بردم؛ یعنی جای من آنجا بود.

○ اگر مهندس زبده و کارآمدی می‌شدید چطور؟

● نکته در همین جاست. پدرم می‌گفتند: در گروه ریاضی هم می‌توانی در یک رشته مهندسی خوب قبول شوی! پس بمان و ریاضی را ادامه بده. اما چه سود برای من؟! بگیرم که من در یک رشته مهندسی خوب هم قبول می‌شدم، تازه اینجا باید تعریف شود که مهندسی خوب و مهندسی بد یعنی چه، که من هیچ کدام از این تعاریف را قبول ندارم. خوبی و بدی رشته‌ها در نزد افراد مختلف باید متفاوت باشد. در غیر این صورت تفاوت من با دیگری در چیست؟ اگر این طور باشد پس همه بروند مثلاً مهندس برق بشوند! از این موضوع بگذریم. من حتی اگر رتبه تک رقمی هم در گروه ریاضی کسب می‌کردم، فایده‌ای برایم نداشت. چون من اینجاست که

آرامش دارم. چون در رشته هنر به خواسته‌ام رسیده‌ام. ممکن است اسمم مهندس نشود، اما خواسته من چیزی دیگر بود.

○ این جریان یک تفکر است که شما در آن قرار گرفته‌اید؛ یعنی جریان اندیشه، تفکر و منطق. خانواده در شکل‌گیری این جریان چه نقشی داشتند؟

● اگر این یک تفکر است یا یک منطق یا... در بستر خانواده بوده که شکل گرفته است؛ در بستر مشاوره خوب مادرم، پدرم و مربیانی که در این زمینه کمکم کرده‌اند. در مورد خانواده تان گفتید، لطفاً درباره‌ی ایشان بیشتر بگویید.

● پدر من لیسانس هستند و کارشناس، و مادرم نیز فوق لیسانس مدیریت آموزشی و در حال حاضر مشاور هستند. یک برادر بزرگتر از خودم دارم که در حال حاضر دانشجوی رشته روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی است.

○ گفتید تحصیلات مادر شما فوق لیسانس مدیریت آموزشی است و در حال حاضر مشاور هستند. مسلماً چنین مادری خودبهترین و برترین مشاور شما بوده‌اند. در ارتباط با برنامه‌ریزی درسی هم از رهنمودهای مادر استفاده کرده‌اید؟

● بله، مسلماً همان‌طور که گفتید من واقعاً مدیون خانواده‌ام هستم. مادرم در این زمینه، کمکی منطبق با واقعیت و مشاوره‌ای مطابق با واقعیت‌ها برای من داشتند. مادرم در ابتدا با تغییر رشته من موافق نبودند. اما بعد قدم به قدم جلو رفتیم. با پیشنهاد ایشان در کلاس‌های هنرستان حاضر شدم. سرکلاس‌ها نشستم و به صورت عینی با همه چیز برخورد کردم و مادرم نیز با من جلو آمد و تحقیق کرد و سپس مجوز حضور در هنرستان را با تأیید ایشان کسب کردم. این برای من خیلی مهم بود که خانواده‌ام تأیید می‌کردند. البته تأییدی منطبق بر واقعیت‌ها و توانایی‌های وجود من، نه تأییدی از سر اجبار.

○ در ارتباط با برنامه‌ریزی درسی تان چگونه؟ ایشان برنامه‌مکتوب و کاملی را برای شما ارائه کرده‌اند؟

● نه اصلاً. ایشان فقط کلیات را در اختیار من گذاشتند. من همیشه به مادرم می‌گفتم که برایم برنامه روزها را تنظیم کن تا بدانم هر روز چه بخوانم و یا چگونه بخوانم. ایشان چنین کاری را برایم نکردند و گفتند که اصلاً، این کار درست نیست. مادر می‌گفتند مثلاً برنامه کلی به این صورت است که باید حداقل این تعداد ساعت، درس بخوانی یا مثلاً بهتر است که از صبح که شروع می‌کنی زمانت را تنظیم کنی و به فرض، اول یک درس اختصاصی بخوانی، بعد یک عمومی و سپس یک اختصاصی. یا مثلاً نسبت به مطالعه عمومی به اختصاصی را که بهتر است دو به یک

باشد. درحقیقت، ایشان کلیات را گفتند و پیشنهاد کردند که خودم برنامه جزئی و روز به روز و ساعاتم را برطبق آن برنامه کلی پیدا کنم.

○ برنامه مورد نظر تان را بالاخره از کلیات گفته شده توسط ایشان پیدا کردید؟

● بله، هر برنامه‌ای که می‌ریختم، بعد از مدتی مشخص می‌شد که کدام قسمت هایش مشکل دارد یا اینکه چه آیتم‌هایی را در نظر نگرفته‌ام که می‌بایست به آنها توجه می‌کردم. همینطور جلو رفتم و قسمت به قسمت، برنامه‌ام را اصلاح کردم تا اینکه حوالی بهمن ماه بود که برنامه منسجم‌تر، کارآمدتر و دقیق‌تر را به صورت کامل پیدا کردم. البته تا آن زمان هم ضرر نکردم. خوب پیش رفتم و همیشه نکات ضعفم را در چگونگی برنامه‌ریزی اصلاح می‌کردم.

○ برنامه‌ریزی شما به چه صورت بود؟

● از صبح ساعت ۸ تا ساعت ۱۱ شب به نحوی درگیر درس خواندن بودم. اما همه این زمان را به صورت کامل درس نمی‌خواندم. کل ساعات مفید درس خواندنم در طول این زمان، یعنی از ساعت ۸ صبح تا ۱۱ شب، حدوداً به ۸ ساعت می‌رسید. خیلی وقت‌ها سعی کردم که بیشتر بخوانم؛ یعنی مثلاً بعضی روزها در آن اوایل ۱۰ ساعت یا ۱۲ ساعت می‌خواندم. اما متوجه شدم که از ۸ ساعت که می‌گذرد دیگر کارآیی ندارم و روز بعد هم بیشتر از ۶ ساعت نمی‌توانستم بخوانم. مادرم هم گفته بود که نرمال درس خواندن در طول یک روز، همان ۸ ساعت است و با همین ۸ ساعت می‌توان با زمان جلورفت و نتیجه گرفت. معمولاً در برنامه روزانه همان نسبت ۲ به ۱ را در مطالعه دروس عمومی و اختصاصی به کار می‌بردم؛ یعنی صبح یک درس اختصاصی می‌خواندم و بعد یک درس عمومی و بعد دوباره اختصاصی. اما این مسئله همیشه به همین صورت نبود. مثلاً بعضی روزها صبح ریاضی می‌خواندم و بعد وقتی زمان ریاضی خواندن تمام می‌شد، احساس می‌کردم باز هم کشش ریاضی خواندن در من قوی‌تر است. به همین خاطر همان را ادامه می‌دادم و درس بعدی را در ساعات‌ها و روزهای بعد جبران می‌کردم. یک وقت هست که آدم حوصله خواندن فلان درس را ندارد، اما بیشتر کشش خواندن درس دیگری را دارد. در این صورت باید همان کار را که فکر می‌کند بهتر است، انجام دهد. البته این فکر کردن باید مطابق با منطق و واقعیت باشد. نباید فکر کردن را با خیال کردن اشتباه گرفت.

○ خانم شهسوارانی! چه شد که رتبه ۱ شدید؟

● نمی‌دانم. درس می‌خواندم، دلم می‌خواست بتوانم رشته طراحی صنعتی یا رشته گرافیک را انتخاب کنم. فرقی نداشت که چه رتبه‌ای کسب کنم. گرافیک را هم دوست داشتم. تا جایی که موقع انتخاب رشته با در دست داشتن رتبه ۱ مانده بودم که رشته گرافیک را انتخاب کنم یا رشته

طراحی صنعتی را، تا بالاخره طراحی صنعتی را انتخاب کردم. چون من هر دو رشته را دوست داشتم. با خودم فکر کردم می‌توانم بیرون از دانشگاه رشته گرافیک را بخوانم، اما بیرون از دانشگاه نمی‌توانم رشته طراحی صنعتی را ادامه دهم. به هر حال طراحی صنعتی را انتخاب کردم.

○ فکر می‌کردید که رتبه تان، اکل کشور شود؟

● شاید من تا رتبه ۱۰۰ راهم قبول داشتم. چون می‌دانستم که با رتبه ۱۰۰ هم می‌توانم رشته گرافیک قبول شوم. اما خواندم که بتوانم رتبه خوبی داشته باشم. با خودم می‌گفتم که اگر برای رتبه ۱۰۰ بخوانم شاید ۱۰۰۰ هم نشوم. پس برای رتبه ۱ بخوانم که لااقل رتبه‌ام ۱۰۰ بشود که در نهایت رتبه‌ام هم ۱ شد.

○ شما قبلاً اشاره مختصری داشتید به استرس ایجاد شده زمان کنکور در خودتان. عوامل آن استرس

را در چه می‌دانید؟

● اول اینکه همه به من می‌گفتند که رتبهات تک رقمی می‌شود و من احساس می‌کردم همه انتظار دارند که من چنین رتبه‌ای داشته باشم و اگر نشوم گویی به انتظارانتشان پاسخ نداده‌ام. از عوامل دیگر استرس در من، رسانه‌های ارتباط جمعی بودند. مثلاً تلویزیون را که روشن می‌کردم، کارشناسانی بودند که مثلاً می‌خواستند با کلامشان، داوطلبان کنکور را آرامش دهند. ولی گویی خودشان هم نمی‌دانستند که کلماتشان چه استرسی در داوطلبان ایجاد می‌کند.

○ در کنکورهای آزمایشی سازمان سنجش همیشه رتبه‌های خوب از آن شما بود. این باعث نمی‌شد

که اطمینان خاطر داشته باشید و استرس را پس بزنید؟

● با اینکه در طول سال آرامش نسبی داشتم و همیشه در صدهای تست من چه در کنکورهای آزمایشی سازمان سنجش و چه تست‌هایی که در آموزشگاه می‌زدم بالاترین درصد بود، اما چند ساعت قبل از کنکور احساس می‌کردم چیزی به خاطر نمی‌آورم. در ساعات نزدیک کنکور به دیدن یکی از دبیرانم رفتم که ایشان کمی با من صحبت کردند که پس از آن وقتی در جلسه کنکور حاضر شدم حالم بهتر شده بود و وقتی سؤال‌ها را دیدم و شروع به پاسخگویی نمودم دیگر احساس ناراحتی نمی‌کردم و تا پایان به راحتی به سؤال‌ها پاسخ دادم.

○ شما در گروه آزمایشی زبان هم شرکت کرده بودید. قصد ادامه تحصیل همزمان در دو رشته را

داشتید؟

● نه، فقط می‌خواستم خودم را بسنجم، چون احساس می‌کردم زبانم در حد خوبی است. خواستم سنجشی از خودم داشته باشم. در گروه زبان رتبه‌ام در منطقه یک، ۲۵۸ شد و در کل کشور رتبه‌ام ۹۴۹ بود.

○ خانم شهسوارانی! قبلاً اشاره کردید که زمان انتخاب رشته، میان انتخاب طراحی صنعتی و رشته گرافیک تردید داشتید. آیا اکنون بعد از گذشت دو ترم حس می‌کنید مسیر را درست انتخاب کرده‌اید یا اگر به ابتدا بازگردید رشته تان را عوض خواهید کرد؟

● در حال حاضر کاملاً راضی هستم. در طول دو ترم گذشته با دانشجویان سال بالایی این رشته هم صحبت کردم و حالا اطلاعات کاملتر و دقیقتری در دست دارم. واقعاً مسیر درستی را انتخاب کرده‌ام و رشته طراحی صنعتی دقیقاً همان رشته‌ای بود که باید انتخاب می‌کردم. من راضی هستم و فکر نمی‌کنم در سال‌های آینده هم نظرم جز این باشد.

○ اکنون زمان اعلام نتایج و زمان گرفتن کارنامه است. اما در نهایت، رتبه هر فرد تا حدودی مشخص می‌کند که حدوداً در چه جایگاهی قرار خواهد گرفت. حال به نظر شما آنها که قبول می‌شوند، چه مسیری را پیش رو دارند و آنها که در این آزمون قبول نمی‌شوند باید چه کنند؟

● اگر قبول شدیم که تلاش ما به نتیجه رسیده است و تازه در ابتدای راهی قرار می‌گیریم که جهت، مشخص‌تر است و کارمان راحت‌تر است. البته از نظر نوع کار و مطالعه، تخصصی‌تر می‌شود و در یک رشته و درس هماهنگ، بهتر می‌توانیم مطالعه و کار کنیم. اگر هم قبول نشدیم، بعد از یکی دو هفته استراحت مجدداً شروع می‌کنیم. ابتدا واقع بینانه وضعیت مطالعه سال قبل خود و درصدهایی را که در کنکور زدیم بررسی می‌کنیم و با برنامه‌ریزی بهتر و عزم راسخ همه چیز را از نو آغاز می‌کنیم.

○ مرور چگونگی برنامه‌ریزی و مطالعه شما؟

● در تابستان سال سوم پیش دانشگاهی (در تیر) دو هفته استراحت نموده، بعد کتابهای درسی را براساس منابع آزمون دسته‌بندی کرده و سپس با یک برنامه سبک (روزی ۳-۲ ساعت) کتاب‌های تخصصی را مرور کردم. از مهرماه مطالعه منابع را شروع کردم. در این مدت روزانه ۶-۸ ساعت مطالعه مفید داشتم. این برنامه را تا عید ادامه دادم و هر هفته، مطالب مطالعه شده را کنترل و برای هفته بعد برنامه‌ریزی می‌کردم؛ به طوری که تا عید همه مطالب را یک دور خوانده بودم. بعد از عید، ضمن مطالعه دروس، تست می‌زدیم. در مدت سال تحصیلی در آزمون‌های آزمایشی سازمان سنجش شرکت می‌نمودم. دو هفته آخر، منابع تخصصی کنکور را مجدداً مرور کردم و در هفته آخر زمان مطالعه را کاهش داده بودم و تست کنکورهای سال قبل را زدم.

○ تجربه‌های مفید شما در یک سال کنکور؟

● در سال گذشته یکی از تجربه‌های مهم من این بود که پشتکار، علاقه، نظم، برنامه‌ریزی و پابندی به آن، توأم با واقع‌بینی و کمک گرفتن از افراد مطلع و آگاه ما را به اهدافمان می‌رساند.

○ میان‌برهایی برای رفع استرس و اضطراب و کسب اعتماد به نفس می‌شناسید؟

● توکل به خدا، اقدام به موقع برای انجام کارها، شناخت توانایی‌های خودمان، شناخت هدف‌ها و راه‌های رسیدن به آنها، مهمترین عوامل رفع استرس و اضطراب و کسب اعتماد به نفس است. و اولین و آخرین کلام؛ کنکور سراسری همه زندگی نیست، ولی در سراسر زندگی کنکورهای متعددی داریم. مهم این است که هدفمان را درست انتخاب نماییم و برای رسیدن به آن، راه مناسب را انتخاب نموده و موانع را از سر راه برداریم. به نظر من صرف نظر کردن از سرگرمی‌ها و کارهایی که موجب کندی حرکت ما می‌شود، عامل اصلی موفقیت است.

معالقبلاً خلق شده بود*

اول، قرارمان میلاد امام علی بود که به دلیل مشغله زیاد ایشان، میسر نشد. قرار بعدی اول مهر بود، ساعت ۲ تا ۳ بعدازظهر. ۲ و ۳ دقیقه آنجا بودم. ایشان جلسه داشتند و باز قرارمان به ۵ موکول شد. از ۵ تا ۶:۱۰ در دفترشان منتظر ماندم تا سرشان کمی خلوت بشود. ۶:۲۰ مصاحبه آغاز شد و تا ۸:۲۰ ادامه داشت و من ۸۵ دقیقه صدا از ایشان ضبط کردم. آخرین روزهای قبل از عزیمت ایشان به خارج از کشور بود و حسابی درگیر هماهنگی‌های قبل از سفر بودند مصاحبه دو، سه، چهار باری هم به خاطر تماس با آلمان یا هماهنگی کارهای مقدماتی برای برگزاری نمایشگاه خط در آنجا، متوقف شد. به هر حال این فرصت، غنیمتی بود که بعد از مدت‌ها به دست آمده بود. خوشحال بودم از اینکه قرار قبلی مان به سرانجام نرسید و حالا وقت بیشتری برای صحبت داشتیم هرچند اگر برای دوشب نیز وقت می‌دادند، من آماده مصاحبه بودم.

او به «خط» جور دیگری می‌نگرد. خط در نظر او قالبی برای تجلی حقیقت است. می‌گوید: در باطن، حقیقت حضرت مولانا راهبری می‌کند و در صورت هم اسم او. شوق و ذوق هنر را موسیقی الهی می‌بیند که در وجود هر انسانی به عنوان یک گوهر به صورت نهفته وجود دارد. به همین خاطر، در سراسر مصاحبه، این نگاه خاص او، حضور دارد. من هرچه سعی می‌کردم کمی زمینی‌تر بیرسم او آسمانی‌تر می‌شد و این از حقیقت نهفته در خوشنویسی است. به قول او، خطاط ایرانی دستش به کاغذ است ولی نگاهش به آسمان. راستی، او متولد ۱۳۴۱ است.

○ استاد اهل کجایید؟

● اهل تهران. بچه قلهک.

○ پس از تهرانی‌های قدیم هستید؟

● مادر من اعقاب‌شان هم اهل تهران هستند، اما پدرم متولد و رآباد خمین هستند که قریب ۸۰-۹۰ سال پیش مهاجرت کردند به تهران. با سابقه حضور ایشان در تهران و قلهکی بودن مادر، فکر کنم بچه تهران محسوب شوم.

○ زندگی در قلهک؛ جالبه!

● قلهک منطقه جالبیه. از قدیم آنجا منطقه خاصی بود. به خاطر اینکه تحقیق شده بود که هوای خنک قله شمیرانات روی قلهک می‌نشیند. برای همین هم انگلیس سفارت ییلاقی‌اش را آنجا ساخت.

○ «حمید عجمی» نوجوان دنبال چه بود؟

● این برمی‌گردد به نوع تربیتی که آدم در خانواده دارد و افقی که پدر و مادر برای آینده بچه‌هایشان پیش رو دارند. محور ذهنی پدر من برای رشد بچه‌ها «آدم بودن» بود و زیاد برای ایشان مهم نبود که ما چه کاره بشویم. علاقه‌مند بودند که اهل ادب، اهل علم و اهل قرآن باشیم چون خودشان اهل ادب، علم و قرآن بودند و چون خودشان اهل هنر بود، دوست داشت ما اهل هنر هم باشیم، ولی ملاک، آدمیت بود که ما در این زمینه موفق نشدیم!

○ تفاوت نوجوانی خودتان با نوجوانان امروز...

● ما در واقع جوانی نکردیم. ۱۷-۱۶ سالمان که بود، انقلاب شد. سال ۵۶ یک سال خاص بود و ۵۷ یک سال خاص‌تر. ما هم افتادیم در بحران‌های انقلاب و شرایط انقلاب‌گری موجود در آن دوره و بگیر و ببندهای آن موقع. خب، یک جوان ۱۷-۱۸ سال هم سرش درد می‌کند برای ماجراهایی اینچنینی. مثل باز شدن انبارهای مهمات در جاهای مختلف و پادگان‌هایی که در اختیار مردم در می‌آمد.

○ «خط» چطور وارد زندگی شما شد؟

● ببینید، صاحب «هنر» خداست و اینطور نیست که ما زیاد هم با اراده شخصی وارد این قضیه بشویم. آن موقع ما به فکر هنر نبودیم و همه‌اش درگیر ماجراهای انقلاب بودیم. اما خب، انقلاب همراه خودش یک حرکت‌های جنبی هم داشت. اینکه برویم روی دیوارها شعار بنویسیم، پارچه بنویسیم، مقوا و اعلامیه بنویسیم و یواشکی پخش کنیم. بحران‌های انقلاب که رو به آرامی رفت، جذب مساجد و مراکز فرهنگی شدیم. آنجا برای اعیاد و مراسم‌های مذهبی پارچه می‌نوشتیم و روی دیوار محله سعی می‌کردیم کار هنری کنیم.

○ و آشنایی شما با استادان؟

● چون علاقه‌مند بودم، کم‌کم با تشویق دیگران میل به هنر پیدا کردم. همین میل به هنر و تشویق بیرونی دوستان و تشویق درونی پدر و مادر در خانواده باعث شد که من «خط» را جدی بگیرم. با پدرم که صحبت کردم، گفتند باید بروی کلاس خط و من شروع کردم به دنبال «انجمن خوشنویسان» گشتن. سال ۵۶ اسماً در انجمن ثبت نام کردم و با بچه‌های آنجا آشنا شدم، اما انجمن از خیابان تنکابن رفت خیابان خارک.

○ همان جایی که الان هست؟

● بله، من دیگر انجمن را پیدا نکردم، تا سال ۵۸ که رفتم پیش آقای «ساعتچی». گفتند کلاس چه کسی می‌خواهی بروی. گفتم کلاس همین آقای که اینجا دارند می‌نویسند. استاد «خوروش» داشتند خط می‌نوشتند. رفتم خدمت استاد خوروش و چهار سال خدمت ایشان بودم. باگرایش به شیوه آقای «امیرخانی» هفت، هشت، ده سال هم سر کلاس ایشان بودم.

○ آن ایام بیشتر وقت تان صرف خوشنویسی می‌شد؟

● بله، صبح تا شب خط می‌نوشتیم. در کنار آن کارهای اضافه هم می‌کردم. گاهی به کارهای نقاشی خط می‌پرداختم و به چیزهایی که در خوشنویسی می‌شود ساخت علاقه‌مند بودم، مثل قلمدان. چند تا قلمدان هم برای خودم ساختم. من در خانواده‌ای رشد کردم که در آن اگر به طور طبیعی دعوا می‌شد، سرپول و اینجور چیزها نبود، مثلاً پدرم با برادرم دعوا می‌شد سر «ملاصدر»، «محمی‌الدین» و یک شب یادم هست که در مورد «شیخ حسن خرقانی» یک بحث جدی شد. قهری هم که می‌شد، سراین چیزها بود. در این خانواده رشد کردن به طور طبیعی آدم را دنبال همین حرف‌ها می‌برد. من بچه بودم و شنیده بودم از «ماهیت» و «عرض»، از «جوهر» و راجع به «حرکت جوهری»، فلسفه، منطق، عرفان، خیلی بحث‌ها دیده بودم.

○ رابطه این شناخت‌ها و معرفت‌ها با هنر خوشنویسی چیست؟

● آن موقع من نمی‌توانستم اهل این کتاب‌ها نباشم و اساس اینکه امروز هم راجع به مقوله‌ای به نام خوشنویسی باطنی فکر می‌کنم، همین است. ما برای تعالی روح مان و سیر تکاملی و سیر صعودی خود به ریاضت‌های معنوی و تفکرات باطنی احتیاج داریم. خوشنویسی هم از این قاعده مستثنی نیست. یک خوشنویس باید منطبق با آن چیزی که عرفا خودشان را تزکیه کرده‌اند پیش برود تا بتواند خودش را به آن قابلیت برساند که وجودی را از عالم بالا به عالم ملک انتقال بدهد.

○ خط معلا از کجا شروع شد؟

● «معلا» از همان اول شروع شد. معلا خیلی سال است که در عالم خلق شده. من در جریان

امورات باطنی و ذهنی به فکر نوآوری نبودم، اما به دنبال یک تحول می‌گشتم، چون آن چیزی که موجود بود، من را ارضا نمی‌کرد. مدتی همین‌طور به پریشانی دچار شدم تا کم‌کم این اتفاق افتاد و من چند تا کلمه «علی» طراحی کردم و بعد خود این کلمه مرا راهبری کرد. همان طوری که وجود حضرت مولا هدایتگر یک جماعت و امت است، اسمش هم کارساز است. در دانشگاه هم که طراحی حروف تدریس می‌کردم. طراحی حروف را از حروف «ع ل ی» شروع می‌کردیم. از «عین» شروع می‌کردیم. وقتی بچه‌ها «عین» را طراحی می‌کردند بقیه حروف را از باطن «عین» استخراج می‌کردند. این را من در عرصه دیگری تجربه کرده بودم و خیلی نتیجه‌بخش بود.

○ الان معلا کجاست؟

● الان معلا سر جای خودش هست. معلا از جایش تکان نمی‌خورد. ما میم که به آن نزدیک می‌شویم. به آن برمی‌خوریم و از آن فاصله می‌گیریم. بالاخره ۶-۵ سالی است که از معلا گذشته و معلا سیر تکاملی خودش را طی می‌کند و دارد به حقیقت انتهایی خودش نزدیک می‌شود.

○ وقتی می‌گوییم ابداع خط، منظور چیست؟

● وقتی صحبت از ابداع می‌شود، تفاوتش با خلق می‌تواند این باشد که خلق، چیزی را از «عدم» به «وجود» آوردن است، ولی در «ابداع»، یک موجود بوده و آن را پیدا کرده‌اند. اساس ابداع برمی‌گردد به آن قوت و هیبت حضرت حق و غایتی که دارد و چیزی که القا می‌کند. در هر دوره‌ای بنا به قابلیت هر قوم یک چیزی از آسمان منزل می‌شود. برای همین اینقدر تأکید شده که شما قابلیت تان را ببرید بالا که نزول رحمت الهی بسته به طلب و قابلیت شماست. خیلی‌ها معتقدند که «معلا» کشف شد و در اینجا هنرمند به عنوان «کاشف» تلقی می‌شود.

○ اگر شما «کاشف» این خط نبودید، عکس‌العمل شما در مقابل اولین تابلوی «معلا» که می‌دیدید

چه بود؟

● مثل این است که بگویید اگر یکی کار جدیدی را انجام بدهد عکس‌العمل شما چیست. اگر کار ارزشمندی باشد و منطبق بر سیر تطور خوشنویسی سنتی باشد، من به عنوان یک خوشنویس سنتی که سعی کرده در کارش پویا باشد هیچ کاری جز تحسین نمی‌توانم داشته باشم. مگر اینکه نفسانیت من جلوی مرا بگیرد و بگویم چون این کار در اقلیم من اتفاق نیفتاده، پس کار خوبی نیست.

○ ما معلا را کجاها دیده‌ایم؟

● «معلا» همه جا هست. «معلا» در واقع انکشاف بخشی از وجود حضرت مولا بوده که به

چشم هیچ قومی نمی آمده و الان این روزنه در چشم مردم باز شده است. به دلیل اینکه معلا بیانگر اقتدار، حماسه و هیبت مولاست، هر جایی که شما الان نگاه بکنید که یک آدم مقتدری یک تصمیم مقتدرانه می گیرد، هر جا که یک شعر حماسی سروده می شود و هر جا که یک حقیقتی از پشت چهره ابری در می آید، آنجا معلا آشکار می شود و اسمش را من گذاشتم «معلا» برای اینکه به آن بگویم برتری یافته و مشتق شده از اسم حضرت مولا.

○ مهمترین انتقادی که تا به حال از معلا شده چیست؟

● تا حالا هیچ انتقاد مهمی نشده. الان هم عالم منتظر است که من نباشم. وقتی من نباشم آن وقت تازه شروع می کنند راجع به معلا حرف زدن و آن وقت هر کس برای اینکه حرفش را صریح بزند نیاز دارد که بگوید خدا بیامرز فلانی. این خدا بیامرز را که بگذاری، همه چیز درست می شود و همه می آیند و می گویند چقدر کار قشنگی است. خدا رحمت کند ولی تا موقعی که آن طرف هست، هیچ کس نمی آید بگوید چه کار قشنگی. اینها همه اش نفسانیات است. مادر مملکت مان به خاطر مشکلاتی که در عرصه فرهنگی و فهم فرهنگی مان داریم، خیلی طول می کشد که یک کار نو، جا بیفتد. اینجا مثل بعضی از کشورهای اروپایی نیست که وقتی یک کار نو می کنید، چند تا آدم منتقد بیایند و کار شما را بررسی کنند و به یک نتیجه قطعی برسانند. اینجا شما باید کلی قسم و آیه بخورید که آقا به خدا این خط مال جایی نیست، من خودم این را درست کرده ام!

○ معلا با ویژگی هایی که از آن شمرده اید، چقدر با دنیای مدرن امروز همگام است؟

● وقتی شما از رودخانه ای رد می شوید، خیس می شوید. وقتی خطی در این دوره ظهور می کند، یقیناً به تحولات همین دوره آغشته است و خط معلا در این دوره ایجاد شده است. در جان معلا یک حرکت مدرن و پویا وجود دارد، اما صورتش منطبق است با خوشنویسی سنتی ما و این از قدرت های خداست. واقعاً من خودم هم نمی فهمم چه طوری این خط این جوری شد!

○ خارج از ایران، نگاهشان به هنر / معلا چیست؟

● آنها شیفته کار ما هستند. چیزی که انسان غربی در فقدان آن به سر می برد «معنا» است. برای اینکه طی دوره های مختلف سعی کرده که عرصه صورت را پشت سر بگذارد. امروز جان انسان غربی تشنه «معنا» است و در هنر مشرق زمین هم معنا به وفور یافت می شود. آنها شیفته خط و خوشنویسی و سنت ما هستند. در نمایشگاهی که در پاریس داشتم، آقای «بوشناکی» - رئیس (مدیر) یونسکو - آمد، نمایشگاه را دید و گفت: «وقتی آدم این خطها را می بیند، یاد دو چیز می افتد: یکی خدا، یکی کاتب». کسی خط ما را می بیند و به یاد خدا می افتد در عین حالی که ما هیچ کلمه ای از خدا ننوشته ایم. اصلاً او نمی تواند بخواند یعنی نمی تواند بفهمد اسم خدا کدام است و اسم من

کدام است، اما چرا یاد خدا می‌افتد؟ در واقع در فطرت او این هشیاری حاصل می‌شود. این آن جانمایه‌ای است که از حضرت حق در خوشنویسی سنتی ما تزریق شده است. غربی‌ها همیشه عکس‌العمل‌شان در مقابل خوشنویسی ما بسیار مثبت بوده و هست.

○ تأثیر این نگاه آنها به هنر، در مدیریت فرهنگی دیگر کشورها چیست و چه تفاوتی با نگاه مدیران فرهنگی ما دارد؟

● آنها در سیاست فرهنگی، مدیریت فرهنگی و حتی در کار فرهنگی و هنری دوره‌ای را پشت سر گذاشته‌اند که سعی می‌کنند تا حدی بدون نفسانیت کار بکنند.

○ تأثیر بصری و خارجی نگاه مدیران شهری آنها را چقدر در شهرشان می‌بینیم؟

● در اروپا، هر جایی را که می‌بینید احساس می‌کنید برایش فکر کرده‌اند و کسانی برایش شعور هزینه کرده‌اند. شما وقتی وارد اروپا می‌شوید - البته من نمی‌خواهم از آدم‌های اروپایی زیاد تعریف کنم - سیستم به شما القا می‌کند که اجازه نداری توی خیابان آشغال بریزی. کسی هم به شما نمی‌گوید. تعریف طوری است که شما اتوماتیک رعایت می‌کنید. چون همه چیز تعریف شده است. اگر قرار است تابلویی سر خیابانی باشد، این تابلو همان جایی است که باید باشد. اگر مغازه‌ای تابلویی دارد، همان طوری است که باید باشد. ما اینجا این چیزها را داریم اما چون از کشورهای پیشرفته کپی می‌کنیم متأسفانه در کنار این ماجراها خیلی چیزها سر جایش نیست و این تشتت می‌آورد. یعنی فضای جامعه ما به بیننده این را القا می‌کند که می‌توانی آشغال را روی زمین هم بیندازی و این مال سطل آشغال نیست. ما فکر می‌کنیم سطل، آشغال که زیاد بشود کسی آشغال روی زمین نمی‌ریزد، ولی باید سیستم درست تعریف بشود. با این حال مجموعه‌ای از ایرادها هم به سیستم غرب وارد است. توی اروپا و آمریکا اگر مردم دروغ نمی‌گویند، این نیست که خودشان را تزکیه نفس کرده‌اند. تعریف سیستم طوری است که دروغ به نفع کسی نیست و اگر راست بگویی به نفع شماست، وگرنه اگر پایش بیفتد که دروغ به نفع کسی باشد در آمریکا دروغ‌هایی می‌گویند که دروغ‌گوترین آدم ما هم نمی‌گوید.

○ با توجه به مسئولیتی که شما در حوزه هنر تجسمی دارید، به نظر شما جایگاه هنر تجسمی در شهر و زندگی شهروندی کجاست؟

● ما نه تنها در مباحث شهری مان، بلکه در مباحث پیچیده‌تر و حتی ساده‌ترمان سلیقه‌ای عمل می‌کنیم. یعنی آدمی که متخصص نیست تابلویی را می‌بیند و خوشش می‌آید و مجوز صادر می‌کند که تمام شهر را از این تابلو پوشش بدهند. بدون اینکه به کارشناس رجوع بکند و بگوید به نظر شما آیا این منطبق با هنر خوشنویسی سنتی هست یا نه؟ در جان خوشنویسی سنتی ما حقیقتی

نهفته است که آن حقیقت راهبری جامعه را به عهده دارد و از چشم غیر، پنهان است. کارشناس، فقط شما را با این حقیقت آشنا می‌کند و می‌گوید اگر این تابلو را در خیابان بزنید سطح استرس مردم پایین می‌آید. حال اگر با کارشناس صحبت نکنی، نه تنها مردم را از استرس دور نمی‌کنی، بلکه همین تابلو موجب استرس می‌شود. اصلاً مگر زیبایی با ما چه می‌کند؟ ما چرا نیازمند زیبایی هستیم؟ ما در سیر تکاملی مان نمی‌توانیم از زیبایی دور باشیم. اگر وظیفه داریم که زیبایی را در جامعه متجلی کنیم به خاطر این است که مردم را به تکامل برسانیم. تعریف این زیبایی از دید یک کارشناس و یک مسئول متفاوت است. او به اندازه سلیقه خودش زیبایی را شناسایی می‌کند و سلیقه او پوشش دهنده سطح پذیرش همه مردم نیست و جامعه به هم می‌ریزد و بعد ما می‌آییم و می‌گوییم چرا مردم اینطور رانندگی می‌کنند که این اگر کارشناسی بشود، مال همان تابلو است. اگر یک خط زیبا، یک تابلوی راهنمایی و رانندگی و تبلیغات ما، همه، سرجای خودش باشد و اینها را برای شعور هزینه کنیم - شعوری که زیر نظر کارشناس است - از سطح استرس ما کم می‌کند.

○ زندگی شما چقدر شهری است؟

● منظور تان را متوجه نمی‌شوم.

○ چقدر با شهر مرتبط هستید؟

● من اهل هنرم. هنرمند اگر بخواهد از جامعه‌اش جدا بشود موجودی است که به درد هیچ کاری نمی‌خورد و فقط حرف می‌زند. من یقین دارم اگر بخواهم از مردم جدا بشوم از حقیقتی که نزد همه مردم است دور می‌شوم. اگر در کار خوشنویسی هم به «معلای» رسیده‌ام به خاطر همراه بودن با مردم است.

○ حس شما از قدم زدن در یکی از خیابان‌های تهران. مثلاً همین ولیعصر خودمان!

● در شرایط فعلی، آدم از خیابان‌ها پرهیز بکند خیلی بهتر است، به خاطر عدم امنیتی که در اصول شهرداری ما هست. یعنی تو امنیت نداری. هر جا دلشان بخواهد یک تابلو به شما تحمیل می‌کنند. هر جا دلشان بخواهد یک زندگی را به شما نشان می‌دهند که با زندگی شرقی شما منطبق نیست. چند درصد از چیزها و لباس‌هایی که می‌بینید با زندگی شرقی ما انطباق دارد؟

○ یعنی زندگی شهری ما با زندگی شرقی ما فاصل گرفته است.

● زندگی شهری ما شده است زندگی اروپایی، ادا در آوردن، ولی می‌خواهیم شرقی باشیم. مثل این است که من کت و شلوار پوشیده باشم و کراوات زده باشم، بعد بخواهم آبگوشتم را در کاسه سفالی هم بخورم. اینها با هم جمع نمی‌شود. باید مقداری دقت کرد. در یک اتوبان می‌بینی یک تابلوی ۳۰ متری به رنگ قرمز که روی آن نوشته شده کولر فلان با ۵ متر شیلنگ رایگان. این

تأثیر سوء روی آدم می‌گذارد و این تأثیر، چیزی است که با آمار و سرشماری دیده نمی‌شود، ولی تأثیر خودش را دارد.

○ مترو هم سوار می‌شوید؟

● بله، ولی رفتن سر میرداماد برای ما الان یک معضل است. برای اینکه اولاً تاکسی تا میرداماد درست نمی‌برد، بعد هم اگر بخواید ببرد، ۲۰۰ تومان می‌گیرد. خب من ۲۵۰ تومان می‌دهم و می‌گویم هفت تیر - هرچند کمی دیرتر - متروی ما هنوز بالغ نشده ولی خوبه، قشنگه و ترو تمیز است.

○ کارهای هنری مترو چی؟

● غیر کارشناسی است و آدم را دچار همان استرس می‌کند.

○ استاد، تفریحات شما چیست؟

● عاشقی! تفریح من، فقط کار است.

○ سینما فرهنگ را که می‌دانید کجاست؟

● من اصلاً سینما نمی‌روم و نمی‌رسم که بروم و حوصله سینما را هم ندارم. حالا که VCD و DVD هم هست، عجله‌ای برای دیدن فیلم‌ها ندارم. چون سینمای ما آنقدر پویا نیست که آدم بخواید هر فیلم را حتماً روی پرده ببیند. بعضی فیلم‌ها را مهم است که کجا ببینید، مثلاً فیلم «گلا دیاتور»، «وکیل مدافع شیطان» یا «سینما پارادیزو» را وقتی روی پرده می‌بینید تأثیر دیگری دارد، اما فیلم‌های ما زیاد فرقی نمی‌کند.

○ آخرین کتابی که خوانده‌اید:

● من کتابی دستم هست که فکر می‌کنم دو سال دیگر طول بکشد تا تمام بشود. «فتوحات مکیه» محی‌الدین عربی.

○ برای چندمین بار؟

● دومین بار. چون این کتاب را باید ۶۰ بار خواند و بعد بلند فریاد زد که هیچی نفهمیده‌ای!

○ فرض کنید من اهل یکی از کشورهای آسیای شرقی هستم؟

● مثلاً کجا؟

○ مثلاً مالزی. تهران را برای من تعریف کنید (من دم در مهرآباد هستم و شما آمده‌اید استقبال. من با

چه چیزی روبه‌رو خواهم شد؟)

● ناراحت می‌شوید از اینکه مگر می‌شود این همه آدم بزرگ اینطوری حرمت‌شان حفظ

بشود و بعد هم تعجب می‌کنید از اینکه چطوری این همه آدم بزرگ، دارند اینجوری تحمل

می‌کنند و توی این شهر زندگی می‌کنند.

○ حرف نگفته:

● من حرف‌های جدی خودم را در کارهایم مطرح می‌کنم. فقط، در این دوران بحران زده، تنها چیزی که می‌تواند مردم را از اعتیاد و اشرار و از این مسایل ضد ارزشی نجات بدهد، معرفت است؛ معرفتی که با عشق توأم باشد. چون همه مشکلات نشأت گرفته از یک جهالت است. مردم هیچ چیز را حاضر نیستند با «عشق» عوض کنند. عشق سرآمد هر مسئله‌ای در هر جامعه‌ای است. بعضی‌ها به خاطر عشق معتاد شدند و بعضی‌ها به خاطر عشق اعتیاد را کنار گذاشته‌اند. بزرگترین حربه پیامبر، عشق بود. او به هر کس عشق می‌ورزید و اصلاً علم تزریق نکرد. اما عشق متاعی است که از هر زاویه به آن نگاه می‌کند، کلی مباحث علمی و عقلانی برای تو مکشوف می‌شود. «مصلحت دیدن آنست که یاران همه کار بگذارند و خم طره‌ی یاری گیرند» به نظر من فقط توصیه به ورزش و هزینه‌های آنچنانی برای آن و تنها تشویق کردن به ورزش، به نتیجه نمی‌رسد. پایه‌های میراث ما بر عشق نهاده شده. اگر عشق در بستر هنر ما تجلی نداشت، به هیچ وجه، صاحب این میراث فرهنگی و هنری قوی نبودیم.

نفر اول مسابقات بین‌المللی تفسیر قرآن کریم: پزشکی ۲۶ ساله*

○ شما برنده مسابقات بین‌المللی قرآن در رشته تفسیر هستید، اگر ممکن است از ابتدا آغاز کنید و برایمان بگویید که چطور شد به این وادی وارد شدید و چه عواملی سبب تقویت انگیزه شما در روی آوردن به قرآن کریم شد؟

● به نظر من اینکه هر کس در زندگی خود، در چه مسیری قرار بگیرد به سالها قبل از تولدش برمی‌گردد، زمانی که پدر بزرگها و مادر بزرگهای او سعی می‌کنند تا جزء صالحان زمان خود باشند و یا من معتقد به تأثیر بسزای «لقمه حلال» در سرنوشت انسانها هستم. وقتی پدری صادقانه و فهیمانه تلاش می‌کند که لقمه حلال را بر سر سفره خانواده بیاورد و یا از زمان کودکی که مادری، عارفانه فقط در دعاهایش صلاح فرزندش را خواستار است همه اینها در سرنوشت انسان تأثیر می‌گذارد. اما اگر به طور خاص بخواهید بدانید که از چه زمانی وارد وادی قرآن شدم، باید بگویم، من از بچگی به یاد می‌آورم که چون پدرم از خادمین قرآن بودند و هم مادرم در زمینه

تفسیر قرآن و انتقال آن به نسل جدید فعالیت می‌کردند، بویژه در ماه رمضان من و سه برادرم کنار پدر و مادر و در محضر قرآن می‌نشستیم و از حلاوت آشنایی با مضامین آن استفاده می‌کردیم.

○ آیا پدر و مادر شما در زمینه قرآن و تفسیر تحصیلاتی داشتند؟

● زمینه تحصیلی پدرم ارتباطی به مسایل قرآنی نداشت ولی از علاقه‌مندان به قرآن بودند ولی مادرم در این خصوص مطالعات و فعالیت‌هایی داشتند به طور کلی ما از بچگی عادت کردیم که در جمع خانوادگی علاقه‌مند به قرآن باشیم. دو تا از برادرانم در زمینه «مفاهیم» کار می‌کردند و من و برادر کوچکترم بیشتر در زمینه حفظ کار می‌کردیم. من همان موقع که در حفظ کار می‌کردم برای تحکیم آنها در ذهنم به تفسیر و مفاهیم آن مراجعه می‌کردم تا بتوانم آیات را مدت طولانی تری در ذهنم داشته باشم.

○ از چند سالگی؟

● دقیقاً به یاد نمی‌آورم. شاید از همان کودکی. مطمئن هستم که قبل از اینکه سواد خواندن و نوشتن پیداکنم، حفظ آیات قرآن را شروع کردم.

○ شما تنها دختر خانواده بودید؟

● بله.

○ بزرگتر از بچه‌های دیگر؟

● نه، یک برادر بزرگتر از خودم و دو برادر کوچکتر از خودم دارم، همان‌طور که عرض کردم دو تا از برادرانم در زمینه مفاهیم کار می‌کردند. برادر کوچکم هم در زمینه حفظ و هم در زمینه قرائت کار می‌کرد، که سال گذشته در مسابقات بین‌المللی مصر موفق به کسب رتبه دوم در رشته حفظ و قرائت شد.

○ شما از حفظ قرآن شروع کردید و بعد به وادی تفسیر وارد شدید؟

● من از کودکی به صورت موردی بعضی از سوره‌ها را حفظ می‌کردم. به تدریج که دانش آموز شدم جرقه کار متداوم من شاید از شرکت در مسابقات دانش‌آموزی آغاز شد. آن زمان به طور کلی مسابقات در هشت رشته فرهنگی و هنری برگزار می‌شد که من در همه رشته‌ها شرکت می‌کردم و در زمینه قرآن، ابتدا در مسابقات قرائت شرکت می‌کردم. بعد به نظرم آمد که رشته حفظ قرآن خیلی رشته جالبی است و حیف است که از آن عقب بمانم، بنابراین وارد رشته حفظ شدم. آن زمان دانش‌آموز مقطع راهنمایی بودم. البته در آن موقع امکاناتی که الان برای دانش‌آموزان فراهم است، وجود نداشت مثل «جامعه‌القرآن» و یا دوره‌های حفظ شش‌ماهه و یک‌ساله. حافظین قرآن معمولاً آقایانی با سنهای بالای ۳۰ سال بودند و تقریباً در آن زمان حافظ

کم سن و سال نداشتیم. من براساس موقعیت خانوادگی، بخشهایی از قرآن را از حفظ بودم. در آن ایام من و برادرم به طور متمرکز شروع به حفظ قرآن کردیم. زمانی که به حفظ می پرداختم متوجه شدم هرچه از مفاهیم و حتی تفسیر آن مطلب بدانم حفظ آیات در قلب و ذهنم ماندگارتر می شود؛ لذا در کنار حفظ به کار تفسیر هم می پرداختم. تا اینکه در سه سال اخیر که دانشجوی رشته پزشکی بودم، متوجه شدم که سازمان اوقاف و امور خیریه که بانی عظیم ترین مسابقات قرآن کشور است (چون مسابقات اوقاف دروازه راهیابی به مسابقات بین المللی در هر یک از کشورهای دنیا است) اقدام به برگزاری مسابقات مستقل در رشته تفسیر کرده که البته به صورت مشترک بین خانم ها و آقایان برگزار می شود. از همان سال اول لطف خداوند شامل حالم شد و من حائز کسب رتبه شدم و توانستم در مسابقات کشوری شرکت کنم و در آنجا هم رتبه بدست آوردم.

○ در زمینه حفظ قرآن کریم (در مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان) آیا موفق به کسب مقامی

نشدید؟

● در آن زمان مشغول حفظ بودم، ولی مسابقات آنقدر فراگیر نبود و فقط در حد استان بود که من چندین بار در حد استان موفق به کسب رتبه شدم. از زمانی که وارد مقطع دانشجویی شدم مسابقات دانشجویی خیلی فراگیر بود، هم دانشجویان پزشکی کشور برای خودشان مسابقات قرآن داشتند و هم دانشجویان سراسر کشور. حداقل چهار یا پنج بار رتبه اول کشوری را در رشته های مختلف فعالیت های قرآنی بدست آوردم. بعد هم در مسابقات کشوری در زمینه حفظ، رتبه اول را کسب کردم (در بین دانشجویان سراسر کشور). امسال نیز در مسابقات دانشجویی در زمینه تفسیر جزء پنج نفر برگزیده کشور بودم.

○ در حال حاضر چند جزء قرآن کریم را حفظ هستید؟

● ۲۰ جزء.

○ قبل از اینکه سؤالاتی را پیرامون مسابقات بین المللی قرآن که اخیراً برگزار شد، مطرح کنم مایل هستم که شما از دستاوردها یتان پس از اتمام در حفظ و تفسیر قرآن کریم برایمان بگویید. منظورم در طی این روندی است که بیان کردید، از دوران کودکی تا کنون، این فعالیتها چه اثری در امر تحصیل و دانش آموزی شما داشته است؟

● من و سه برادرم جزء بچه های پر انرژی بودیم و در مدرسه سعی می کردم در همه فعالیتها شرکت کنیم. من هرگز از آدمهای تک بعدی راضی نبودم و فکر می کردم که کفران نعمت است که خداوند انسانی را با اینهمه امکانات خلق کند و آن آدم فقط در یک زمینه فعالیت کند. بنابراین

در آن زمان من و برادرهایم در مدرسه همواره شاگرد اول بودیم. من بارها تجربه کردم که هرگاه همراه با فعالیت‌های دیگر هنری، ورزشی و تحصیلی، فعالیت قرآنی را اضافه می‌کردم، در آن فعالیت‌ها نتیجه بسیار بهتری از آنچه انتظار داشتم می‌گرفتم.

○ آیا نمونه‌ای در ذهن دارید؟

● یادم است یک بار مسابقات قرآن در سطح دانشگاه برگزار می‌شد، که پیش نیاز شرکت در مسابقات کشوری دانشگاه‌های علوم پزشکی بود. روز قبل از آن مسابقات ورزشی دانشجویان بود و فردای روز مسابقات قرآنی، امتحان سنگینی در رشته پزشکی داشتم. معتقدم که با توکل به خدا و توسل به ستارگان آسمان عصمت بود که توانستم هم در مسابقات ورزشی رتبه دوم کشوری را بدست آورم (مسابقات تنیس روی میز) و هم فردای آن روز در مسابقات قرآن شرکت کردم که اول شدم و فردای آن روز هم در رسم ۲۰ گرفتم. من معتقدم اینها چیزی نبود جز تأثیر مثبت قرآن روی فعالیت‌های دیگر.

ضمن اینکه وقتی یک مدتی را روی فعالیت قرآنی تمرکز می‌کنم به وضوح احساس تلطیف قلبی می‌کنم و احساس می‌کنم خیلی صاف تر می‌شوم. از قرآن انرژی می‌گیرم و معتقدم اگر برنامه‌ریزی آدم درست باشد بقیه امور بامدد از خداوند حل خواهد شد.

○ نفرمودید چطور شد جهت‌گیری فعالیت‌ها بتان به سمت تفسیر قرآن پیش رفت؟

● من معمولاً از مسابقات به عنوان یک انگیزه برای تمرکز بیشتر فعالیت‌هایم استفاده می‌کنم اولین بار که در مسابقات کشوری قرآن کریم شرکت کردم از جو حاکم بر فضای مسابقات و برخورد مسئولین خیلی خوشم آمد. از همان سال لطف خداوند شامل حالم شد و رتبه دوم را کسب کردم. از سال بعد مسئولین و برگزارکنندگان این مسابقات بیشتر من را تشویق می‌کردند و از سوی دیگر خودم هم لذت می‌بردم که درگیر و دار کشیکها و درسی که داشتم به دامن قرآن پناه ببرم. این بود که روال ادامه پیدا کرد تا امسال که در کشور رتبه اول را بدست آوردم و این افتخار را پیدا کردم که به عنوان نماینده جمهوری اسلامی در مسابقات حضور پیدا کنم.

○ ویژگی خاص رشته تفسیر قرآن نسبت به سایر رشته‌های قرآن کریم چیست؟

● وقتی در زمینه حفظ و قرائت کار می‌کردم خیلی لذت می‌بردم. در حدیث قدسی داریم که اگر می‌خواهید با خداوند صحبت کنید «نماز» بخوانید و اگر می‌خواهید خدا با شما صحبت کند قرآن بخوانید. آدم وقتی که قرآن می‌خواند، انگار صدای توصیه‌های خداوند را با گوش جان می‌شنود. ولی وقتی آدم وارد وادی تفسیر می‌شود تازه می‌فهمد چه وادی شیرین و دلچسبی است چون بدون اغراق چیزهایی را در آن پیدا می‌کند که قابل توصیف نیست. من همیشه پیشنهاد

می‌کنم که آدمها یکبار امتحان کنند. مطمئن هستم که بقیه راه را خودشان می‌روند. به وضوح آثار روحی و روانی آن را در خودم مشاهده کردم: اینکه «تو کلم» را بیشتر می‌کرد. من خیلی وقتها بلند پروازیهایی داشتم و با جدیت از خداوند می‌خواستم و تلاش هم می‌کردم و الحمدالله به نتیجه هم می‌رسیدم، ولی وقتی غرق در وادی تفسیر شدم به وضوح «تسلیم» را در خودم احساس کردم؛ احساسی که همیشه علاقه‌مند بودم به آن برسم. این که آدم واقعاً راضی به رضای خداوند باشد. من فکر می‌کنم این از معجزات قرآن است که آثاری را که انسان ممکن است سالها به دنبال آن بگردد، با غرق شدن در معانی قرآن پیدا می‌کند. به علاوه روی بقیه فعالیت‌هایم هم تأثیر مثبت می‌گذاشت و همیشه از آن مدد گرفته‌ام تا در بقیه زمینه‌ها به نتیجه مثبت دست پیدا کنم.

○ برای شرکت در مسابقات بین‌المللی قرآن که اخیراً برگزار شد چه منابعی را در زمینه تفسیر مطالعه

کردید؟

● امسال «تفسیر المیزان» به عنوان مرجع تعیین شده بود. آنهایی که آشنا به فن هستند می‌دانند علامه طباطبایی معارف بسیار عظیمی را در این تفسیر نگاهشته‌اند و جداً مطالعه همه جانبه‌ای را می‌طلبد تا آدم بتواند به بخشی از آن مفاهیم مسلط بشود. تفسیر المیزان تفسیر بسیار فنی است و یکی از دشوارترین تفسیرهای موجود به لحاظ فهم عمومی است.

○ مسابقات بین‌المللی اخیراً را چگونه دیدید؟ آیا گمان می‌کردید که نفر اول تفسیر شوید؟

● همانطور که می‌دانید از ۴۵ کشور جهان در این مسابقات شرکت کرده بودند و در زمینه تفسیر ۲۳ نفر با هم رقابت می‌کردند. ابتدا عرض کنم که مسابقات بین‌المللی ایران از سطح بسیار بالایی برخوردار است. مسابقات این گونه بود که یک مرحله کتبی داشت، بعد شش نفر برای مسابقات شفاهی برگزیده شدند. آن پنج نفری که به جز من به مرحله شفاهی راه پیدا کرده بودند خیلی مسلط بودند.

○ از چه کشورهایی بودند؟

● از کشورهای الجزایر، یمن، کویت، مغرب و لبنان که همه‌اشان هم حافظ قرآن بودند. چون یکی از سؤالات مطرحه این بود که مفهومی از اجزاء آرایه می‌شد و باید آیه مربوط به آن از حفظ خوانده می‌شد. من چیزی جز لطف خدا و عنایت ائمه اطهار (ع) را دخیل در کسب رتبه خودم نمی‌دانم. اگر بخوام برای شما سه فاکتور را مشخص کنم می‌گویم: اول لطف خداوند، دوم لطف خداوند و سوم هم لطف خداوند.

○ تفسیر کدام آیه یا سوره قرآن کریم تأثیر خاصی بر شما گذاشته و یادگیری آن را توصیه می‌کنید؟

● تمام آیات قرآن مبارک و شریف و بر روی انسان تأثیرگذار است ولی به طور خاص اگر از من بخواهند که پنج آیه بخوانم و یا اگر از من پرسند کدام آیات به شدت برایم تکان دهنده است، پنج ربّیای او آخر سوره آل عمران را ذکر می‌کنم که مکرراً ذکر شده، حضرت رسول (ص) و حضرت علی (ع) شبها به هنگام نماز شب می‌خواندند و از عظمت آن اشک می‌ریختند.
○ متشکرم، در خاتمه اگر مطلبی را مایل هستید بفرمایید.

● سه بیت شعر است که من هر بار می‌خوانم از آن لذت می‌برم اگر اجازه بدهید آن را به خوانندگان روزنامه تقدیم می‌کنم.

شنیدستم که هر کوب جهانی است	برای خود زمین و آسمانی است
زمین برگرد این افلاک مینا	چو خشخاشی بود بر روی دریا
تو خود بنگر کزین خشخاش، چندی؟	سزد تا برغرور خود، بخندی

کشف استعداد در موفقیّت است*

خانم عارفه قدسی زاده، یکی از جوانان پر تلاش و سخت‌کوش است. او متولد سیرجان است. دوره دبستان را در شهر اصفهان گذرانده، دوره راهنمایی و دبیرستان را در فرزندگان (سمپاد) شهر شیراز به پایان رسانده و دوره پیش‌دانشگاهی را در دبیرستان فرزندگان تهران پشت سر گذاشته است. وی موفق به کسب مدال برنز المپیاد جهانی دانش‌آموزی در رشته زیست‌شناسی شده است.

○ نحوه انتخاب شما برای شرکت در المپیاد جهانی زیست‌شناسی به چه صورت بود؟

● من سال دوم دبیرستان بودم که با المپیاد دانش‌آموزی آشنا شدم. از مدرسه ما (فرزندگان شیراز) یک نفر موفق به کسب مدال جهانی شیمی در دوره قبل شده بود. به همین خاطر یک مجموعه کلاس‌های شیمی به منظور آمادگی برای شرکت در المپیاد شیمی برگزار شد. ابتدا من در این کلاس‌ها شرکت کردم. اما بعد از پایان سال دوم ترجیح دادم که برای کنکور درس بخوانم. در مرحله اول، من جزو افرادی بودم که مجاز به شرکت در سه رشته المپیاد تجربی (شیمی، زیست‌شناسی و ادبیات) بودم. برای شرکت در رشته شیمی، به خاطر طی کردن کلاس‌های ویژه آمادگی داشتم. ولی در رشته زیست‌شناسی و ادبیات بدون آمادگی حضور یافتم. اما وقتی نتایج

مرحله دوم اعلام شد. برخلاف انتظارم، در رشته زیست‌شناسی و ادبیات قبول شده بودم.
○ چرا با اینکه شما برای شرکت در رشته شیمی دوره‌های خاصی را گذرانده بودید، در این رشته قبول نشدید و در رشته‌های زیست‌شناسی و ادبیات پذیرفته شدید؟

● چون سؤالات ادبیات و زیست‌شناسی از کتاب‌های دوران دبیرستان طرح شده بود، که من این کتاب‌ها را برای آمادگی در کنکور خوانده بودم. اما سؤالات شیمی فراتر از دوره دبیرستان بود و نیاز به دقت خیلی بالایی داشت.

○ چگونه در مراحل بعدی المپیاد زیست‌شناسی شرکت کردید؟

● بعد از اعلام نتایج تصمیم گرفتم بین رشته زیست‌شناسی و ادبیات، زیست‌شناسی را انتخاب کنم. به همین خاطر در کلاس‌های مربوط شرکت کردم و منابع امتحانی این المپیاد را که معرفی شده بود، خواندم و به مرحله استانی راه یافتم و جزو ۴۰ نفر برگزیده به باشگاه دانش‌پژوهان جوان معرفی شده و در دوره تابستانی این باشگاه شرکت کردم که موفق به کسب مدال طلای کشوری شدم و با برگزاری امتحانات مختلف، از بین شش نفری که مدال طلای کشوری گرفته بودم، چهار نفر انتخاب شدیم و به عنوان اعضای تیم زیست‌شناسی ایران به استرالیا اعزام شدیم.

○ شما در چه تاریخی اعزام شدید و امتحان به چه صورت برگزار شد؟

● تیم ما ۱۹ تیرماه اعزام شد و تا ۲۹ تیرماه در اسپانیا بودیم. امتحان طی دو روز و در دو بخش تئوری و آزمایشگاه برگزار شد. امتحان تئوری، دو امتحان سه ساعته بود که مجموعاً شش ساعت به طول انجامید و امتحان عملی، چهار آزمایش ۹۰ دقیقه‌ای بود که جمعاً شش ساعت بود.

○ اعضای تیم زیست‌شناسی چه کسانی هستند و موفق به کسب چه مدالی شدند؟

● محمد حسین امیری، علامه حلی تهران مدال نقره، سیده نینا معصوم، فرزنانگان مشهد مدال برنز، عارفه قدسی‌زاده، فرزنانگان شیراز مدال برنز و علی زندیه، علامه حلی تهران دیپلم افتخار.

○ چند کشور در این مسابقه شرکت کردند و ایران رتبه چندم را کسب کرد؟

● ۴۲ کشور و از هر کشور چهار نفر در این مسابقه حضور داشتند که تقریباً ۱۷۰ نفر شرکت‌کننده در این مسابقه با هم به رقابت پرداختند. کشورهای آمریکا (با چهار مدال طلا)، چین و انگلیس، به ترتیب، مقام اول تا سوم را کسب کردند و تیم ایران توانست مقام هشتم را کسب کند.

○ فکرمی کردید تیم ایران بتواند چه مقامی را کسب کند؟

● انتظار داشتیم همه اعضای تیم مدال بیاورند و نتیجه خیلی بهتری را کسب کنیم. اما در اسپانیا متوجه شدیم تیم‌های سایر کشورها خیلی قوی تر هستند.
○ از لحاظ علمی و آموزشی، تیم ایران در مقایسه با تیم‌های اعزامی سایر کشورها در چه سطحی بود؟

● تیم ایران برای ششمین بار در المپیاد زیست‌شناسی شرکت کرد و هنوز تجربه کافی برای مسابقات جهانی کسب نکرده است. البته تیم المپیادی سایر رشته‌ها مثل ریاضی، شیمی و فیزیک تجربه بیشتری دارند و در ایران مطابق استاندارد جهانی به اعضای این تیم‌ها آموزش داده می‌شود. ولی تیم المپیادی رشته زیست‌شناسی در حال آزمایش و خطاست. در دوره ما یک سیستم آموزشی را امتحان کردند که مطابق با سرفصل‌های جهانی نبود. از نظر آزمایشگاه، وضعیت کشور ما قابل مقایسه با سایر کشورها نیست. این مشکل موجب شد که نمرات آزمایشگاه تیم ما نسبت به تیم‌های دیگر خیلی کمتر شود.
○ برای بهبود این وضعیت چه پیشنهادی دارید؟

● مسابقات بین‌المللی دانش‌آموزی، همان طور که از نامش بر می‌آید، در حد دانش‌آموزی برگزار می‌شود. پس بهتر است به جای برگزاری یک دوره ویژه برای انتخاب اعضای تیم‌های اعزامی، این آموزش‌ها در دوره دبیرستان برای تمامی دانش‌آموزان ارائه شود. کشورهایی مانند آمریکا یا انگلیس در دبیرستان‌ها دانش‌آموزان را، هم از لحاظ تئوری و هم از لحاظ عملی، آن قدر تقویت می‌کنند که اعضای تیم‌های اعزامی به مسابقات جهانی فقط در یک دوره آموزشی دو هفته‌ای شرکت می‌نمایند و خوب هم نتیجه می‌گیرند. ولی کشورهایی مثل چین و کشورهای جنوب شرق آسیا که تقریباً در سطح ما هستند. برای المپیادی‌ها مدارسی برای آموزش ویژه دارند. علاوه بر چین، کره یا تایلند هم، دوره‌های دو یا سه ساله برای المپیادی‌ها برگزار می‌کنند که این امر هزینه‌های گزافی را به دنبال دارد. در صورتی که اگر آموزش برای همگان و در سطح دبیرستان‌های کشور باشد. تمامی دانش‌آموزان به بار علمی بالایی دست می‌یابند و در تمام مراحل تحصیلی و علمی، موفقتر ظاهر می‌شوند.
○ شما گفتید که از سال سوم دبیرستان برای کنکور درس می‌خواندید. اگر در کنکور شرکت می‌کردید، چه رتبه‌ای را کسب می‌نمودید؟

● اگر در کنکور شرکت می‌کردم، حتماً برای رتبه ۱ تا ۱۰ درس می‌خواندم. شاید خیلی از مسائل باعث می‌شد این رتبه را کسب نکنم. اما خودم را در آن حدی می‌دیدم که بتوانم این رتبه را به دست بیاورم. چون کنکور سد بزرگی نیست. هر چند نباید اصلاً سدی باشد و اگر کسی واقعاً

تلاش کند، می‌تواند موفق شود.

○ با توجه به اینکه شما از کنکور معاف شده‌اید، در حال حاضر در چه رشته دانشگاهی مشغول به

تحصیل هستید؟

● ابتدا می‌خواستم پزشکی بخوانم. اما چون شغل پزشکی یک کار خیلی روتین و سختی است، منصرف شدم. یک پزشک باید کل فکر و وقتش را صرف این کار کند. بنابراین تصمیم گرفتم رشته دکتری بیوتکنولوژی را انتخاب کنم. چون از طرفی این رشته، یک رشته نو و پژوهشی است و از طرف دیگر استرس و فشار رشته‌های پزشکی را ندارد.

○ عوامل مؤثر در کسب موفقیت شما چه بود؟

● اول: لطف خدا؛ دوم: سعی و تلاش خودم؛ سوم: خانواده، که در ایجاد اعتماد به نفس و محیطی آرام و به دور از استرس، نقش به‌سزایی را ایفا می‌کند.

○ برای آینده چه برنامه‌ریزی کرده‌اید؟

● من زیاد اهل برنامه‌ریزی نیستم؛ مثلاً برای المپیاد، خیلی‌ها از ابتدای دبیرستان به کلاس‌های خاص می‌روند. ولی من بعد از قبولی در مرحله اول، تصمیم گرفتم برای المپیاد درس بخوانم. در حال حاضر می‌خواهم رشته بیوتکنولوژی را ادامه دهم و در این رشته موفق شوم.

○ اوقات فراغت خود را چگونه سپری می‌کنید؟

● کتاب‌های غیردرسی مثل رمان و داستان مطالعه می‌کنم. وقت زیادی را با کامپیوتر و اینترنت می‌گذرانم. با دوستانم به تفریح و گردش می‌روم.

○ به‌دانش‌آموزانی که تصمیم دارند در المپیاد شرکت کنند، چه پیشنهادی می‌کنید؟

● اولاً: توصیه می‌کنم بچه‌ها استعداد خودشان را کشف کنند تا دریابند در چه زمینه‌ای توانایی شرکت در المپیاد را دارند. شاید اگر من در المپیاد شیمی، ریاضی یا فیزیک شرکت می‌کردم تا این مرحله نمی‌توانستم پیشرفت کنم.

ثانیاً: کسانی که می‌خواهند در المپیاد شرکت کنند، باید بدانند فقط افرادی که در مرحله سوم موفق به کسب مدال طلای کشوری می‌شوند، از کنکور معاف هستند. اما بقیه برای ورود به دانشگاه باید کنکور بدهند. بنابراین با قدم نهادن در این راه از همان ابتدا باید آمادگی شکست را داشته باشند و بدانند که اگر در مرحله سوم موفق به کسب مدال طلا نشوند، باید در مدت کوتاهی خود را برای کنکور آماده کنند و در این آزمون شرکت نمایند. به عنوان مثال: علیرضا وحید (شهید هاشمی نژاد مشهد - رتبه دوم ریاضی)، محمد حسین میربلوک (میرزا کوچک خان رشت - رتبه سوم تجربی)، دانش مرادی گراوند (شهید آژه‌ای اصفهان - رتبه پنجم تجربی) و مهسا شعاران

(فرزانگان تبریز - رتبه نهم ریاضی) که در المپیاد دانش آموزی شرکت کردند و جزو ۴۰ نفر برگزیده به باشگاه معرفی گردیدند، در نهایت موفق به کسب مدال طلا کشوری نشدند. اما این مسائل روحیه آنها را تضعیف نکرد و همگی با اراده راسخ توانستند رتبه‌های تک رقمی کنکور سراسری را به خود اختصاص دهند.

○ صحبت پایانی؟

● به تمام جوانان توصیه می‌کنم که اگر می‌خواهند موفق شوند، قبل از هر کاری فقط به خدا توکل کرده و لطف او را فراموش نکنند؛ چون او همیشه پشتیبان آنهاست و با اعتماد به نفس بالا و روحیه خوب قدم بردارند و مطمئن باشند که موفق می‌شوند.
در ضمن از مسئولان دبیرستان «فرزانگان شیراز» و همین‌طور دبیرستان «فرزانگان تهران»، خانواده و همه دوستان تشکر می‌کنم که در این مسیر یکسال و نیمه با من همراه بودند.

درس خواندن که به زور بیل نمی‌شود*

برادرهای زیادی میان ۶۵ میلیون نفر ایرانی هستند که فقط ۲ سال باهم اختلاف سن دارند. برادرهای زیادی هستند که شبیه هم باشند، مثل همدیگر سرشان را بخارانند. مثل همدیگر به چیزهای کوچک و مسخره‌ای مثل کنکور بخندند و حتی بعضی وقتها طعم پوزنی و روکم‌کنی آن یکی برادر زیردندان هر کدامشان آمده باشد؛ اما داوود و دانش مرادی شاید اندکی با همه آن برادرهای دیگر فرق داشته باشند.

دانش، متولد ۱۳۶۵ در کنکور سراسری امسال رتبه ۵ رشته علوم تجربی شد و داوود، متولد ۱۳۶۳، ۲ سال پیش رتبه ۳ رشته ریاضی شده بود. داوود پس از ۲ سال تحصیل در رشته برق دانشگاه تهران، از این که همان اول رشته اصلی مورد علاقه‌اش یعنی معماری را انتخاب نکرده و یکجورهایی جوگیر رتبه‌اش شده، چندان راضی به نظر نمی‌رسد. او همین روزها برای انتقال رشته‌اش تلاش کرده، اما چون آن‌طور که خودش می‌گوید دستش به هیچ جا بند نبوده، نتوانسته کاری از پیش ببرد. این که رتبه ۳ کنکور ریاضی نتوانسته در رشته مورد علاقه‌اش درس بخواند، فقط می‌تواند خنده‌ای تلخ بر لب و چشمانی متعجب به دنبال داشته باشد. به هر حال او لیسانس برقش را از دانشگاه تهران خواهد گرفت و می‌کوشد برای کارشناسی ارشد به رشته مورد علاقه‌اش معماری فکر کند. دانش حالا دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه تهران است و در عین حال منتظر است ببیند نتیجه آزمون نیمه متمرکز

* گفتگوی هادی نیلی با «داوود» و «دانش مرادی» / جام جم، ضمیمه نسل سوم، ۹ مهرماه ۱۳۸۳

PhD پیوسته رشته بیوتکنولوژی چه می‌شود و اگر قبول شود در آن رشته ادامه تحصیل می‌دهد. او که تجربه داوود را داشته، حاضر نشده با وجود فشار اطرافیان رشته دندانپزشکی را انتخاب کند. چون او به این رشته علاقه ندارد، به همین سادگی. باز هم تفاوت هست ... اینها که گفته شد بس است که برای گذراندن صبح اولین پنجشنبه پاییز با آنها، انگیزه کافی داشته باشیم، اما تفاوت‌های دیگری هم بود که پنجشنبه گذشته را لذت بخش کرد.

○ خب چه حسی داری!؟

● دانش: هیچ حس خاصی ندارم، هیچ حسی.

○ یعنی چه هیچ حس خاصی ندارم؟ اگر رتبه‌ات به جای ۵ شده بود ۵ هزار باز هم هیچ حس خاصی

نداشتی!؟

● دانش: ۲ سال پیش دیده بودم آدم می‌تواند رتبه ۳ ریاضی شود، اما هیچ حالت خاصی به او

دست ندهد.

○ نکند وقتی شنیدی رتبه ۵ شده‌ای، ناراحت شدی؟

● دانش: می‌خواستم رتبه یک تا ۳ شوم، نه به این خاطر که خودم را تحویل می‌گرفتم، نه.

می‌خواستم با رتبه یک تا ۳ از سربازی معاف شوم. سربازی را معضلی می‌دانستم که جلوی راهم را گرفته. خواندم که یک تا ۳ شوم.

○ یعنی واقعاً فقط همین یک انگیزه را داشتی!؟

● دانش: خب می‌خواستم توانایی‌هایم را هم ثابت کنم که کم نیورم.

○ جلوی داوود کم نیآوری؟

● داوود: معلوم است که نه، چون دانش می‌دانست رتبه من فقط یک تصادف بوده است.

ضمن این که بد نیست بدانی دانش کل تابستان سال دبیرستان را از رقیبانش عقب افتاد، چون درگیر المپیاد زیست‌شناسی بود و البته ماراتن داوطلبان رشته تجربی از ابتدای تابستان سال سوم

شروع می‌شود. دانش دیر وارد ماراتن شد.

● دانش: من از اواخر مهر سال گذشته تازه به قصد کنکور شروع کردم به خواندن.

● داوود: و تازه اوضاع روحی خوبی هم نداشت. دانش به قصد طلا به المپیاد رفته بود تا

بتواند از یک سال برای کنکور خواندن خلاص شود، اما برنگرفت.

○ یعنی حالا از رتبه‌ات راضی نیستی!؟

● دانش: نه. روزی که نتایج اعلام شد خیلی‌ها زنگ می‌زدند که تبریک بگویند، اما از

حال‌گرفتگی من تعجب می‌کردند. خیلی‌ها ایشان حتماً پیش خودشان گفته‌اند این پسره خل و چل چه‌اش شده؟! رتبه ۵ شده، به جای خوشحالی حالش هم گرفته است. تا پیش از روز کنکور من انتظار نداشتم رتبه‌ام زیر ده شود، اما وقتی بعد از کنکور درصدهایم را مقایسه کردم، حدس زدم یک تا ۳ بشوم. می‌دانی، زیادی به خودم امید بسته بودم.

● داوود (به دانش): بگویم صبح روز اعلام نتایج چه سوتی ای دادی؟! بیدار شد و گفت من خواب دیده‌ام رتبه‌ام ۱۹ می‌شود.

○ رتبه‌های افراد هرچه‌کوچکتر می‌شوند، بیشتر حسرت رتبه‌های بالاتر را می‌خورند. شاید اگر رتبه دو هم شده بودی باز غبطه رتبه یک را می‌خوردی.

● دانش: خب شاید به این خاطر که فاصله‌ها خیلی کم می‌شوند، ولی از دست دادن معافیت سربازی خیلی حسرت برانگیز است. در آن صورت هم نهایتاً احساس من مثل کسی بود که به خاطر معلولیت جسمی معافیت سربازی گرفته است. فکر نمی‌کنم اصلاً حس افتخار آمیز و غرور برانگیزی به من دست می‌داد. کما این که همین حالایش هم هیچ حس خاصی ندارم. خود دانشگاه‌ها هم اهمیتی نمی‌دهند. اطلاعیه می‌زنند می‌گویند آنها که رتبه ممتاز داشته‌اند بیایند خودشان را معرفی کنند تا اگر یک روز جشنی گرفتیم خواستیم به آنها جایزه بدهیم، دعوتشان کنیم.

● داوود: روزی هم که من برای ثبت نام رفته بودم، قسمتی در اداره آموزش دانشگاه بود که گفته بودند آنها که ترازشان بالای ۱۰ هزار بوده خودشان را معرفی کنند تا بعد تسهیلاتی در اختیارشان گذاشته شود. کسی که آنجا بود از من پرسید ترازت چند شده گفتم ۱۲ هزار و فلان. خب تراز ۱۲ هزار هم خیلی مشکوک است. گفت: رتبه‌ات؟ گفتم: ۳. کارنامه‌ام را گرفت. نگاهی به سر تا پایم انداخت و گفت: بهت نمی‌آید. گفتم: عذر می‌خواهم، سعی می‌کنم از این به بعد بهم بیاید.

● دانش: آنقدر که گفته می‌شود، حداقل در سطح مسئولان خرد مثل رئیس دانشگاه و مسئول اداره آموزش، کسی رتبه‌های نخبه را تحویل نمی‌گیرد.

○ خودت فکر می‌کنی نخبه‌ای؟

● دانش: نه. اصلاً. فکر می‌کنم رتبه زیر ۱۰ در کنکور برای آدمهایی است که یک خرده ایراد دارند. (رو به داوود) البته ببخشیدها، ولی کسی که معارف اسلامی را ۶ دفعه بخواند یا به عبارتی بخورد و بعد سر جلسه امتحان غلط بزند، این نخبگی است یا خنگی؟!

● داوود: همین قدر که کسی بتواند این کتابهای درسی ما را چندبار بخواند، خودش نشان

می‌دهد طرف یک خرده می‌شنکد.

● دانش: خب یک نفر از سال دوم شروع می‌کند به خواندن و بعد هم شاید رتبه یک تا ۱۰ بشود؛ اما آیا واقعاً نویسنده‌های همان کتابهای درسی چنین پتانسیلی برای آن قائل هستند که این همه خواننده شوند؟! خود من و همکلاسی‌هایم کارمان شده بود این که در زنگ تفریح می‌نشستیم سوتی‌های علمی کتاب زیست را در می‌آوردیم و به آنها می‌خندیدیم.

● داوود: بعد این جور کتابها برای یک عده می‌شوند حرف اول! واقعاً باید بررسی شود که نخبه یعنی چه؟! جوان نخبه کیست؟! چه کسی حق دارد این کلمه را به فرد خاصی اطلاق کند؟! به هر حال منابع، امکانات و تسهیلاتی هستند که به افراد نخبه تعلق می‌گیرند. پس مرجعی باید باشد که مصداق‌های این نخبگی را تعیین کند. من خودم به عنوان رتبه ۳ کنکور ریاضی به هیچ وجه فکر نمی‌کنم صرف این که کسی رتبه خوبی در کنکور آورده، دلیل بر نخبه بودن اوست.

● دانش: در حال حاضر نخبه بودن یا برمی‌گردد به رتبه تک رقی در کنکور سراسری، یا به مدال در المپیاد یا برگزیده شدن در جشنواره خوارزمی. همه اینها رقابت‌هایی هستند در حد دانش آموزی و همه مسابقه‌هایی هستند که نتایج آنها کاملاً کمی و قیاسی است. این آقا درصد فلان درسش این بوده است، اما پیگیری نمی‌شود که این آقا رتبه ۵، ۴ سال دانشگاه را چطور می‌گذراند؟! آیا مثل خیلی دیگر از دانشجویان برگزیده با مطالعه‌های شب امتحانی، دانشجوی ممتازی می‌شود یا واقعاً ذهن و استعداد او در راه پژوهش واقعی و تولید علم به کار گرفته می‌شود؟ آیا جداً کنکور سراسری و تعبیه نظام‌هایی که طبق آنها نخبگان شناخته می‌شوند، این قدر علمی و قابل اتکا هستند که بتوان روی نتایجشان حساب کرد؟! وقتی استادان دانشگاه‌ها کاملاً سلیقه‌ای نمره می‌دهند، آیا واقعاً می‌توان دانشجویی را که معدلش بالای ۱۷ شده، نخبه دانست؟! دانست؟! دانست!؟

○ فکر می‌کنی مشکل از کجا آب می‌خورد؟

● داوود: جای تولید علم در آزمایشگاه نیست. ۵۰ نفر دانشجویی به اصطلاح نخبه هم علم آینده مملکت را تولید نمی‌کنند. ۱۵ میلیون دانش‌آموز امروز مملکت هستند که همه آنها باید کاری بکنند.

● دانش: وقتی ما می‌خواهیم در اروپا جریان علمی را بررسی کنیم چکار می‌کنیم؟! تعداد المپیادی‌ها و مدال‌های طلای جهانی‌شان را می‌شماریم؟ نه. این بررسی جریان تولید علم است که می‌تواند تصویر درستی از روند تولید علم در اروپا به دست بدهد. میان آنها شخصیت‌های بزرگی هم هستند، اما آن شخصیت‌ها هم نماینده یک جریان هستند نه صرفاً یک فرد.

المپیادی‌ها یا برگزیدگان جشنواره خوارزمی نمی‌توانند معرف جریان غالب در مدرسه‌های ایران باشند. جریان غالب را باید تابستان‌ها در خیابان‌های تهران دنبال کرد. در گیم‌نت‌ها، در سالن‌های بلیارد. نه این که آن‌ها بد است؛ اما آن چیزی هم که ما دوست داریم باشد، نیست. شاید بتوان گفت یک جریان اینچینی داشت در مدرسه‌های سمپاد (سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان معروف به تیزهوشان) شکل می‌گرفت که آن هم محو شد.

○ هیچ تفاوتی میان خودت ورتبه ۵ هزارکنکور می‌بینی؟

● دانش: شاید تنها تفاوتی که من با رقیبان دیگر داشته‌ام و آن تفاوت در نمره نهایی‌ام در کنکور مؤثر بوده، سرعت عمل من باشد.

● داوود: البته پشتکاری هم که داشتی خیلی به تو کمک کرد.

● دانش: البته، اما سرعت عملم بیش از هرچیز به من کمک کرد. من یک جورهایی روش خواندن برای کنکور را می‌دانستم. انرژی‌ام را بیهوده تلف نکردم. برای تست‌های بیخودی وقت نگذاشتم.

○ نظرت راجع به دوپینگ کردن درکنکور چیست؟

● دانش: اگر منظورت از دوپینگ، کلاس خصوصی است که دوپینگ درکنکور این نیست. من خودم از کلاسهای اضافه بر مدرسه‌ام استفاده کردم. بستگی دارد دیدت نسبت به این کلاسها چه باشد. خود من بیشتر به عنوان رفع اشکال به این کلاسها نگاه کردم. این کلاسها وقتی حالت دوپینگ به خود می‌گیرند که دانش آموز حالت انفعالی به خود می‌گیرد. فلان فرمول را برای حل کردن فلان نوع تست از معلمش یاد می‌گیرد و سرکنکور به جای حل کردن تست، فرمولی را که حفظ کرده به کار می‌برد در واقع آن استاد است که پاسخ می‌دهد نه داوطلب.

● داوود: بیشتر به نظر می‌رسد این کلاسها یک جور ادای دین پدرها و مادرها به بچه‌هایشان است که این احساس خوب را داشته باشند که تعهدشان را در قبال کنکور فرزندشان برآورده کرده‌اند. من خودم فکر می‌کنم کتاب درسی و در نهایت چند کتاب کمک درسی برای کنکور می‌تواند جوابگو باشد. اصلاً خیلی وقتها این کلاسها بیشتر وقت دانش آموز را می‌گیرند و چندان کمکی نمی‌کنند.

○ تو چند ساعت در روز برای کنکور می‌خواندی؟

● دانش: روزهای تعطیل ۹ ساعت. روزهایی که مدرسه می‌رفتم به همین نسبت کم می‌شد.

● دانش: حداکثر می‌شد ۱۰ ساعت. خب من زیست‌شناسی‌ام را قبلاً برای المپیاد خوانده

بودم و از این نظر بارم سبک‌تر بود.

○ نظر تان راجع به مؤسسه‌هایی که برای کنکوری‌ها فعالیت می‌کنند چیست؟ قطعاً از عکس و نام شمادونفر هم در تبلیغاتشان استفاده کرده‌اند.

● داوود: بله. بی آن که اجازه‌ای از من گرفته باشند همه جا اسم و عکسم را زده بودند که آهای ملت! این دانش آموز ما بوده است؛ اما مسئله اینجاست که خیلی از این مؤسسه‌ها دارند کاری را که می‌توانند و قرار است انجام بدهند، بدرستی انجام می‌دهند. اگر کار آنها منفی است پس نظام آموزشی هم منفی است، چون این مؤسسات دارند برای دانش آموزان این نظام آموزشی از میان منابع درسی این نظام آموزشی و به منظور موفقیت در عبور از دروازه‌های این نظام آموزشی، کتاب تولید می‌کنند و خدمات می‌دهند. آمار غیررسمی می‌گوید، در مجموع سالانه ۲۰۰ میلیارد تومان هزینه کنکور می‌شود. ساعت‌هایی را هم که آن ۲ میلیون نفر - حداقل - در یک سال صرف کنکور می‌کنند، اضافه کنید، یعنی ۲ میلیون سال ساعت کاری.

○ سال کنکور را چگونه گذراندی؟

● دانش: مثل همه درس خواندم.

○ اوقات فراغت؟

● داوود: دانش، تلویزیون خیلی می‌دید، اما وقتی می‌نشست پای درسش، کاملاً متمرکز و حواسش جمع بود. این نکته مهمی است، چون خود من به خیلی‌ها مشاوره داده‌ام که روزی ده دوازده ساعت می‌نشسته‌اند روبه روی کتابشان، اما درس نمی‌خواندند. در فکر و خیال خودشان غوطه می‌خوردند. توصیه‌ای که من به بچه‌ها کردم این بود که: بنشینید با خودتان صحبت کنید و تکلیفتان را مشخص کنید. اگر دارید برای کنکور می‌خوانید، واقعاً بدانید تنها راهی که پیش رو دارید همین کنکور است.

○ چقدر به برنامه‌ریزی برای کنکور اعتقاد داری؟

● دانش: فکر نمی‌کنم برنامه‌ریزی از خارج موفق باشد، مگر این که خود فرد یک برنامه‌ریزی کلی داشته باشد.

● داوود: با بیل نمی‌شود کسی را به درست خواندن مجبور کرد.

○ ○ ○

ششمین جشنواره جوان خوارزمی و هجدهمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی

جواد اژه‌ای

مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با همکاری وزارت آموزش و پرورش، مراسم تجلیل از برگزیدگان ششمین جشنواره خوارزمی را با هدف ترغیب و تشویق جوانان به حضور در عرصه‌های علمی و پژوهشی، ارج نهادن به پژوهشگران، مخترعان و مبتکران جوان کشور، شناسایی و معرفی جوانان خلاق و استعداد‌های درخشان در بخش‌های دانش‌آموزی (دوره‌های متوسطه و پیش‌دانشگاهی)، دانشجویی (کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) و متقاضیان آزاد در روز ۲۳ آذرماه در «هفته پژوهش» با حضور معاون اول رئیس‌جمهور برگزار نمود.

امسال تعداد ۲۰۸۴۰ طرح در بخش «دانش‌آموزی»، تعداد ۶۳۲ طرح در بخش کاردانی آموزش و پرورش و تعداد ۷۱۸ طرح در بخش‌های دانشجویی بررسی گردید.

جشنواره جوان خوارزمی

جدول ۱ طرح‌های ششمین جشنواره جوان خوارزمی (دانش‌آموزی - دانشجویی) را در حوزه وزارت آموزش و پرورش به تفکیک استان نشان می‌دهد. در جدول ۲ نیز برگزیدگان دانشجویی و دانش‌آموزی به تفکیک مقطع تحصیلی و رتبه کسب شده نشان داده شده‌اند.

در بخش دانشجویی «دانشگاه تهران» با چهار برگزیده در بین ده دانشگاه، بالاترین رتبه را کسب نمود. دانشگاه‌های دیگر عبارتند از: «صنعتی‌امیرکبیر» با ۳ برگزیده، «صنعتی شریف» و

«تربیت مدرس» هر کدام ۲ برگزیده و دانشگاه‌های «فردوسی مشهد»، «علم و صنعت ایران»، «اصفهان»، «علوم پزشکی تهران»، «پیام نور خرمشهر» و «شهید بهشتی» هر کدام یک برگزیده.

جدول ۱- طرح‌های ششمین جشنواره جوان خوارزمی دانش‌آموزی و دانشجویی

(وزارت آموزش و پرورش) به تفکیک استان

استان	دانش آموزی	دانشجویی	جمع
آذربایجان شرقی	۴۵۳	۳۴	۴۸۷
آذربایجان غربی	۹۳	۳	۹۶
اردبیل	۱۲۲	۱۵	۱۳۷
اصفهان	۲۲۶۸	۲۶	۲۲۹۴
ایلام	۱۲۳	۲۸	۱۵۱
بوشهر	۹۴۴	۸	۹۵۲
چهارمحال و بختیاری	۱۶۰	۸	۱۶۸
خراسان	۳۶۴۴	۵۸	۳۷۰۲
خوزستان	۱۳۹	۱۱	۱۵۰
زنجان	۱۰۰	۵	۱۰۵
سمنان	۱۳۱	۶	۱۳۷
سیستان و بلوچستان	۵۲	۱۵	۶۷
تهران	۳۹۴۹	۸۵	۴۰۳۴
شهرستانهای تهران	۲۳۹	۴	۲۴۳
فارس	۷۱۲	۱۶	۷۲۸
قزوین	۱۲۵	۱	۱۲۶
کردستان	۲۶۱	۳۸	۲۹۹
کرمان	۱۰۴۷	۱۶	۱۰۶۳
کرمانشاه	۱۰۱	۲۹	۱۳۰
کهگیلویه و بویراحمد	۶۹	۲۴	۹۳
گلستان	۶۰۰	۳۰	۶۳۰
گیلان	۲۶۶	۱۱	۲۷۷
لرستان	۹۶۵	۱۹	۹۸۴
مازندران	۲۴۲۴	۵۸	۲۴۸۲
مرکزی	۱۰۲۱	۱۵	۱۰۳۶
هرمزگان	۲۲	۲	۲۴
همدان	۵۸۵	۵	۵۹۰
یزد	۱۴۴	۵۵	۱۹۹
قم	۸۱	۷	۸۸
جمع	۲۰۸۴۰	۶۳۲	۲۱۴۷۲

جدول ۲- تفکیک برگزیدگان دانشجویی آزاد و دانش‌آموزی برحسب رتبه (سال ۸۳)

برگزیدگان	رتبه اول	رتبه دوم	رتبه سوم	جمع
دکتری	-	-	۲	۲
کارشناسی ارشد	-	۴	۴	۸
کارشناسی	۱	۲	۳	۶
کاردانی	۴	۲	-	۶
متقاضیان آزاد	-	۲	۷	۹
برگزیدگان دانش‌آموزی	۲۶	۳۸	-	۶۴
جمع کل				۹۵

○ برگزیدگان دانشجویی

- رضا کراچیان، (صنعتی امیرکبیر)، رتبه سوم (دکتری). عنوان طرح: مدیریت کمی کیفی سیستم‌های رودخانه - مخزن.
- احمد مشاعی، (صنعتی شریف)، رتبه سوم (دکتری). عنوان طرح: فرمول بندی و حل عددی معادلات ناویر-استوکس برای حباب سونولومینسانس.
- پروانه سنگ پورزنجان، (صنعتی شریف)، رتبه دوم (کارشناسی ارشد). عنوان طرح: ساخت و مشخصه یابی سیستم چند لایه‌ای مغناطیسی.
- راحله سفیدگران، (تربیت مدرس)، رتبه دوم (کارشناسی ارشد). عنوان طرح: بررسی قابلیت تولید خمیر کاغذ سودا از ساقه کلزا برای ساخت کاغذ فلو تینگ.
- مهدیه اسدی، (تهران)، رتبه دوم (کارشناسی ارشد). عنوان طرح: بررسی فون کنه‌های آبی در شهرستان کرمان.
- حامد صادقی پوررودسری و مهدی دهقانی، (علوم پزشکی تهران)، رتبه دوم (کارشناسی ارشد). عنوان طرح: بررسی اثر بیماری کلستاز بر عملکرد عضله کورپوس کاورنوزوم در موشهای صحرایی نر و نقش سیستم اپیوئید و نیتریک اکساید در این تغییرات.
- مرجان خلیلی ماهانی، (صنعتی اصفهان)، رتبه سوم (کارشناسی ارشد). عنوان طرح: ترجیح میزبانی سوسک برگ خوار نارون.
- نورگس خرازانی تفرشی، (تربیت مدرس)، رتبه سوم (کارشناسی ارشد). عنوان طرح: طراحی PCR MNC به منظور تشخیص هویت و پروسهای خانواده هرپس ویریده انسانی در عفونتهای سیستم عصبی مرکزی.
- علیرضا شریف، (صنعتی امیرکبیر)، رتبه سوم (کارشناسی ارشد). عنوان طرح: بررسی نقش مکانیزم‌های نفوذ متقابل و یا اتصال شیمیایی بر استحکام فصل مشترک دو ماده ویسکوالاستیک.
- محمدرضا ذاکرزاده، محمود توکلی، (صنعتی شریف)، رتبه سوم (کارشناسی ارشد). عنوان طرح: طراحی و ساخت ربات ستون پیمان.
- مهدی آذریبوند، (علم و صنعت ایران)، رتبه اول (کارشناسی ارشد). عنوان طرح: مدلسازی و تحلیل یک عدسی صوتی زیر آبی.
- محمد صالح مونسان، حسن ذاکری، سلمان محسنی، سالار بصیری، (تهران)، رتبه دوم (کارشناسی). عنوان طرح: طراحی و ساخت دستگاه نورسنج زاویه‌ای.
- زهرا ناجی عظیمی، (فردوسی مشهد)، رتبه دوم (کارشناسی). عنوان طرح: ارائه الگوریتم‌های

جدید در زمان بندی آموزشی و مقایسه آنها با روش های موجود.

- محمدحسین صفری، پویا آزادی منظور، (تهران)، رتبه سوم (کارشناسی). عنوان طرح: طراحی و ساخت کریستالیزور تبریدی DTB اتوماتیک.
- امیرحسین کیوانپور، نداپری نژاد خامنه، (اصفهان و شهیدبهشتی)، رتبه سوم (کارشناسی). عنوان طرح: دستگاه درک اصوات از طریق حس لامسه برای ناشنویان مطلق.
- لیلا عبدالله زاده رامهرمزی، (پیام نورخرمشهر)، رتبه سوم (کارشناسی). عنوان طرح: تعبیر تکرار (سیری در بسامد شعری سهراب سپهری).
- سیده مرضیه کاظمی، (آموزشکده فنی دختران)، رتبه اول (کاردانی). عنوان طرح: مشکل انسان.
- محمد عابدینی، حسین جاویدی دشت بیاض، (آموزشکده فنی شهیدباهنر)، رتبه اول (کاردانی). عنوان طرح: عینک خودکار جوشکاری.
- علیرضا الوانچی، احسان کدخدایی، امیرحسین تابش، مجتبی بندگانی، (آموزشکده شهیدرجایی)، رتبه اول (کاردانی). عنوان طرح: دستگاه اعمال رنگ به صورت اتوماتیک.
- سیدمصطفی صندوق ساز، (آموزشکده فنی و حرفه ای امام عصر «ع»)، رتبه اول (کاردانی). عنوان طرح: نمایشگر تبلیغاتی مکاترونیک.
- مهسا محمدنیا، (دانشکده فنی شریعتی)، رتبه دوم (کاردانی). عنوان طرح: نگاه انتزاعی به طبیعت و زندگی.
- سعید عباسی، غلامعلی بنیادی، (مرکز آموزش عالی شهیدصدوقی)، رتبه دوم (کاردانی). عنوان طرح: بررسی افزایش سرعت واکنش شیمیایی در اثر اعمال کار مکانیکی.
- مهدی کاشانی نژاد، رتبه سوم متقاضیان آزاد (دکتری). عنوان طرح: ارائه راهکارهای کاربردی برای بهبود فرایند خشک کردن پسته صادراتی ایران.

○ برگزیدگان آزاد

- اشکان مولا، رتبه سوم متقاضیان آزاد (ارشد)، عنوان طرح: مقایسه اثر ترکیب وارفارین و اکسپیرین با آسپیرین به تنهایی در بیماران پس از انفارکتوس حاد میوکارد.
- فرید ادهمی، محمد مهدی دائمی عطاران، علی عباسی، علی نوید کشکی، فرهاد قنبری و شهرام شریفی، (علوم پایه، علوم پزشکی تهران)، رتبه سوم (کارشناسی). عنوان طرح: راکتور داوونز.
- حمید حکیم، رتبه سوم گروه مهندسی متقاضیان آزاد (کارشناسی). عنوان طرح: پوشش های

- میثم وهابی، احسان عظیمی، مجاهد لسانی نجف‌آبادی، مجید نصیری، علیرضا هادی حسین‌آبادی، رتبه سوم متقاضیان آزاد (دکتری). عنوان طرح: طراحی و ساخت ربات C.N.C. با ساختار مکانیزم موازی.
 - آرمین محمدی‌زند، رتبه سوم آزاد (کارشناسی). عنوان طرح: دستگاه پردازنده بافتی با تکنولوژی بازوی آزاد.
 - راشین خیریه، رتبه سوم آزاد هنر (کارشناسی). عنوان طرح: خلاقیت در تصویرسازی کتابهای کودک و نوجوان.
 - جواد محمدی، رتبه سوم متقاضیان آزاد (کاردانی). عنوان طرح: موتور ترکیبی - تعادلی ۴۱۷ I (احتراق داخلی).
 - فرهاد گچلو، رتبه سوم متقاضیان آزاد (دیپلم). عنوان طرح: بهینه‌سازی نیشان‌جونور.
- در این بخش حدود ۴۰ طرح در حوزه‌های علوم انسانی، علوم پایه، علوم کشاورزی، فنی و مهندسی و هنر مورد تحسین قرار گرفتند.

○ برگزیدگان دانش‌آموزی

- مرتضی دولتی، مصطفی دولتی، (شهیدمدنی تبریز - سمپاد)، رتبه اول. عنوان طرح: بریل نوت.
- نوید طالبان فرد، (شهیدهاشمی نژاد مشهد - سمپاد)، رتبه اول. عنوان طرح: مقالات نوین ریاضی.
- عباس رحیمی، (شهید طالبی - اصفهان)، رتبه اول. عنوان طرح: ربات چند منظوره.
- آرش رئوف شیبانی، امیریگی، مجتبی شمس‌زاده، (هدف - خراسان)، رتبه اول. عنوان طرح: تولید سوخت از زباله‌های پلاستیکی.
- میثم سالار سرنند، حسین جم، (شهید مفتاح - خراسان)، رتبه اول. عنوان طرح: دستگاه سورتینگ زعفران.
- بهزاد سروری خراشاد، کوروش کرفی، (شهیدهاشمی نژاد مشهد - سمپاد)، رتبه اول. عنوان طرح: تشخیص عود مجدد بیماری سی‌ام‌ال.
- سیدمحمد محسن جوادزاده، جمال همیتیان مهدی‌زاده، یاسر مولوی، (آینده‌سازان - خراسان)، رتبه اول. عنوان طرح: گلدان تجزیه‌پذیر.
- حمیده بی‌طرف، (روشنگر - تهران)، رتبه اول. عنوان طرح: شهادت آب.
- معین علی‌نقیان، (ممتاز حنان - تهران)، رتبه اول. عنوان طرح: شی؛ یاب.

- سهراب عاملی، (شهیددانش - تهران)، رتبه اول. عنوان طرح: تبدیل تصویر به متن قابل ویرایش
- شیوا فتح‌الهی‌راد، فاطمه‌سادات ثابت، طلوع مهدوی، ماندانا پوریان، (فرزانگان تهران - سمپاد)، رتبه اول. عنوان طرح: مطالعه‌ی ترجیح کلی اسیدهای آمینه در پروتئین‌های پرپونی.
- فرهاد افتخاری، (علامه‌حلی تهران - سمپاد)، رتبه اول. عنوان طرح: طراحی و پیاده‌سازی سیستم‌های هوشمند.
- سید محمود جعفری صادقی، هومن صداقت جهرمی، (شهید دستغیب شیراز - سمپاد)، رتبه اول. عنوان طرح: کنتورخوان خودکار.
- رضا طاهر خانی، محمدجعفر صالح، (شهید بابایی قزوین - سمپاد)، رتبه اول. عنوان طرح: کنترلر قابل برنامه‌ریزی پیشرفته.
- محمد دهقانی، (علامه حلی کرمان - سمپاد)، رتبه اول. عنوان طرح: سیستم پیام کوتاه (اس ام اس) برای خطوط ثابت.
- مجتبی حمیدیان، (علوم انسانی، قم)، رتبه اول. عنوان طرح: مجموعه‌ی نردبان آسمان.
- موسی افضل‌پور، (دبیرستان کمال کرمان)، رتبه اول. عنوان طرح: بررسی پتانسیل عصاره‌ی زعفران.
- وحید بهرامی، کیام نصری، پدram خدارحمی، نوید حیدری، فراز عثمانی، (هدف، کردستان)، رتبه اول. عنوان طرح: کزدم (روبات).
- آرش حیدری، (دکتر بهشتی استان مرکزی)، رتبه اول. عنوان طرح: قطب‌نما.
- الهه صفابخش، میناگودرزی، (سیدجمال‌الدین، کرمان)، رتبه اول. عنوان طرح: ساخت یونیت افزایش دهنده‌ی ماندگاری گل‌های شاخه بریده.
- الهام احمدی، اسماء احمدنژاد، (دبیرستان علامه - کرمان)، رتبه اول. عنوان طرح: دستگاه نمره چشم.
- جمیله تروشه، (فاطمیه - کهگیلویه و بویراحمد)، رتبه اول. عنوان طرح: مجموعه‌ی شعر «و ناگهان نگاهم را از پرده می‌گیرم».
- سینا صابر، (مولوی - مازندران)، رتبه اول. عنوان طرح: رنگ سیناسون.
- آرش دیلم، (بنی‌اکرم - گلستان)، رتبه اول. عنوان طرح: کودریز آبی.
- جعفر چگنی، مجتبی چگنی، (شهید مطهری - همدان)، رتبه اول. عنوان طرح: دستگاه گردوشکن.
- پیمان کریمی، فرشته کریمی، محمد وفایی، میلاد فداکار (همدان)، رتبه اول. عنوان طرح: ناخن‌گیر معلولین.

براساس گزارش برگزارکنندگان جشنواره جوان خوارزمی، حدود ۳۸ طرح نیز موفق به کسب رتبه دوم جشنواره امسال گردیدند. در جدول ۳ برگزیدگان سمپادی جشنواره جوان خوارزمی در رتبه های اول و دوم را ملاحظه می کنید.

لازم به یادآوری است «شهید هاشمی نژاد مشهد» با کسب ۲ رتبه اول و «علامه حلی» و «فرزانگان تهران»، «شهید مدنی تبریز» و «شهید بابایی قزوین» با یک رتبه اولی و یک رتبه دومی برترینهای سمپاد در این جشنواره بودند.

جدول ۳- برندگان سمپادی در ششمین جشنواره جوان خوارزمی

ردیف	نام طرح	نام و نام خانوادگی طراح	رشته	رتبه	شهر	مرکز
۱	بریل نوت	مرتضی دولتی، مصطفی دولتی	کامپیوتر	اول	تبریز	شهید مدنی
۲	مقالات نوین ریاضی	نوید طالبان فرد	ریاضی	اول	مشهد	شهید هاشمی نژاد
۳	تشخیص مجدد بیماری (CML)	بهزاد سروری خراشاد، کوروش کرفی	برق و الکترونیک	اول	مشهد	شهید هاشمی نژاد
۴	مطالعه ترجیح کلی اسیدهای آمینه در پروتئین پرپرونی	شیوا فتح الهی راد، فاطمه سادات ثابت طلوع مهدوی، ماندانا پوریان	زیست جانوری و پزشکی	اول	تهران	فرزانگان
۵	طراحی و پیاده سازی سیستم های هوشمند	فرهاد افتخاری	کامپیوتر	اول	تهران	علامه حلی
۶	کنتورخوان خودکار	سید محمود جعفری صادقی هومن صداقت جهرمی	برق و الکترونیک	اول	شیراز	شهید دستغیب
۷	سیستم پیام کوتاه SMS برای خطوط ثابت	محمد دهقانی	کامپیوتر	اول	کرمان	علامه حلی
۸	کنترلر قابل برنامه ریزی پیشرفته	رضا طاهر خانی، محمد جعفر صالح	برق و الکترونیک	اول	قزوین	شهید بابایی
۹	ادراک آبی و عکس العمل	لیلا رانی مرزآبادی	زیست جانوری و پزشکی	دوم	تبریز	فرزانگان
۱۰	تکنیک هوشمند آموزش نرم افزار	مجتبی جانفشان	کامپیوتر	دوم	تبریز	شهید مدنی
۱۱	روبانهای فوتبالیست	محمد شمالی، علیرضا یوری سامان فقیه، اشکان راشدی، آرش خباز صابری	برق و الکترونیک	دوم	تهران	علامه حلی
۱۲	شبیه سازی کاربردی براساس آنالیز داده ها بر مقدار کنترل	تینا روستایی تارا طاعی حق	زیست جانوری و پزشکی	دوم	تهران	فرزانگان
۱۳	دستگاه مختصات زاویه ای	محمد صادق صالحی	ریاضی	دوم	قزوین	شهید بابایی
۱۴	نمودارها	سید نعمت الله احمدیان	کامپیوتر	دوم	آمل	شهید بهشتی
۱۵	حل مسئله حل نشده	سعید حق نظری	ریاضی	دوم	خرم آباد	شهید بهشتی
۱۶	مجموعه طرح های متحرک سنتجی به روش آلترا سونیک	جواد رضائزاد گنابی	برق و الکترونیک	دوم	بابل	شهید بهشتی
۱۷	آئینه سه گانه	پروین عالمی، فرزانه دهقانی	کامپیوتر	دوم	یزد	فرزانگان

○

○

○

○ و اما در هجدهمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی که در تاریخ یکشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۸۳ برگزار گردید، ۸۵۸ طرح داخلی، ۱۰۸ طرح خارجی و ۲۵ طرح از ایرانیان خارج از کشور - جمعاً ۹۹۱ طرح - در ۱۳ گروه به جشنواره رسیده بود.

از این مجموعه، دو طرح رتبه اول، ۱۴ طرح، رتبه دوم و ۱۹ طرح موفق به کسب رتبه سوم (جمعاً ۳۵) گردیدند. یک طرح از بین طرحهای ایرانیان خارج از کشور و ۳ طرح از پژوهشگران خارجی نیز برگزیده شدند.

جشنواره بین‌المللی خوارزمی در اولین دوره خود ۱۳۵ طرح را دریافت کرده بود و سال قبل نیز جمع طرحها به ۶۸۰ می‌رسید که امسال نسبت به سال قبل ۲۶ درصد افزایش را نشان می‌دهد. البته طرحهای خارجی جشنواره نسبت به سال قبل از ۲۰۰ به ۱۰۸ کاهش را نشان می‌دهد. عناوین طرحها و رتبه‌های کسب شده در این جشنواره، به شرح زیر است.

○ پژوهشهای کاربردی

- پدیده شکست سدهای خاکی اشباع و نیمه اشباع، رتبه دوم، دکتر امیررضا خوبی.
- تدوین دانش فنی تولید آلیاژهای سنگین پایه تنگستن (MMC) و کاربردهای آن، رتبه دوم، مهندس حسن طالبی و همکاران.
- تدوین دانش فنی و فناوری تولید فولاد ماراجینگ بدون کبالت، رتبه دوم، دکتر محمود نیلی احمد آبادی و همکاران.
- تولید پنتااریتریول و فرمیات سدیم. رتبه دوم، مهندس احمد مسعودی و مهندس محمد لکستانی.
- تولید نیمه صنعتی سولفوریل کلراید، رتبه دوم، مهندس علی طباطبایی قمی و همکاران.
- شناسایی واژگان پایه فارسی دانش آموزان ایرانی در دوره ابتدایی، رتبه دوم، دکتر شهین نعمت زاده و همکاران.
- طراحی اکونومایزرهای دیگهای بخار، رتبه دوم، مهندس رحیم غبرائی و همکاران.
- طراحی و ساخت سیستم برق و کنترل سکوهاى حفارى، رتبه دوم، مهندس علی اخوان و همکاران.
- طراحی و ساخت قایق‌های پرنده، رتبه دوم، مهندس علی اخوان و همکاران.
- طرح تبدیل گاز طبیعی به مایعات، رتبه دوم، مهندس محمد دیدری خمسه مطلق و همکاران.
- اطللس معادن سنگ‌های تزئینی و نمای ایران، رتبه سوم، جمال کسبانی اول و مهندس سعید

بختیاری.

- تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی، رتبه سوم، دکتر زهرا رهنورد و همکاران.
- ندوین دانش فنی و تولید ماده S.D.D، رتبه سوم، مهندس شهرام شهسواری پور و همکاران.
- مطالعه و مرمت ایوان غربی تخت سلیمان، رتبه سوم، مهندس محمدرضا ملک‌لو و همکاران.
- ژیروسکوپ لیزری، رتبه سوم مشترک، احمد علی فرقانی و همکاران.
- سیستم ماینورینگ و شش سیگنالهای طیف گسترده پرش فرکانسی، رتبه سوم مشترک، مهندس عبدالله اثنی عشری اصفهانی و همکاران.
- طراحی و ساخت سیستم گیرنده جستجوی سریع، رتبه سوم مشترک، مهندس سلیم عرفان و همکاران.
- مختل کننده سیستم‌های طیف گسترده جهش فرکانسی، رتبه سوم مشترک، مهندس احمدبیان و همکاران.

○ پژوهشهای بنیادی

- نامه باستان (ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی)، رتبه اول، دکتر میرجلال‌الدین کزازی.
- دانشنامه جهان اسلام، رتبه دوم، دکتر غلامعلی حدادعادل و همکاران.
- بررسی اثر آنتاگونیست‌های باکتریایی روی قارچ‌های مهم خاکری، عوامل بوته میری و پژمردگی، رتبه سوم، دکتر عباس شریفی تهرانی و همکاران.
- ترمودینامیک هولوگرافیک روی شامه در فضای توپولوژیک رایزنر - نوردشترام - دوسیتته، رتبه سوم، دکتر محمدرضا ستاره و دکتر رضا منصوری.
- ردیاب الکترواپتیکی، رتبه سوم، مهندس محمدرضایی و همکاران.
- مطالعه سیستماتیک جنس ورتسیلیوم با استفاده از روشهای کلاسیک و مدرن، رتبه سوم، دکتر رسول زارع و همکاران.

○ پژوهشهای توسعه‌ای

- اثبات کمبود ریز مغذیها به ویژه روی، در خاک، محصولات کشاورزی، دام و انسان، رتبه دوم، دکتر محمدجعفر ملکوتی و همکاران.
- افزایش طول عمر آسترنسوز پاتیلهای فولادسازی با استفاده از نسوزهای پیشرفته، رتبه دوم، دکتر محمدباوند وندچالی و همکاران.

□ طراحی و تولید گلوله توپخانه ۱۳۰ میلیمتری حامل، رتبه سوم، مهندس امیربابک سرمستی و همکاران.

□ منبع تغذیه DG486000-3، رتبه سوم، مهندس محمد طهماسبی آریا.

○ ابتکار

□ طراحی و تولید ماشین آلات تمام اتوماتیک انجماد و اکسترودر در صنایع غذایی، رتبه اول، حسین بیت‌اللهی سفیدی و همکاران.

□ طراحی و ساخت مکانیزم تولید با مولتی فرمینگ، رتبه دوم، مهندس سیدحسین قرشی.

□ دستگاه مانتورینگ برقی‌های فشارقوی، رتبه سوم، مهندس محمد اسکوئی و همکاران.

□ پوشش‌های استتار چند طیفی مدرن، رتبه سوم مشترک، مهندس فیروزقنبری.

□ تجهیزات انفرادی سرباز امروزی (کامپوزیت‌های پیشرفته نظامی در پدافند غیرعامل)، رتبه سوم مشترک، مهندس حسین اربابی فرو و همکاران.

□ زره‌های واکنشی پیشرفته نسل ۲، علیه موشک‌های هوشمند دو مرحله‌ای، رتبه سوم مشترک، مهندس کیومرث فرهادی.

□ مقاوم‌سازی بدنه نفربر در برابر گلوله AP، رتبه سوم مشترک، مهندس مرتضی کربلایی فرو و همکاران.



گزارش و خبر

بیست و سومین جلسه هیئت امناء باشگاه دانش پژوهان جوان

این جلسه چهارشنبه ۱۳۸۳/۱۰/۱۶ با حضور وزیر محترم آموزش و پرورش، رئیس سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان و سایر اعضا تشکیل گردید.

○ دستور اول: طرح معافیت از سربازی اعضا اعزامی تیمهای المپیادهای علمی به مسابقات جهانی در سنوات گذشته بود و همینطور دانش پژوهان پسر که از سال ۱۳۷۵ جز ۳ نفر اول برگزیدگان المپیاد ادبی کشور بوده‌اند، که مقرر شد در این زمینه با ستاد فرماندهی کل قوا، مکاتبه شود.

○ دستور بعد مربوط به «المپیاد نجوم» بود. خوشبختانه اقدام سمپاد در اعزام تیم در سال‌های ۸۲ و ۸۳ و کسب ۸ مدال جهانی، بخصوص امسال که تنها مدال طلای جهانی دختران را ایران کسب نمود، و اقدام بر کسب معافیت مشابه معافیت‌های سایر المپیادها و کش دادن قضیه از شهریور تا دیماه باعث آمادگی باشگاه برای حضور در این المپیاد گردید.

البته کمیته علمی المپیاد فیزیک باشگاه هم اظهار لطف کثیری فرموده بودند (به نقل از گزارش رئیس باشگاه) که مسابقات برگزار شده سمپاد در سطح ملی نبوده و بنابراین معافیت برگزیدگان از آزمون ورودی دانشگاهی مورد تأیید کمیته علمی المپیاد فیزیک نیست. بدین معنی که طلای کسب شده امسال - چون سمپاد اعزام نموده - به پای برنز سال‌های آینده که نمی‌رسد، هیچ، به پای طلای کشوری این المپیاد که باشگاه برگزار کند هم نمی‌رسد. رئیس سمپاد در اعتراض به این نحوه نگاه کردن، دو مطلب را مطرح نمود: اول این که اگر المپیاد را قبول دارید - که قبول دارید چون داوطلب شرکت هستید - مدال جهانی که شاخ و دم و نوع مرغوب و نامرغوب ندارد. اما ایراد اصلی به «نگاه باشگاه»

است که خودش از بین حدود ۲۰۰ دانش آموز به مرحله کشوری راه یافته، ۳۶ طلای کشوری را در سال ۸۲ برای سال ۸۳ انتخاب نموده که ۳۵ نفر آنها سمپادی بوده‌اند و در سال ۸۳ یکنفر غیر سمپادی عضو تیمهای پنج‌گانه ملی المپیادهای دانش آموزی نبوده‌اند. چطور این ۵ تیم، ملی هستند، ولی تیم «نجوم» که سمپاد از بین داوطلبان مراکز خود که عملاً برگزیدگان کشور هستند، انتخاب نموده، ملی و مورد تأیید «کمیته المپیاد فیزیک باشگاه» نیستند. حرف حساب جواب نداشت و هیئت امناء قانع شدند. باشگاه هم عقب‌نشینی کرد. چون مدال جهانی خودش را برای سالهای بعد باید زیر سؤال می‌برد. بخصوص که در درخواست سمپاد، طلای کشوری هم در نظر گرفته نشده و همان آزمونهای جهانی مبنای درخواست بود.

○ آخرین مصوبه هم که قرار شد «باشگاه» و «سمپاد» مشترکاً متنی در مورد آن تهیه کنند تا از طریق وزارتخانه به مدارس سراسر کشور ابلاغ شود این بود که «مدارس تابع وزارت آموزش و پرورش از برگزاری هرگونه آزمون مرتبط به المپیادها و تیزهوشان از سوی مراکز غیر انتفاعی خودداری کنند». اگر با ما هم مشورتی شود حدود همین متن را پیشنهاد می‌کنیم.

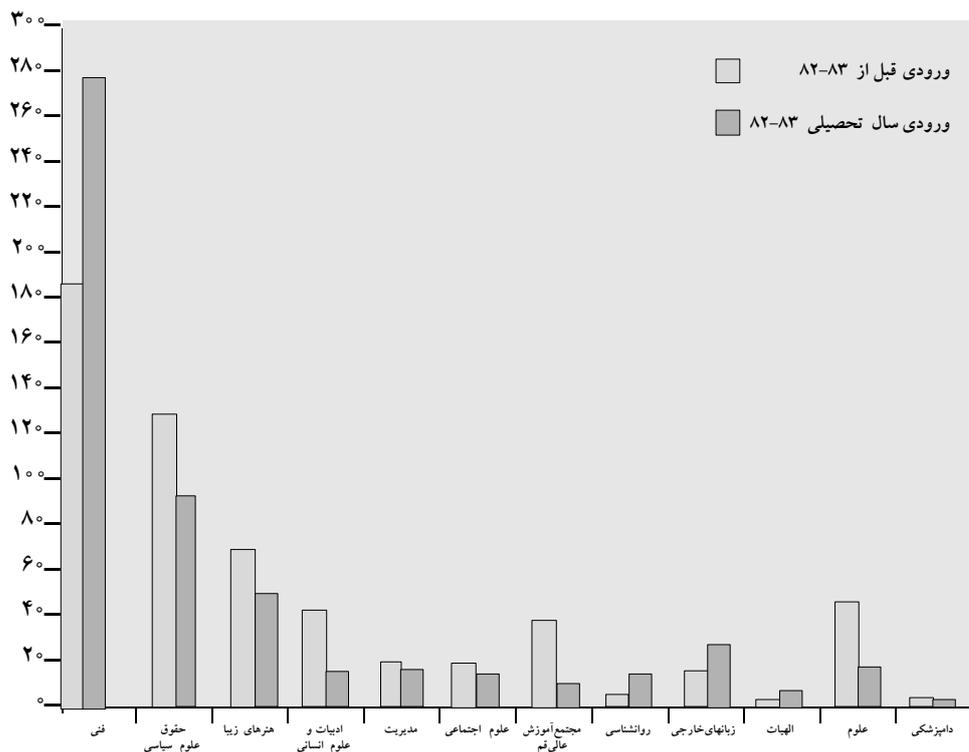
بیست و ششمین جلسه هیئت امناء سمپاد

بیست و ششمین جلسه هیئت امناء سمپاد با حضور وزیر محترم آموزش و پرورش، رئیس هیئت امناء و سایر اعضا در تاریخ دوشنبه ۱۳۸۳/۱۲/۱۰ در دفتر وزیر تشکیل گردید. در این جلسه ابتدا گزارشی از «طرح بانک جامع اطلاعات سمپاد» توسط مسئول خدمات ماشینی سمپاد، آقای مهندس صدیق ارائه شد. سپس توسط ریاست سمپاد عملکرد این سازمان در ارتباط با مصوبات هیئت امناء از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۲، شاخص‌ها و مقایسه وضع موجود و مطلوب سمپاد، طرح ملی حمایت از پژوهشهای دانش آموزی، برنامه‌های ارزشی و تربیتی سمپاد و حیطه‌های مربوط به چشم‌انداز بیست‌ساله، مطرح و مصوبات پیشنهادی با اصلاحاتی به تصویب هیئت امناء رسید. در این جلسه هیئت‌امناء:

- ۱- با توجه به درگذشت آقای مهندس علاقه‌مندان عضو هیئت امناء سمپاد، آقای مهندس نوید ادهم به جای ایشان تعیین شد.
- ۲- نظر به استعفای آقای زرهانی از کمیته انضباطی سمپاد به علت اشتغالات، به جای ایشان آقای دکتر علی فتحی آشتیانی منصوب گردید.
- ۳- هیئت امناء پس از بحث و بررسی، آقای دکتر جواد اژه‌ای را برای یک دوره چهار ساله دیگر به ریاست سمپاد برگزید.

آمار دانشجویان استعداد‌های درخشان دانشگاه تهران

براساس مصوبه «شورای هدایت استعداد‌های درخشان» چنانچه ورودی‌های کنکور سراسری بالاتر از ۲/۵ انحراف معیار کل داوطلبان گروه آزمایشی خود، امتیاز کسب کنند، به عنوان «دانشجوی استعداد درخشان» به دانشگاه‌ها معرفی می‌گردند تا از تسهیلات آموزشی و پژوهشی ویژه برخوردار شوند. تا سال تحصیلی ۸۳-۸۲، جمعاً ۱۱۳۴ دانشجوی استعداد‌های درخشان، براساس این مصوبه «دانشگاه تهران» را به عنوان دانشگاه برتر انتخاب نموده‌اند که در ۱۲ گروه «فنی»، «حقوق و علوم سیاسی» «هنرهای زیبا»، «ادبیات و علوم انسانی»، «مدیریت»، «علوم اجتماعی»، «مجمع آموزش عالی قم»، «روانشناسی و علوم تربیتی»، «الهیات و معارف اسلامی»، «زبانهای خارجی»، «علوم» و «دامپزشکی»، شاغل به تحصیل می‌باشند. نکته قابل توجه، تغییرات در رویکرد این دانشجویان به رشته‌های مختلف در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ و قبل از آن می‌باشد که در نمودار مشخص شده است.



نمودار دانشجویان استعداد‌های درخشان دانشگاه تهران به تفکیک ورودی‌های ۸۳-۱۳۸۲ و قبل از آن

مرگ گاهی ریحان می‌چیند...

متأسفانه با خبر شدیم دو تن از عزیزان سمپادی، خانم سحر قهرمانی (فارغ‌التحصیل سال ۸۰ مرکز فرزندگان تهران و دانشجوی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی) و آقای امین تدرلو (دانش آموز سال اول دبیرستان شهیدسلطانی کرج) بر اثر سانحه به دیار باقی شتافته‌اند. برای ایشان طلب مغفرت نموده و برای بازماندگان و خانواده‌های محترم آنها از درگاه الهی صبر جمیل مسئلت می‌نماییم.

جلسات شورای هدایت استعداد‌های درخشان در آموزش عالی کشور

جلسات سی و نهم و چهلم در ۸۳/۱۰/۲۳ و ۸۳/۱۱/۲۸ در دفتر وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری و با حضور اعضاء شورا تشکیل گردید. در جلسه سی و نهم (۸۳/۱۰/۲۳): ۱. پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش برای «ادامه تحصیل دانش‌آموزان ممتاز کار دانش»، ۲. پیشنهاد «چگونگی ادامه تحصیل دانشجویان ممتاز دوره کاردانی» و ۳. «دستورالعمل گذراندن درسهای مکمل برای دانشجویان دارای استعداد درخشان در دوره کارشناسی ارشد» مورد بحث قرار گرفته و موارد اول و دوم به تصویب نهایی رسید و ادامه بحث دستور سوم به جلسه ۱۳۸۳/۱۱/۲۸ موکول گردید.

در چهلمین جلسه این شورا: ۱. پیشنهاد «بهره‌مندی از کلاسهای آموزش عالی آزاد برای دانشجویان دارای استعداد‌های درخشان» ۲. پیشنهاد «ارائه تسهیلات ادامه تحصیل برای دانش‌آموختگان رتبه اول دوره کاردانی» ۳. «آئین‌نامه گذراندن درسهای اضافی برای دانشجویان دارای استعداد‌های درخشان در دوره کارشناسی ارشد» ۴. بررسی پیشنهاد وزارت کار درباره «المپیاد ملی و جهانی مهارت» مورد بحث و بررسی قرار گرفت و کلیه بندها با تغییرات و اصلاحاتی به تصویب رسید. متأسفانه چون مصوبات جلسه سی و نهم هنوز رسماً اعلام نگردیده بود، از درج کامل آن در این شماره معذوریم.

چهارمین کنگره قرآنی سال اولیها

رضا گلشن مهرجردی

در ایام مبارک بیست و ششمین دهه فجر انقلاب اسلامی، (۱۳ الی ۱۵ بهمن ۱۳۸۳)، ستاد مرکزی سازمان برای چهارمین بار افتخار میزبانی جمع عزیز و دوست داشتنی قرآنی‌های سال اولی سمپادی را به دست آورد. ۱۱۰ دانش‌آموزی شرکت‌کننده در چهارمین کنگره قرآنی سال اولی‌ها، نمایندگان

برگزیده بیش از ۳۵۰۰ دانش آموز بودند که در مراحل مقدماتی کنگره به رقابت پرداختند (و این، یعنی اینکه حدود ۶۰٪ دانش آموزان سال اولی سمپاد در مراحل مقدماتی کنگره قرآنی مربوط به خود شرکت می‌کنند). مانند سه دوره گذشته، محل برگزاری کنگره، پژوهشگاه شهید بهشتی سمپاد بود و نمایندگان استانی و مدیران مراکز آموزشی سمپاد نیز دوستان سال اولی را همراهی می‌کردند.

مدت برگزاری کنگره امسال به سه روز افزایش یافته بود که موجب ایجاد تنوع هرچه بیشتر در برنامه‌ها گردید. پس از مراسم افتتاحیه (مشمول بر سخنرانی جناب آقای دکتر اژه‌ای مشاور فرهنگی رئیس جمهور و رئیس سازمان، اجرای سرود و نیز اجرای یک نمایش دیدنی از سوی دانش آموزان مرکز راهنمایی فرزندگان تهران)، سال اولی‌ها عصر روز اول کنگره را به دیدار از دو مجموعه دیدنی و عبرت آموز سپری کردند؛ مشاهده سادگی و بی‌پیرایگی منزل و حسینیه احیاکننده قرآن کریم در جهان معاصر، حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) در کنار زرق و برق کاخ و پناهگاه شاه منفور پهلوی، شیرینی ایام فجر انقلاب را در کام بچه‌ها دو چندان کرده بود. شب اول کنگره را سال اولی‌ها به حضور در جلسه توجیهی و نیز جمع‌خوانی متن داستان «طالوت و جالوت» در قرآن کریم و برخی از تفاسیر کهن و معاصر سپری کردند و سپس، با انتخاب قرعه موضوع، بخشی از این داستان را بازنویسی نمودند. (برخی از سال اولی‌ها حتی پس از نیمه شب نیز با حوصله و اصراری عجیب به این کار ادامه می‌دادند!) صبح روز دوم، زمان به دست گرفتن قلم مو و تصویر کردن صحنه‌هایی از داستان طالوت و جالوت بود. و باز هم همچون سال‌های گذشته مجموعه‌ای دیدنی و ارزشمند از آثار نقاشی سال اولی‌های قرآنی سمپاد از این روز به یادگار مانده است. عصر آن روز را سال اولی‌ها در تالار کامپیوتر مدارس علامه حلی (۱) و فرزندگان تهران، به فراگیری روش تولید صفحات قابل انتشار web پرداختند تا داستان نوشته و نقاشی رسم شده خود را بر روی رایانه‌ها، به شکل صفحات تارنما (front page) تلفیق و ماندگار کنند. این تجربه جدید که برای اولین بار در کنگره اجرا شد، با استقبال بسیار خوبی مواجه گشت.

صبح روز سوم، به دو بازدید «آموزنده» و «سرگرم‌کننده» اختصاص یافته بود. دیدار از مجموعه آزمایشگاه‌های مشاهده‌ای علوم مؤسسه عترت (تجربه‌ای فراموش نشدنی از نشستن پای صحبت و درس یکی از دانش‌آموختگان قدیمی و اسطوره‌ای (!) سمپاد، جناب آقای فریبور و دوستان و همکاران ایشان) و نیز بازدید از یکی از مدارس حفظ یکساله قرآن کریم و آشنایی با تعدادی از حافظان کل نوجوان و جوان فعال در این مرکز.

عصر روز سوم، مراسم اختتامیه کنگره چهارم در تالار اجتماعات پژوهشگاه شهید بهشتی سمپاد برگزار شد. همانند سال گذشته، در قسمتی از این مراسم به تقدیر از برگزیدگان دومین دوره طرح

حمایت از پروژه‌های دانش آموزی سمپاد اختصاص داشت. غیبت جناب آقای دکتر اژه‌ای که به دلیل کسالت شدید نتوانستند در مراسم حضور یابند، موجب ناراحتی بچه‌های سال اولی‌ها شد. اما سخنرانی پرشور و غیرقابل روایت (!) جناب آقای ناصرزاده توانست جمع را سر حال بیاورد. همچنین سرکار خانم منظم، معاون امور آموزشی و تربیتی سمپاد به نیابت از جناب آقای دکتر اژه‌ای سخنرانی مراسم اختتامیه را تقبل نمودند.

ارائه کار مختصر تعدادی از برگزیدگان پروژه‌های دانش آموزی پایان بخش مراسم اختتامیه بود. سپس شرکت‌کنندگان از نمایشگاه نقاشی‌های دانش آموزی و نیز نمایشگاه پروژه‌های برگزیده دانش آموزی بازدید کردند.

اسامی دانش آموزان شرکت‌کننده در چهارمین کنگره قرآنی سال اولی‌ها به شرح زیر است:

شهر	مرکز	پسرانه	دخترانه
سبزوار		سعید سیاوشی	مریم نیکو
سمنان		سیف‌اله دادخواه	شکوفه عبد‌اللهی
ستندج		مبین اسدی	مریم رحمانی
سیرجان		رضا نورمندی پور	فاطمه یزده زاده رحمت‌آبادی
شاهرود		سامان محمدی	فاطمه سادات حسینی نژاد
شهرری		سعید شفیعی	هدی معمار
شهرکرد		محمد محمودی	فاطمه شریعی مانده کوهیان‌افضل
شهریار		امین غلامی	ویدا پاشایی
شیراز		حسین نوائیان	ستاره شیخی
قائم‌شهر		حسین کردفیروزجانی	ظاهر مهدبین مهسا رضایی
قزوین		محمد رضا شهبازی	عطیه نظری اصل
قم		حسین اسفندیاری	عاطفه ایرانی
کاشان		محمد حسن بارفروش	زهره سادات هاشمیان رقی
کرج		محمد حسین اویسی	فائزه ساعی دهقان
کرمان		بهداد مرسل پور	رکسانا زراعتی
کرمانشاه		محمد جواد شمسی	فاطمه فرزایی
گرگان		علی حیدری گرجی	فائزه وردان
گنبد کاووس		صوفی عبدالرؤف	الهام حاجی‌زاده
لارستان		عبدالکریم حامدپور	فاطمه قوامی
مراغه		مرتضی دوست آذر	فرشته آذری نام
مشهد		سید محمد رضا غفاریان سید حسین مرکبی	ملیحه نادری
نیشابور		سجاد سپهدوست	فروغ اردمه
همدان		امیر محمد زمانی	محدثه یداللهی
یاسوج		امین رحیم‌پور	فاطمه صادقی
یزد		سید محمد حامد سادات حسینی محمد حسین غورشدنام	سعیده ابراهیمی

شهر	مرکز	پسرانه	دخترانه
آبادان		علیرضا گرامی	فریماه خسروی
اراک		محمد رضا غفوری	فاطمه کوهساری
اردبیل		احسان یوسفی آذری	صدف غفاری
ارومیه		حامد درخشانی	هائیه غلامی
اسلامشهر		مهران امن‌زاده	سعیده اکبری
اصفهان		سجاد جلالی محمد حسین وکیل اسداللهی	مریم عشاتی حوریه ورد
آمل		حسن رخش خورشید	آذین منتظر حجت سودابه خسروی
اهواز		سعید غفوری هادی خنیفر	شکوفه رئیسیان
ایلام		محمد امین درویشی	سارا صفری پور
بابل		محمد قاسمیان	زهره خداپنده امیری
بجنورد		محمد رضا گریبانی	مظهره قادری آب بخش مظهره وطن‌خواه
بروجرد		علی علی بخش	زهره اکبری
بندرعباس		ستار پارسائیان	سیده نازنین موسوی
بوشهر		عبد الحمید زاهدی	لادن سالارپور
بیرجند		ابوالفضل تقریبی	ناهید کریمی
تبریز		امیر احسان طبیبی	کوثر مظفری
تهران (۱)		بهنام پورناسی نجف‌آبادی	الهام باغستانی
تهران (۲)		سعید آقامیری	
خرم‌آباد		علی اسدی	محیا کاکولوند
دزفول		سید داود آذرشب	هائیه فتحی
رشت		رضا پارسا	سیده اکرم امین صالحی
رفسنجان			الهه زینلی
زاهدان		یاسین کیانی	فاطمه سمیعی
زنجان		احمد محمودی	طیبه ایزدی
ساری		بهنام قربانی	سید آرزو تقوی مانده انیسی

■ در حاشیه

□ به همت شبانه‌روزی تعدادی از برادران اجرایی، یک لوح فشرده از تمام صفحات web، تاریخچه ۱۳ دوره کنگره‌ی سراسری قرآن کریم سمپاد و ۴ دوره کنگره سال اولی‌ها، ... برای تمام شرکت‌کنندگان کنگره آماده شد.

□ نمایشگاه نقاشی‌های سال اولی‌ها بسیار دیدنی بود. فکرش را هم نمی‌شد کرد که از موضوع‌هایی به آن عجیب و غریبی، نقاشی‌هایی به این جالبی دربیاید! (توضیح: این نقاشی‌ها هنوز هم روی دیوارهای راهروی تربیتی ساختمان شهید بهشتی هستند. می‌توانید بیایید و ببینید!)

□ عکس‌العمل دختران شرکت‌کننده در مواجهه با ساختمان مرکز راهنمایی فرزنانگان - که بزرگترین مرکز تهران است! - خیلی دیدنی بود: «وای، اینجا چه قدر کوچیکه! مدرسه ما چند برابر اینجاست!!»

دومین دوره طرح حمایت از پروژه‌های دانش‌آموزی سمپاد

رضا گلشن مهرجودی

دومین دوره طرح حمایت از پروژه‌های دانش‌آموزی سمپاد، بهمن ماه سال جاری به مرحله نهایی رسید و پروژه‌های «برگزیده» و «قابل تقدیر» کشوری در رشته‌های دهگانه علمی به تفکیک دو مقطع «راهنمایی» و «دبیرستان» به شرح جدول زیر است.

امسال جمعاً ۶۷۲ پروژه به دبیرخانه طرح ارسال شده بود که از این تعداد، ۵۷۰ طرح پس از تکمیل مدارک و مستندات مربوط به گروه‌های داوری ارجاع شد. براین اساس، تعداد طرح‌های داوری شده دوره دوم نسبت به سال قبل ۱۴۶٪ رشد داشته است.

گروه علمی	سطح	مقطع راهنمایی تحصیلی	مقطع دبیرستان و پیش‌دانشگاهی
ریاضیات	برگزیده	—	مقاله‌های نوین ریاضیات (شهیدهاشمی‌نژاد مشهد)
	قابل تقدیر	ابداع و تولید فرمول بدست‌آوردن عدد اول (شهیدرجایی اسلامشهر) تحقیق دربارهٔ فیثاغورث و قضیه معروف آن (فرزانگان شیراز) واقع شدن اعداد حقیقی بر روی یک دایره (شهیدهاشمی‌نژاد مشهد)	هندسه فراکتالی (فرزانگان امل) تفحصی در مکعب روبیک (شهیدبهشتی بوشهر) بررسی هندسی طاق و قوسهای حمام چهار فصل اراک (فرزانگان اراک)
فیزیک	برگزیده	اندازه‌گیری کشش سطحی مایعات (فرزانگان تبریز)	محاسبه‌گر رایانه‌ای نیروی اصطکاک در سطوح شیب‌دار (شهیدآژه‌ای اصفهان)
	قابل تقدیر	آب شیرین کن خورشیدی (فرزانگان شیراز) پروژکتور (فرزانگان مراغه)	تف‌سنج نوری (فرزانگان ایلام) قتر مغناطیسی (فرزانگان تهران) بررسی رفتار دسته‌جمعی ذرات باردار از هم به روش شبیه‌سازی مونت کارلو (فرزانگان زنجان)

گروه علمی	سطح	مقطع راهنمایی تحصیلی	مقطع دبیرستان و پیش‌دانشگاهی
شیمی	برگزیده	تولید فرآورده‌های بهداشتی، آرایشی و دارویی (فرزانگان تهران)	کاهش pH از SO ₂ هوای شهر قم (شهید قدوسی قم)
	قابل تقدیر	ساخت وسیله اسیدسنج (فرزانگان بوشهر) صابون سحرآمیز (فرزانگان تهران) گریس (فرزانگان تهران)	دستگاه غلظت سنج به روش فتومتر (شهید دستغیب شیراز) بقای ماده (شهید بهشتی شاهرود)
زیست‌شناسی	برگزیده	—	اندازه‌گیری Minimal Residual در بیماران مبتلا به لوسمی میلوئیدی مزمن (شهید هاشمی نژاد مشهد) ادراک آنی و سنجش زمان عکس‌العمل (فرزانگان تبریز)
	قابل تقدیر	اتوماسیون تکثیر و پرورش گیاهان (شهید قدوسی قم) امگا ۳ (فرزانگان شیراز) ساخت مولاژ مغز (فرزانگان امین‌اصفهان)	بررسی اثر ضد باکتری عصارة الکلی (فرزانگان اراک) مبارزه بیولوژیک با سوسک برنج (فرزانگان اراک) تصفیه زیستی زغال سنگ (علامه حلی تهران)
برق و الکترونیک	برگزیده	—	شبیه‌سازی الکترونیکی گل آفتاب‌گردان (فرزانگان زنجان) روبات آتش نشان (علامه حلی تهران)
	قابل تقدیر	روبات فوتبالیست (شهید زه‌ای اصفهان)	غلظت سنج محلولهای رنگی (شهید سلطانی کرج) روبات کاوشگر (علامه حلی تهران)
نرم‌افزار	برگزیده	—	نرم‌افزار نمودار ریاضیات ۴ (شهید بهشتی امل)
	قابل تقدیر	طراحی و ساخت بازی کامپیوتری Flash (شهید بهشتی اهواز)	Real Studio Max (شهید صدوقی یزد) نرم‌افزار آموزش هندسه سال سوم راهنمایی (شهید بهشتی بجنورد) بازشناسی بارکد (علامه حلی تهران)
مکانیک	قابل تقدیر	دستگاه زعفران پاک‌کن (فرزانگان تبریز)	هاورکرافت (Hovercraft) (فرزانگان اسلامشهر) روبات شیشه پاک‌کن (فرزانگان تهران) زیر دریایی آب شیرین‌یاب (شهید قدوسی قم)
زبان و ادبیات فارسی	برگزیده	نگاهی به واژگان برگزیده فرهنگستان (علامه حلی ۱ تهران)	نگاهی به زندگی و آثار جلال آل احمد (علامه حلی همدان) بررسی زندگی و آثار غلامحسین ساعدی (علامه حلی همدان)
	قابل تقدیر	بررسی تمزیه و نقش آن در ادبیات نمایشی ایران (فرزانگان اراک) اولین برف زمستان (داستان کوتاه) (فرزانگان بروجرد)	ماهی گلی بهار رو دید (مجموعه شعر) (فرزانگان بوشهر) بررسی واژگان داستانی برهان قاطع (علامه حلی تهران)
علوم اسلامی	برگزیده	توشه‌ای از کلام وحی (فرزانگان نیشابور)	ادیان، جوانان و باور به منجی (فرزانگان شهریار) حضرت مهدی (عج) (شهید بهشتی خرم‌آباد) ابلیس (فرزانگان کرمان) حیات پس از مرگ (معاد) (فرزانگان نیشابور)
	قابل تقدیر	—	مستند کویر (منطقه پناهگاه حیات وحش شیر احمد سبزوار) (شهید بهشتی سبزوار)
علوم اجتماعی	برگزیده	معرفی بروجرد (شهر فرزانگان) (شهید بهشتی بروجرد) بررسی میزان علاقه‌مندی دانش‌آموزان دوره راهنمایی نسبت به نوشتن چای (فرزانگان اهواز) عصر صفویه (فرزانگان تهران)	بررسی هنر تذهیب (فرزانگان کاشان) بررسی میزان تأثیر موسیقی بر یادگیری (فرزانگان بروجرد) مرجع کامل جغرافیایی استان سیستان و بلوچستان (شهید بهشتی زاهدان)
	قابل تقدیر	—	—

اولین کارسوق ملی عصب‌شناسی سمپاد

اولین کارسوق ملی عصب‌شناسی سمپاد، روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه، ۱۲ الی ۱۴

اسفندماه در محل پژوهشگاه شهید بهشتی سمپاد برگزار شد. آزمون ورودی این کارسوق روز ۸ بهمن ماه با حضور بیش از ۳۵۰۰ نفر بصورت همزمان در مراکز آموزشی سمپاد سراسر کشور برگزار شده بود. از این تعداد، ۱۰۰ دانش آموز برگزیده به کارسوق دعوت شدند. نتایج درخشان شهرستانی ها در این آزمون که به شیوه‌ای خاص و کم سابقه برگزار شد، نشان دهنده توان بسیار بالای دانش آموزان مراکز سمپاد سراسر کشور در زمینه‌های مختلف علمی است.

در روز نخست کارسوق، آقای دکتر استکی (رئیس پژوهشکده علوم شناختی مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات) در جمع دانش آموزان شرکت کننده به سخنرانی پرداختند. ایشان که از محققان و دانشمندان شناخته شده در زمینه علوم شناختی در کشور هستند، از میزان فراگیری شنوندگان صحبت خود و نیز از سؤالات و پیشنهادهای زیرکانه بچه‌ها به وجد آمده بودند و بارها زبان به تحسین دانش آموزان حاضر گشودند.

در ادامه برنامه‌های کارسوق، آقایان آرش افراز، بکتاش بابادی، محمدامین خوش لسان، محسن عمرانی و آرمین لک به سخنرانی پرداختند.

همراه با مراکز سمپاد

- اراک: مرکز فرزندگان / برنامه سالانه مرکز - سال تحصیلی ۸۴ - ۸۳
- اهواز: مرکز فرزندگان / گزارش هفته کتاب - آبان ۸۳
- تبریز: مرکز شهیدمدنی / گزارش اولین دوره آموزشی ویژه مدیران و معاونین مراکز استان آذربایجان شرقی - بهمن ۸۳
- خرم‌آباد: مرکز فرزندگان / نشریه واحد مشاوره دبیرستان
- ساری: مرکز فرزندگان / گزارش همایش شاعران جوان - آبان ۸۳
- شهیدبهشتی / برنامه آموزشی سالانه مرکز - آبان ۸۳
- سمنان: مرکز شهیدبهشتی / فراخوان مقاله جهت سمینار شیمی و فیزیک - دی ماه ۸۳
- گزارش عملکرد مرکز جهت ارتباط با دانشگاه سمنان - مهر ۸۳
- گزارش فعالیت‌های مرکز در ماه مبارک رمضان - مهر ۸۳
- جلسه توجیهی دانش آموزان پیش‌دانشگاهی در رابطه با کنکور - آبان ۸۳
- برگزاری جلسه پرسش و پاسخ جوان - آبان ۸۳
- برنامه سالانه - سال تحصیلی ۸۴ - ۸۳
- شهریار: مرکز فرزندگان / گزارش اولین همایش فیزیک مرکز - آذر ۸۳

- شیراز: مرکز شهید دستغیب / نمودارها و معادلات Trend Line در قرآن - تحقیق توسط آقای بهشتی، دبیر شیمی مرکز.
- قزوین: مرکز فرزندگان / ویژه نامه افتخارات مرکز - سال تحصیلی ۸۳ - ۸۲ / گزارش عملکرد سالانه - سال ۸۴ - ۸۳
- کاشان: مرکز فرزندگان / برنامه سالانه - شهریور ۸۳
- کرمانشاه: مرکز شهید بهشتی / برگزاری آزمون هماهنگ درس دبیرستان - آبان ۸۳
- یزد: نمایندگی استان / گزارشی از عملکرد پژوهشگاه آیت اله خاتمی، اقدامات و فعالیت های صورت گرفته در مراکز - ۸۳ - ۸۲

نشریات مراکز

- برای فردا، سال چهارم، شماره ۴۸ و ۴۹ (آبان و آذر ۸۳) / دبیرستان علامه حلی تهران.
- پنجه ضمیمه فرهنگی خبرنگار برای فردا، شماره ۲۰ (آبان ماه ۸۳) / دبیرستان علامه حلی تهران.
- ریاضیات پویا، شماره چهارم (پاییز ۸۳) / فرزندگان زنجان.
- کادوسه (مجله زیست شناسی)، شماره ۱ (زمستان ۸۳) / فرزندگان شهریار.
- نماد پژوهش، سال دوم، شماره ۹ و ۱۰ (آذر و دی ماه ۸۳) / شهید قدوسی قم.

○

○

○

نامه‌های رسیده

به نام خدا

جناب آقای جواد اژه‌ای

ضمن عرض سلام و ادب؛ اینجانب مادر چهار فرزندم که سه نفر از آنها در مراکز «سمپاد» درس خوانده و یا می‌خوانند، از زحمات بی‌دریغ و نیت خیر شما بسیار متشکرم، اما تمایل داشتم جسارتاً مطالبی را که به ذهنم می‌رسید خدمت جنابعالی عرض نمایم. فصلنامه شماره ۵۱ سمپاد را می‌خواندم. مصاحبه جنابعالی را مطالعه کردم، اما هیچ‌جا صحبتی از اخلاق و تواضع برای بچه‌های سمپاد و یا المپیادها، که اکثراً فارغ‌التحصیل همین مراکز هستند ندیدم.

خدایا مرزد پدر حاج آقا [رهبر انقلاب] را که در دیدار با نخبگان آنها را به این امور توصیه نموده‌اند. آقای اژه‌ای! جو تکبر، جو اعتماد به نفس کاذب، حسادت و به نظر اینجانب بی‌دینی روز به روز در این بچه‌ها و المپیادها تشدید می‌شود. می‌گویم بی‌دینی، چون دین را انسانیت و عدالت و آزادی می‌دانم، نه تنها حفظ ظواهر. دین یعنی اخلاق و اخلاق یعنی تواضع، فروتنی، مردم‌داری، یعنی حق دیگران را بر حق خود ترجیح دادن، یعنی سازگاری (نه سازش کاری) یعنی خودشناسی و یعنی خداشناسی:

شرف نفس به جود است و کرامت به سجود هر که این هر دو ندارد عدمش به ز وجود
ببخشید که برای شما بالای منبر رفتم. قصد جسارت ندارم و به خاطر تلاش و کوشش بی‌دریغ شما،
ارادتمندان هستم.

جناب آقای اژه‌ای، هیچوقت فارغ‌التحصیلان مراکز سمپاد را در دانشگاه تعقیب کرده‌اید و میزان بهداشت روانی آنها را بررسی کرده‌اید (می‌دانم که آمار دارید که کجا هستند و چه می‌خوانند)؟
آقای اژه‌ای، عالم بی‌معرفت و بدون تواضع، حداقل در فرهنگ ما پذیرفتنی نیست، بچه‌هایی که شما نخبه می‌گوییدشان از دو جزء عزت نفس که یکی احترام به خود است و دومی احترام به دیگران فقط جزء اول را خوب یاد گرفته‌اند. سایر هم‌کلاسیهای خود را تحقیر می‌کنند، سعی در گرفتن اعتماد به نفس آنها دارند ولی نمی‌دانند که این خود نشان‌دهنده ضعف علمی و روانی و رفتاری آنها است. در جنبه‌های عبادی نیز که اکثراً صفرند، آخر شنیده‌اند که می‌توانند!! سلول راکت دست دهند، اما به دلیل بی‌تواضعی و خودپرستی از پرستش خالق سلول دور مانده‌اند.

جناب آقای اژه‌ای، فرزند سوم اینجانب می‌گوید اگر سر جلسه امتحان یکی از بچه‌ها مداد بخواهد، سایر بچه‌ها به او مداد نمی‌دهند چون می‌خواهند امتحان خودشان بهتر شود. از حالا (راهنمایی) تست می‌زنند و از هم پنهان می‌کنند و ده‌ها مورد دیگر اینها را با ناراحتی ابراز می‌کند و گاه می‌گوید: مادر، چرا شما ما را اینقدر ساده تربیت کرده‌اید که نمی‌توانیم مثل این بچه‌ها باشیم؟ به او می‌گویم: «النَّجاةُ فِی الصُّدُقِ». این کارها کار انسانهای بی‌دین و بی‌اخلاق است. شما به راحت ادامه بده انشاءالله موفق هستی.

به او گفته‌ام که دانش آموزی که فقط درس می‌خواند یک بعدی است. او مانند ماشین است که تنها این وظیفه را دارد. انسان ماشین نیست و در یک جامعه انسانی باید اطلاعاتی از اجتماع و سیاست داشته باشد. به او گفتم که نخبه یک بعدی و بدون اخلاق، لقمه چربی برای استثمارگران است، به او می‌گویم زیربنای علم و هنر، اخلاق است.

به هر جهت در پایان با عذرخواهی مجدد از شما تقاضا دارم به لحاظ داشتن فکر راهبردی و کارگشایی که دارید، بیش از اینها جهت داشتن بهداشت روانی سالم در مراکز سمپاد فعالیت نمایید (ایران به فرزندان صادق، بصیر، شجاع و خلاق نیازمند است). اگرچه بنیان این بهداشت در خانواده و جامعه ریخته می‌شود، که این خود مستلزم عدالت اقتصادی، اجتماعی و... است، اما تلاشهای سازمان نیز بسیار مثمر‌تر است.

موفق باشید
والسلام

استعدادهای درخشان: با تشکر از تذکرات این مادر سمپادی، باید به عرض ایشان برسانم، در طول سالها که در جمع دانش‌آموزان، اولیاء و مربیان حضور یافته‌ام، یا در مقدمه‌های مجله و پاسخ به پرسشهای شما این نکته را یادآور شده‌ام که «عزت نفس (حرمت خود) چیزی باارزش، ولی

خودخواهی و تکبر منفور است. اما منفور بودن خودخواهی، حسادت و تکبر و وجود آن در تعدادی از دانش‌آموزان، قابل تعمیم به عده زیادی از این عزیزان که ویژگی‌های خلقی بسیار بالایی دارند، نیست. درست برعکس نظر شما، آنچه مرا به ادامه راه ترغیب می‌کند، وجود گوه‌های ارزشی، فروتن و خدا‌باور است که حداقل در کلیه برنامه‌های ستادی و فوق‌برنامه‌های سمپاد ما را یاری‌رسان هستند. اما با شما هم‌رأی هستم که اخلاق کم بها شده است؛ این بیماری عمومی آموزش عمومی کشور است و باید چاره‌ای بنیادین برای این کمبود اندیشید.

به نام خدا

ریاست محترم فرزنانگان [!!] کشور

جناب آقای دکتر آژه‌ای

با سلام و احترام، این جانب «هستی سرداری»، فرزند لیاقت علی سرداری دانش‌آموز کلاس اول راهنمایی فرزنانگان شهرکرد، دو پیشنهاد را خدمتتان تقدیم می‌کنم. امیدوارم که آنها را مورد توجه قرار دهید:

۱- لطفاً ورزش اسکی و شنا را در برنامه‌های ورزشی و مسابقات سمپاد قرار دهید.

۲- صفحه‌ای را در مجله سمپاد برای تبریکات ما مشخص فرمایید تا بتوانیم به دوستان خود تبریک بگوییم. برای مثال تبریک من را برای دوستم چاپ فرمایید. «خانم نیلوفر افسری دانش‌آموز فرزنانگان تهران. مدال طلای المپیاد نجوم کشوری و شرکت شما در المپیاد جهانی نجوم در اوکراین را تبریک می‌گوییم».

به امید موفقیت‌های بیشتر شما
هستی سرداری

بسمه تعالی

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت ریاست محترم سمپاد جناب آقای دکتر آژه‌ای
ما تعدادی از دانش‌آموزان دبیرستان ... نسبت به بعضی از مسائل موجود در این مرکز معترضیم. به طوری که مستحضر هستید اکثر دانش‌آموزانی که به شما نامه می‌نویسند شکایتشان از کمبود امکانات و نداشتن دبیران با تجربه و به طور کلی مربوط به بالابردن سطح معلومات بوده است.
متأسفانه نامه ما درباره مشکلات لاینحل این مرکز است که تمام دانش‌آموزان را به خود مشغول کرده است و اصلاً از درس خبری نیست. در این مرکز قبلاً بی‌انضباطی و بی‌نظمی بوده، ولی به این حد

نرسیده بود. از زمانی که مدیریت عوض شده، بی‌تجربگی و نالایق بودن مدیر و معاونان جدید آشکار شده و چنین احساس می‌کنند که گویا مالک مطلق این مرکز هستند و فکر می‌کنند هر تصمیمی بگیرند و هر کاری بکنند، مورد بازخواست قرار نخواهند گرفت. سطح علمی کلاسهای مرکز سمپاد ... به غیر از چند درس، غیرقابل استفاده است؛ بنابراین اکثر دانش‌آموزان رغبت چندانی برای حضور در کلاسهای مرکز از خود نشان نمی‌دهند و آن تعداد بچه‌هایی که از نظر مالی تأمین هستند، از کلاسهای بیرون مدرسه و دبیران مجرب استفاده می‌کنند. اکثر نمرات میانگین کلاس و مدرسه در سطح پایین است و حتی زیر ۱۴. از طرفی برخی معاونان برای ایجاد نظم، از کلمات توهین‌آمیز که در شأن این مرکز نمی‌باشد، استفاده می‌کنند.

آقای دکتر اژه‌ای باید با تأسف بگوییم که دانش‌آموزان این مرکز با بحران جدی روبرو شده‌اند. ما دانش‌آموزان، سرمایه‌های علمی این مملکت هستیم. وقتی از بعضی معاونان توهین و بی‌تربیتی می‌بینیم از مدرسه دلسرد می‌شویم. لذا تقاضا داریم هرچه زودتر جهت رسیدگی به این بحران با اعزام بازرس ما را یاری فرمایید و در خاتمه خواهشمندیم در صورت امکان پاسخ شما را در فصلنامه این سازمان مشاهده نماییم.

با احترام
تعدادی از دانش‌آموزان دبیرستان ...
۱۳۸۳/۱۲/۸

استعدادهای درخشان: مطالب شما نگران‌کننده است. در حد اختیارات ریاست سازمان، دستور پیگیری داده شد.

به نام تنها عادل دادگر

ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان - آقای دکتر اژه‌ای
با عرض سلام و خسته نباشید خدمت شما. من به عنوان یک دختر دانش‌آموز می‌خواهم با شما درود کنم. نمی‌دانم تا چه قدر جایز فریادهای برخواسته [برخاسته] از درونم را با کلماتی متین بیان کنم.

جناب دکتر اژه‌ای «پدر بزرگوار»، به خداوند سوگند می‌خورم تمام حرف‌هایم حقیقت است. حقیقت تلخی که با آن روبرو هستیم. نه برای چاپلوسی می‌گویم و نه قصد تعریف از شخص خاصی است.

من دانش‌آموز سال سوم دبیرستان فرزنانگان ... می‌باشم که حدود ۶ سال است که در این مرکز درس می‌خوانم. امسال باز هم شاهد تغییر مدیریت مرکز بودیم. هنوز سه ماه از سال جدید نگذشته که آنقدر

به تنگنا برخوردیم که چاره‌ای جز مکاتبه با شما نیافتیم. مرکز دیگر مثل سابق نیست. دیگر خبری از آن مرکز با آن همه نظم و انضباط که در همه شهرستان آوازه‌اش پیچیده بود نیست. امسال کسی از مسئولین مدرسه به نظم اهمیتی نمی‌دهد. اسلام و مسلمانی هم که در همان اولین صبحگاه مدرسه از یاد رفت. مدیریت چسبیده است به اینکه برای بچه‌ها کلاس المپیاد بگذارد. تمام هم و غم مرکز در ۱۵-۱۰ جلسه کلاس المپیاد خلاصه می‌شود که آنها هم با بی‌نظمی به هم می‌خورند.

در فضای آموزشی این مرکز هرکس هر لباسی بخواهد می‌پوشد، هرکس هر نواری، هر «سی‌دی» ای و هر مجله‌ای بخواهد در مدرسه می‌آورد. هرکس هر موقع دلش بخواهد سرکلاس حاضر می‌شود و دیگر کسی حرمت دبیران را نگه نمی‌دارد... ماتوها آنقدر کوتاه شده‌اند که دیگر به هیچ عنوان نمی‌توان نام «پوشش» بر آن گذاشت. دیگر خبری از نماز جماعت قبلی نیست. ساعت‌های نماز، خانم... (مدیر سابق) تنها در کنار سالن نماز می‌ایستند، اما نه معاونین و نه مدیر هیچکدام نیستند که باعث تشویق بچه‌ها به نماز خواندن باشند. سرویس‌ها دیر می‌آیند خلاصه هرکس هرکاری دلش بخواهد انجام می‌دهد...

کسی به فکر اُفت اخلاقی و ارزشی بچه‌ها نیست. نه مدیر و نه معاونینش از عهده‌ی برقراری نظم بر نمی‌آیند و دلیل چیزی نیست جز عدم وجود معیاری مناسب برای انتخاب آنها... من ۶ سال است در این مرکز درس می‌خوانم؛ یک سال با مدیریت خانم...، ۴ سال با مدیریت خانم... و امسال هم... مرکز به وضعیت قبل از مدیریت خانم... برگشته است. جای نظم و صداقت و یکرنگی را خودنمایی و ریا و بی‌نظمی گرفته است. دیگر گوش کسی به این حرف‌ها بدهکار نیست، اما همیشه زبانی پیدا می‌شود که حرف درست را بگوید. با چشمانم دیدم و با گوش‌هایم شنیدم معاونین به هم می‌گفتند: «راحتشان بگذارید، خود را به دردسر نیندازید. بچه‌ها نسبت به شما بدبین می‌شوند. به آنها تذکر ندهید و به آنها «گیر» ندهید».

خواهشی که از شما دارم: گوشه چشمی به شهرستان ما و بر مرکز ما بیندازید. یک بار هم که شده قلبتان برای شهرستانی در استان دور... بتپد. نمی‌دانم چرا مدیریت عوض شد و ایشان استعفا دادند، اما می‌دانم وضعیت اگر این چنین ادامه پیدا کند نامی از هیچ چیز باقی نمی‌ماند.

ص - ع. سال سوم دبیرستان

مرکز فرزندگان ...

استعدادهای درخشان: خبرهای تأییدکننده از بی‌توجهی به ارزش‌ها و فروغلتیدن در مسایل جنبی برای ما رسیده است. متأسفانه بیماری کم‌توجهی به ارزش‌ها در برخی از مراکز به مسابقه گذاشته شده است. کم‌تعهدی برخی از مدیران نیز بر این وضعیت دامن زده است و تنها کار ما شده است انعکاس فریاد شما با حذف شناسنامه مرکز شما.

بسمه تعالی

با عرض سلام خدمت استاد و پدر مهربان همه‌ی دانش آموزان سمپاد، جناب آقای دکتر اژه‌ای. تابستان امسال که برای شرکت در کنگره‌ی قرآنی سمپاد به تهران آمده بودم، یادم نمی‌رود دکمه‌ی آسانسور را که زدم و در باز شد، ناگهان با نگاه محبت‌آمیز شما مواجه شدم که هروقت یادم می‌آید، روحیه می‌گیرم. همچنان که صحبت‌های شما را در مجله‌ی سمپاد می‌خوانم، به آینده امیدوار می‌شوم. مطالب شما در شماره‌ی ۵۱ مجله‌ی سمپاد باعث شد مزاحم شما شوم و خدمتتان نامه بنویسم، آن جاکه فرموده بودید: «... اگر جوان احساس کند بی‌عدالتی هست - فرق نمی‌کند در کجا - بی‌عدالتی در امتحانات و دانشگاه یا بی‌عدالتی در عطف پدر و مادر نسبت به خودش، حتی در دورترین انتظارات هم اگر بی‌عدالتی احساس کند، اثر منفی رویش می‌گذارد (ص ۲۶۵) ... باید بی‌عدالتی‌ها، تبعیض‌ها و پارتی‌بازی‌هایی که هر زمان به هر شکلی در هر مجموعه‌ای به وجود می‌آید حذف شود (ص ۲۶۶) ...».

پدر مهربانم، در مدرسه‌ی ما از این بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها فراوان است. مدیر مدرسه برای دانش آموزانی که والدینشان به او سودی می‌رسانند، به هر طریق ممکن نمره می‌گیرد و از دانش آموزانی که خوشش نیاید به هر طریق سعی می‌کند که معدلشان پایین بیاید. من تمام دروس اصلی را روی برگه بدون ارفاق ۲۰ گرفته‌ام، حال می‌بینم دوستانم که نمراتشان از من پایین تر بوده، معدل آن‌ها از من بیشتر شده است. بدون هیچ بهانه‌ای نمره‌ی پرورشی مرا ۱۹/۵ رو کرده‌اند و وقتی که می‌پرسم، دلیل قانع‌کننده‌ای جواب نمی‌دهند. به هر حال مدیر مدرسه از من خوشش نمی‌آید و به هر طریق سعی می‌کند که به من لطمه بزند. فراموش نمی‌کنم تابستان که قرار شد در کنگره قرآنی تهران شرکت کنم مدیر مدرسه چقدر تلاش کردند که نگذارند من به تهران بیایم و حتی حاضر نبودند بلیط هواپیما برایم بگیرند. ولی جناب آقای ... سرپرست محترم سمپاد ... برای من بلیط تهیه کردند و به تهران آمدم. اکنون هم وقتی که به دفتر مدرسه رفتم و در مورد برنامه‌ی قرآنی امسال سمپاد سؤال کردم، برای این که روحیه‌ی مرا خراب کنند گفتند که «شما که دیگر امسال نمی‌روی، چرا سؤال می‌کنی؟»

خدا لطف کرده و فعلاً از نظر صوت قرآن در مدرسه رتبه‌ی اول را آورده‌ام. ولی نمی‌دانم آیا مدیر مدرسه می‌گذارد امسال در کنگره‌ی قرآنی سمپاد شرکت کنم یا نه. پدر مهربانم جناب آقای دکتر اژه‌ای، به هر حال ورودی راهنمایی من تمام شد، ولی عقده‌هایی که مدیر مدرسه در دل من ایجاد کرده همچنان باقی است. امیدوارم با عنایت شما آن‌چه بر سر من آمد بر سرکس دیگری نیاید.

با تشکر

دانش آموز مرکز راهنمایی فرزانهگان ...

امکانات یا نُست و مقام بر صدر نشیند و قدر ببند و یا دیگری بر اثر کمبودها، مورد تحقیر و بی‌مهری قرار گیرد که جدا از بُعد اخلاقی آن، از نظر قانونی نیز سوء استفاده از اختیاری است که به مدیر و همکاران او داده‌اند. من در یک مورد که شاهد چنین برخوردی بودم مدیری را همان‌روز عوض کردم ولی حالا متأسفانه وضع کمی فرق می‌کند.

بسمه تعالی

سلام پدرمهربان همه‌ی سمپادیها!

پدرجان در ابتدا خواهش‌مدم این نامه را بخوانید و به حرف‌های دل من گوش دهید. برای خودم هم انتخاب واژه‌ی «پدر» غریب بود، بنابر عادت نوشته‌ها نوشتم. ولی در شگفتم از پدری که از فرزندان کوچک خود که احتیاج به محبت و دلسوزی و پشتیبانی او دارند بی‌خبر است.

وقتی بچه بودم همیشه می‌گفتم مدرسه خانه‌ی دوم ماست و معلم و مدیر را مادر دوم خود می‌دانستم. نمی‌دانم چرا معلمان و مدیران سال اول دبستان برای همه ما بهترین، مهربانترین و دلسوزترین دبیرند؟ شاید به این دلیل است که همه فکر می‌کنند ما الان بزرگ شدیم و باید با ما مثل بزرگترها رفتار کرد. ولی چه کسی گفته که ما بزرگ شده‌ایم و آیا کسی که از مرز راهنمایی به دبیرستان گذشت، یکدفعه به بلوغ فکری می‌رسد؟ چه کسی از اول این قرار را گذاشته که نباید بزرگترها را درک کرد و باید با آنها با پرخاش برخورد کرد؟ آیا آنها احترام ندارند؟ آیا آنان به دلسوزی و محبت احتیاج ندارند؟ آیا هنوز مدرسه خانه‌ی دومی نیست که در آن آرامش فکری ما تأمین شود؟

اینجا ... است و من یکی از فرزنانگانیهای این کلان شهر دورافتاده و محروم از محبت و دلسوزی (حداقل از طرف مدیر آن، چون ما دبیران دلسوزی هم داریم) در این مدرسه مدیر به ما به دیده‌ی بچه نگاه نمی‌کند. به ما مانند آدم خلافکاری نگاه می‌کند که باید مدام تحقیرش کند و در مقابل او جبهه بگیرد و مدام او را تهدید به اخراج کند و یا پارتی‌هایش را به رخ او بکشد. در این مدرسه مدیر مدام به دنبال فرصتی است تا ما را محروم کند؛ شاید از کنفرانسی علمی و یا اردویی.

و دلیل این مخالفت‌ها تنها این است که ما می‌خواهیم فرزانه باشیم و خودمان را وسیله‌ی نقلیه تبدیل نکنیم. دلیل آن این است که ما حاضر نیستیم «مطالب درس فیزیک را فقط حفظ کنیم» و در جواب تأثیر فیزیک در زندگی بگوئیم فیزیک در ارتباطات و در حمل و نقل ... مفید است. آقای دکتر آیا شما و جامعه، از ما که دانش آموز ریاضی هستیم انتظار دارید به جای تحلیل و محاسبه، بلبل زبانی کنیم؟

در اوایل سال که مدرسه ما از لحاظ دبیر فیزیک مشکل داشت بارها با شما تماس گرفتیم و شما ما را راهنمایی کردید با آقای ... مطرح کنیم. به ایشان هم گفتیم، بارها اعتراض کردیم که این دبیر در نهایت اطمینان، مطالبی صد در صد نادرست از نظر علمی بیان می‌کنند. ولی هیچکس به حرف ما گوش نداد.

وقتی به آموزش و پرورش رفتیم گفتند مسئولیت با شماست [ستاد مرکزی سمپاد] و شما گفتید مسئولیت با آنهاست و آیا کسی به کار مدیر مدرسه ما نظارت نمی‌کند؟...

... چه کسی جوابگوی ناراحتی‌هایی است که ما کشیده‌ایم و آیا ما خدا نداریم؟ آیا خدا هم برای رسیدگی به مشکلات ما احتیاج به پارتی دارد؟ و آقای دکتر شما می‌دانید و ما شما را پدر می‌خوانیم، شما در پیشگاه خدا مسئولید؛ مسئول بی‌خبری از امور بچه‌هایتان.

آیا این درست است با وجود زحماتی که برای آمدن به این مدرسه کشیده‌ایم از آمدن خود پشیمان باشیم و بعضی‌ها قصد کنند به سایر مدارس بروند فقط به دلیل اینکه تحمل ندارند یک سال از عمرشان را بدون آموختن در چنین مدرسه‌ای تلف کنند؟ آیا این حق ماست که از دیدن قیافه‌های مدیر هم وحشت کنیم؟ نباید مدیر دلسوز و راهنمای ما باشد؟ آیا این عادلانه است که ما حق آزمایش کردن با وسایل بی‌خطر را حتی در کلاس و حیاط مدرسه نداشته باشیم؟

آقای دکتر اینها حرف دل کسی است که ۹ ماه صبر کرده و دیگر توان تحمل ندارد. من نوشته‌ام چون وقتی می‌گویند اگر خانم... برود، بدتر از او می‌آید تنم می‌لرزد و فکر می‌کنم آیا بدتر از او هم هست؟ آیا نباید در مدرسه مشکل ما حل شود؟ شما را به خدا قسم اجازه ندهید بدتر از او بیاید. به ما کمک کنید! شما را به خدا قسمتان می‌دهم به یاد فرزندان محروم خود باشید.

آقای دکتر! با وجود اینکه ۹ ماه از بحران فیزیک ما گذشته، مدیران ما با ما دشمنی می‌کند و دبیر عزیزمان سؤالهای امتحانی و حتی امتحان ترم را فروخته‌اند و حتی مشاورها هم این موضوع را تأیید کرده‌اند و در برگه‌های نظر سنجی فقط دو علامت ضربدر در عالی و بقیه در ضعیف بود و نوشته بودند پیشنهاد کلاس خصوصی در کلاس می‌دهد، سؤال می‌فرشد و.... مشاورها می‌گویند چون خانم... در اوایل سال از آقای... خیلی طرفداری کرده‌اند، الان نمی‌توانند به او چیزی بگویند.

آقای دکتر! پدر عزیزم! خواهش مندم به خاطر پیش‌برد وضعیت تحصیلی مدارس، اجازه ندهید کسانی که از یک یا چند ماده درسی نمره قبولی کسب نکرده‌اند، در مدرسه بمانند. چون اینان انتظار دارند دبیران فقط در سطح آنان مطالب را ارائه دهد و وقت کلاس را به بیهودگی و تباهی می‌کشاند. در آخر امیدوارم پوزش مرا بخاطر اینکه وقتتان را گرفتم بپذیرید. آقای دکتر لطفاً نظرات خود را در باره این موضوع به نحوی به ما منتقل کنید. اما این نامه را به هیچ وجه چاپ نکنید.

یکی از دانش‌آموزان دبیرستان فرزندگان...

نیازمند دلسوزی و یاری شما

استعدادهای درخشان: مسئولیت ما در مورد دبیران مراکز در حد اعلام جمع‌بندی نظر شما عزیزان به استان است. اگر حرف اساسی را گوش نکنند، ما هم باید به فکر راهکارهایی جهت بهتر ساختن این

وضعیت باشیم. هر چند اگر بخواهیم ریشه‌ای کار را حل کنیم باید استان حرف امثال شما را بشنود، بازرسی آگاه و بی طرف اعزام کند و چنانچه به این باور رسید که باید تغییری دهد، این کار را به انجام برساند. برخلاف نظر شما، با حذف مواردی که موجب عدم شناسایی مرکز می‌شد، نامه‌تان را به چاپ سپردیم، تا شاید در استان شما لااقل یک نفر از رنجی که می‌برید و ما را در آن شریک ساخته‌اید، باخبر شود.



نامه‌ها و نوشته‌های شما عزیزان دریافت شد:

□ اردبیل، مرکز فرز انگان، احمد جباری مقدم □ خرم‌آباد، مرکز شهید بهشتی، کیانوش رامتین □ دزفول، مرکز فرز انگان، اشرف شیخی □ زنجان، مرکز شهید بهشتی، مادر دانش آموز سهند بابالی □ شهرکرد، مرکز فرز انگان، مریم مرادی □ کاشان، مرکز شهید بهشتی، یک دانش آموز، محمد نظری □ کرمانشاه، مرکز فرز انگان، جمعی از دانش آموزان □ همدان، مرکز فرز انگان، یک دانش آموز □؟ مرکز شهید بهشتی، ولی دانش آموز ک. الف.



- ۲ نام نورانی تو در افق یاد شکفت
- ۲ بررسی میزان موفقیت طرح تحصیل همزمان در دانشجویان مستعد و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضع موجود / علی فتحی آشتیانی
- ۴ وزیر آموزش و پرورش در جمع سمپادی‌ها
- ۱۳ رسانه‌ها و استعداد‌های درخشان / دوپینگ پشت‌کنکورها؛ سخت‌تر از کنکور؛ آسان‌تر از تصمیم؛ توجه به نخبگان کشور به عنوان سرمایه‌های ملی از ضروریات است؛ گزارشی از یک ماه تلاش و موفقیت علمی دانشجویان ایران؛ دوپینگ‌های نظام آموزش؛ نشان «ابن سینا» در اخلاق علمی به یک محقق کانادایی اهدا شد؛ سفرنامه‌ای صمیمی؛ خاتمی؛ بسترهای لازم برای پرورش نخبگان
- ۲۳ گزارش عملکرد مراکز آموزشی استعداد‌های درخشان در دو دوره برگزاری المپیاد ورزشی سمپاد/ رضا گلشن مهرجردی
- ۴ گزارش برگزاری المپیاد و کارسوق ملی نجوم سمپاد
- ۴ گفتگو با استعداد‌های درخشان / دکتر رضا منصور؛ دکتر سیدعلی اکبر صفوی؛ احسان دلاویز، سجاد عبادی؛ جواد ناشی؛ زینب تورنگ؛ حامد زرگری
- ۵۱ حلی کاپ، دومین دوره مسابقات آزاد رباتیک ایران/ اسفند ۸۲
- ۸۰ گزارش و خبر / سمپاد در شورای عالی آموزش و پرورش؛ جلسه هیئت امضاء باشگاه دانش‌پژوهان جوان؛ دومین همایش ملی استعداد‌های درخشان؛ مسابقات رباتیک آلمان ۲۰۰۴. از مراکز سمپاد چه خبر؟
- ۸۶ نامه‌های رسیده
- ۹۱ صدای سمپادها
- ۱۰۳ گلشن راز
- ۱۱۴ پیش بروید و مرعوب نشوید / سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار دانش‌آموزان نخبه قرآنی و المپیادی
- ۱۱۶ کنگره قرآنی سمپاد بر پله سیزدهم / رضا گلشن مهرجردی
- ۱۲۱ گفتگو با استعداد‌های درخشان / مسعود شادنام، دکتر سیدرضا نقیب‌السادات، دکتر حسین بهنیا، منوچهر راد، آرمین مرپی، دکتر سعدی کاظمی آشتیانی، مسیح قائمان، دکتر جعفر کیوانی
- ۱۲۹ کتابخانه‌ها و مراکز سمپاد در هجدهمین سال تأسیس / جواد اژه‌ای
- ۱۸۱ رسانه‌ها و استعداد‌های درخشان/ ما پسرخاله سازمان سنجش هستیم؛ پنبه شدن رشته‌های آموزش و پرورش؛ سفرهای بی‌بازگشت؛ منطق فسازی؛ شاهراهی به سوی دانش رباتیک؛ بزرگترین سازمان تحقیقاتی کشور در آستانه فروپاشی؛ ۸۰ سال تسلیم جامعه فیزیک در برابر نظریه بوهر قابل تأمل است؛ دکتر سهیلیان برنده جایزه برترین‌های آکادمی چشم پزشکان
- ۱۸۸ گزارش و خبر / تیم ملی المپیاد نجوم سمپاد در راه اکرین؛ هشتمین دوره مسابقات جهانی رباتیک؛ کسب مقام اول رشته ریاضی نهمین المپیاد علمی - دانشجویی توسط تیم ایران؛ موفقیت انجمن نجوم دبیرستان فرزندان تهران؛ «ایستاده در باد» اثر دانش‌آموز سمپاد؛ کسب مقام چهارم تیم دانشگاه صنعتی شریف در مسابقات ریاضی؛ سومین دوره المپیاد ورزشی سمپاد؛ استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر دانشمند برگزیده سال ۲۰۰۴؛ معافیت‌های جدید سربازی؛ ابلاغ نمودار سازمانی جدید سمپاد؛ برگزاری پنجمین دوره دانش‌افزایی دبیران سمپاد؛ وقتی یک مدیر مغضوب می‌شود؛ رئیس سازمان در جمع سمپادها؛ تازه‌های نشر سمپاد؛ همراه با مراکز سمپاد؛ نشریات مراکز
- ۲۱۴ نامه‌های رسیده
- ۲۲۵ بنیاد نخبگان / جواد اژه‌ای
- ۲۴۲ از خود جوشیدین و بالیدین / سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان نمونه
- ۲۴۴ ما زنده‌ایم / مصاحبه با سرپرست سمپاد
- ۲۵۳ گفتگو با استعداد‌های درخشان / دکتر اکرم امانی، امید مجد، رضا امیرخانی، پروفیسور توفیق موسیوند، حمید عجمی، بهزاد مهرداد
- ۲۷۵ مقررات نحوه خدمت و وظیفه فرهیختگان و نخبگان
- ۳۱۲ سومین المپیاد ورزشی سمپاد / مهدی صداقت
- ۳۱۹ رسانه‌ها و استعداد‌های درخشان / رهاورد نجوم ایران از کریمه؛ حضور موفق ایران در غیاب تیم ملی خود در المپیاد نجوم؛ درخشش اندیشه‌های واقعی در دنیای مجازی؛ طراحی یک هواپیمای آموزشی توسط یک بانوی متخصص ایرانی؛ ایران سی‌امین کشور تولیدکننده مقاله‌های علمی؛ مرا دریاپ تا امروز؛ قطب‌های علمی، زمینه‌ساز جذب نخبگان و توسعه پایدار کشور
- ۳۲۳ پرسشهای شما
- ۳۵۰ گزارش و خبر / اعتبار مسابقات رباتیک ۲۰۰۴ پرتغال تأیید شد؛ نشریه «سلامت» توسط جمعی از فارغ‌التحصیلان سمپاد منتشر شد؛ تازه‌های نشر سمپاد؛ افتتاح مرکز پیش‌دانشگاهی فرزندان تهران، تقدیر از برترین‌های شهرستان‌های تهران؛ آخرین جلسات شورای هدایت استعداد‌های درخشان، اولین تیم ملی نجوم با حضور پنج فرزاندگانی؛ اصلاح دو خبر؛ همراه با مراکز سمپاد؛ نشریات مراکز
- ۳۵۵ ما می‌توانیم
- ۳۶۲ یک نتیجه منحصر به فرد (نگاهی به حضور سمپاد در تیم‌های ملی المپیادهای ایران در سال ۱۳۸۳) / جواد اژه‌ای
- ۳۶۴ رسانه‌های و استعداد‌های درخشان / ۱۵ درصد از اعزام شدگان بورسیه‌های پزشکی به کشور باز نمی‌گردند؛ طرح غربی‌ها برای جذب مهاجران ایرانی؛ ایران در جمع ده کشور برتر هسته‌ای جهان؛ نخبگان و گامی در مسیر؛ از جازن هایکینز تا شهید بهشتی؛ راهی برای ماندگاری؛ فرار مغزها، معضل جدید عراق؛ خواستن توانستن است؛ مهاجرت بدون بازگشت؛ OCR چیست؟
- ۳۸۴ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- ۴۲۱ گفتگو با استعداد‌های درخشان / فیروزه شهسوارانی، حمید عجمی، منا صالحی، عارفه قدسی‌زاده، داوود و دانش‌مرادی
- ۴۲۹ ششمین جشنواره جوان خوارزمی و هجدهمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی / جواد اژه‌ای
- ۴۵۸ گزارش و خبر / بیست و ششمین جلسه هیئت امضاء باشگاه دانش‌پژوهان جوان؛ بیست و ششمین جلسه هیئت امضاء سمپاد؛ آمار دانشجویان استعداد‌های درخشان دانشگاه تهران؛ مرگ گامی ریحان می‌چیند...؛ جلسات شورای هدایت استعداد‌های درخشان در آموزش عالی کشور؛ چهارمین کنگره قرآنی سال اولی‌ها؛ دومین دوره طرح حمایت از پروژه‌های دانش‌آموزی سمپاد؛ اولین کارسوق ملی عصب‌شناسی سمپاد؛ همراه با مراکز سمپاد؛ نشریات مراکز
- ۴۶۸ نامه‌های رسیده
- ۴۷۸ فهرست مندرجات ۴ شماره سال ۱۳۸۳
- ۴۸۷